بسمه تعالی

ساعت قیامت-ساحت قیامت: جهنم یا بهشت؟

نوشته نادر حسن زاده

در مورد بهشت و جهنم مطالب زیادی نوشته شده و خواهد شد. بعضی توضیحات روشن و بعضی مبهم است. حق هم همین است. توصیف نادیده هاست از سوی خدا و تفسیر گفته هاست از سوی بندگان خدا. مسئله هم ساده است و هم غامض. هرچه انسان مادی تر تصویر دنیای دیگر ناممکن تر. اما پای او همیشه جای سفت نیست. بزنگاه ها زیاد است، عمرها کوتاه است، بلایا فراوان است، ندامت ها بی پایان است. خدا انسان دانا را دوست می دارد زیرا می داند درک و فهم او بالاست. او احتیاج به استدلال علمی و منطقی ندارد. به چشم خود می بیند که نظام آفرینش قانونمند است. تدبیر او فوق تدبیرهاست. پس به خود می گوید این نظم محصول کار دقیق میلیاردها ساعت پنهان و آشکار است. از ساعت قیامت گرفته تا ساعت طلوع و غروب خورشید و تا ساعت بیولوژیکی و چند ساعت دیگر که در این مقاله به آن اشاره خواهد شد. اما چرا باید انسان اینقدر مایوس باشد که بنویسد:"تجسم تصویر جهنم برای مردم آسان تر از تخیل بهشت است! (people, throughout the ages, have always found it much easier to picture hell). قیامت که برای سوزندان نیست، برای ماندن است، برای دیدن شاهکارهای خدا هست، برای گرفتن لوح از دست خدا است. شنیدن سلام از سوی خدا است. فقط کمی همت، انسانیت، عقلانیت، دقت، مراقبت، رافت و.. می خواهد. همین. این کارها هم اگر از اشرف المخلوقات ساخته نباشد که کار او زار است. معامله با خدا دو طرفه است اما پاداش خدا یک طرفه است. معامله برد- برد در کار نیست. برد انسان، رضایت خداست. جلب رضایت او هم سخت نیست وگرنه علی(ع) در دعای کمیل نمی فرمود "یا سریع الرضا". اگر چنانچه مردم دنیا می توانستند به آن دنیا رفت و آمد بکنند مثل رفتن به شمال یا خارج از کشور یک روز هم برای رفتن به آن دنیا درنگ نمی کردند. روزها در صف آن دنیایان می ایستادند و از هرکاری از جمله پز دادن و سبقت گرفتن فروگذاری نمی کردند. اما حیف که مدت امتحان دنیا به جای چند ساعت، چند سال است! و از آن مهمتر وجود این ترس و دلهره همیشگی است که نکند زیر پایم یک دفعه خالی بشود و پایم به جای قرار گرفتن در منطقه سبز بهشت در قعر جهنم فرو برود! بهشت بهترین هدیه خدا به انسان و جهنم بدترین کادوی انسان به خداست. برای بهشت و جهنم بدلی نیست. مواظب تن خود در این دنیا باشید، تن پوش آن دنیا زیباست. از حریر است.

لذا برای ما مسلمانان مدعی تنها ضمانت ورود به بهشت محاسبه دقیق اعمال روزانه است.

تاریخ نشر۱۳۹۵/۱۱/۱۵. تاریخ سی و ششمین نسخه بازبینی ۱۴۰۲/۲/۳

فهرست مطالب

- اهمیت روز قیامت
- معاد میعادگاه بی نظیر خدا
- رحمت واسعه خدا شامل همه بندگان
- صفات اهل جهنم
- ساعت نمادین روز قیامت یا روز رستاخیز (Doomsday Clock)
- ساعت واقعی روز قیامت
- قیامت با شکوه ترین خلقت خدا (کار خدا قیامت است)
- آیات قیامت (معاد)
- نظرات و نوشته های سابق و بعضا جدید من در مورد معاد و قیامت
- انسان نوظهور. با جسم زمینی ساخته پرداخته با مواد آسمانی
- عالم برزخ (مراجعه شود به نوشته دو بار زندگی و دو بار مرگ- اینست بدترین زندگی، ۱۴۰۱ در همین سایت)
- سوره حمد: سوره دنیا و آخرت
- شروع روز قیامت با یک زلزله سهمگین در زمین و یک ویرانی در آسمانها
- آیا زمین هموار و توسعه یافته مناسب برقراری روز قیامت است و یا زمین ها و یا بی زمین های فراخورشیدی؟
- آیه استثنائی در توصیف وسعت جنت
- سه قطعه بهشتی روی زمین
- خلقت یک سلول کامل انسان (بنیادی) و تمایز آن به انواع سلولهای بدن
- مطالب و یافته های جدید:
- عرصه قیامت در زمین یا آسمان؟
- سه گروه حاضر در عرصه قیامت
- نظر اجمالی اهل تشیع در مورد قیامت
- نظر اجمالی اهل تسنن و فرقه نقشبندیه در مورد معاد و قیامت
- جمع بندی اجمالی
- توصیف بهشت و ابواب آن از منظر قرآن و روایات
- تفاوت ساعت خدا با ساعت ما
- ساعت های پنهان و آشکار دنیا و آخرت و رابطه این ساعت ها با انسان
- آشنائی با فرمولهای دنیا و آخرت
- مقایسه ورقه های امتحانی دنیا با آخرت
- تعداد بهشت ها

- قضیه دو یا چهار جنت (جنتان)
- جنت جسمانی- جنت روحانی
- ایراد مهندسی امروز مسجد الحرام
- ساعت های وجودی بدن انسان
- ساعت های بیولوژیکی بدن انسان (ساعات زیستی بدن)
- بهشت و ابواب آن
- توصیف بهشت و ابواب آن از زبان علی (ع)
- جهنم و ابواب آن
- توصیف جهنم و ابواب آن از منظر قرآن و روایات
- طبقات جهنم
- تصور نادرست ما از حیات در کرات و سیارات دیگر تا حیات در روز قیامت
- انطباق مفاهیم علمی با موضوع جهنم و بهشت:
- پدیده حدنصاب حسگری (quorum sensing)
- پدیده بیوفیلم (biofilm)
- پیش آگاهی بیماری و تعیین آستانه های خطر آلودگی (threshold risks)
- ساعت بیولوژیکی شکوفه (blossom clock)
- ساعت بیماری (disease clock)
- ساعت پاتوژن (pathogen clock)
- اشعار منتخب مربوط به معاد

معاد میعادگاه بی نظیر خدا

همه خلقت ها یک طرف، طراحی یک زندگی ابدی با ویژگیهای متعالی و غیرقابل وصف در روز قیامت و معاد یک طرف. باید رفت و دید. شنیدن کی بود مانند دیدن. عجیب است وعده قیامت، برخورداری از یک حیات پر زرق و برق و پر از نشاط و رونق است اما هیچ انسانی برای رفتن به آنجا اظهار علاقمندی نمی کند. دنیا را بر آخرت را ترجیح می دهد. بعضی ها به سیم آخر می زنند و منکر قیامت می شودند. علت چیست؟ مجانی نرفتن است. تکلیف چیست؟ خوب زیستن مثل آدم زیستن است. کارنامه پر و پیمان داشتن است. امید داشتن به رحمت واسعه الهی است.

در جهان یک بی جهانی حاکم است

حاکمان و یک جهانی حاکم است

حکم اگر آید به ما هم حاکیم

حکم ایزد تا قیامت حاکم است

اگر قیامت نبود؟

قدر و منزلت معنا نداشت. قیمت نداشت. تکامل معنوی و اعتلای روحی انسان بی فایده بود. کار بی مزد بود. محو مفت بود. اجر مغبون بود و انسان متقی مظلوم.

می توانست انسانها را خودی و غیر خودی کند. خوبها را در آن دنیا حفظ کند و بدها را بر نخیزاند.

چنین نکرد زیرا در آن موقع صدای جهنمی ها در می آمد که خدایا رحمت رحمت به ما هم رحمت.

بنابرین، همه محتاج ادامه بقای دائمی در آن دنیا هستند. منتها تعدادی با نشاط و تعدادی بی نشاط. تعدادی با نشان و صدنشان و تعدادی بی نشان و بد نشان

کاش دو جهانی بودیم

جای دگر هم بودیم

در نزد خدا بودیم

محو تماشا بودیم

از این گذر بودیم

چون رهگذر بودیم

کاش در محراب عبادت بودیم

کاش در سایه دولت بودیم

کاش محبت را بودیم

کاش محمد را بودیم

کاش خارج از این دنیا بودیم

ساخته دیگر بودیم

مخلص بیشتر بودیم

کاش عین سفارت بودیم

کاش میل قیامت بودیم

کاش موسی ی عمران بودیم

کاش یوسف کنعان بودیم

کاش محضر دیگر بودیم

کاش ساعت دیگر ساحت دیگر بودیم

کاش منازل را یکجا بودیم

کاش مقابر را در بغل هم بودیم

کاش پژواک خدا بودیم

کاش اهل نماز بودیم

کاش سجاده را نشان بودیم

کاش عمامه را ادب بودیم

کاش دیر و زود بودیم سوخت و سوز نبودیم

کاش عصرانه را با هم بودیم

هنگامه را همگام بودیم

کاش جنت مکان بودیم

جنت ما را می دادند ما هم بودیم

درب جهان را نگشوده ما هم بودیم

حتما قیامت با هم بودیم

رحمت خدا واسعه و عذاب او خاصه است

جهنم جای هر کس نیست. جای کرکس است. بدکس است. بدکسان است. بد خمار است. بد نهاد است. بد سواد است. بد خواب است. بد ذات است. در پروسه تولید معیوب بدنیا آمده اند. باید اسقاطی می شدند در جوامع انسانی رها شده اند. رها شدگان حتما از حیوانات هستند. اگر این جرثومه های فساد نبودند خدا به بندگان خود فقط وعده بهشت می داد. اما او خالق است می داند انسان به حال خود گذاشته شود خواسته و ناخواسته به سمت گناه می رود. مرز نشناسد مرتکب گناهان کبیره می شود. پس جهنم را مرتب به بندگان خود گوشزد می کند تا بهشت را ارزانی او بکند.

دلیل: این پاسخ خدا به دعا و استغاثه حضرت موسی (ع):

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ- و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت نیز زیرا که ما به سوی تو بازگشته ایم فرمود عذاب خود را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند مقرر می دارم.

بنابراین ترس از عذاب جهنم، خاص منکرین و مشرکین و منافقین است. کسانی که از آئین باطل پدران خود دست بر نداشتند. کورکورانه تقلید کردند. عنان زندگی خود را تماما به شیطان سپردند. دنیاپرست کامل شدند. به اسفل سافلین سقوط کردند. **به جای اینکه چون مومنین در دَارِالسَّلَامِ تشریف داشته باشند (یونس/۲۵) ترجیح دادند در دَارَالْفَاسِقِينَ سکنی بگزینند** (اعراف/۱۴۵).

۱. **چون چهارپایان اند. می خورند و می خوابند:** إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ – خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغهایی که از زیر درختان آنها نهرها روان است درمی آورد و حال آنکه کسانی که کافر شده اند در ظاهر بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند می خورند ولی جایگاه آنها آتش است (محمد/۱۲).

۲. **چون سگانند. اگر بر آن حمله کنی و یا به حال خود واگذاری به عوعو زبان می کشند:** وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ – و اگر می خواستیم قدر او را به وسیله آن آیات بالا می بردیم اما او به زمین [=دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد از این رو داستانش چون داستان سگ است که اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی باز هم زبان از کام برآورد این مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را برای آنان حکایت کن شاید که آنان بیندیشند (اعراف/۱۷۶).

۳. **چون دواب هستند. پیمان شکن هستند. کر و لال هستند. بدترین موجودات هستند:** إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ – بی تردید بدترین جنبندگان پیش خدا کسانی اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی آورند (۵۵) همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می شکنند و [از خدا] پروا نمی دارند (انفال/۵۶-۵۵). یا إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ– قطعا بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالانی اند که نمی اندیشند (انفال/۲۲).

۴. **خیلی پست تر از اینها هستند. حیوان نیستند گمراه ترین اند:** أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا– یا گمان داری که بیشترشان می شنوند یا می اندیشند آنان جز مانند ستوران نیستند بلکه گمراه ترند (فرقان/۴۴).

۵. **بیش از اینها هستند. از جنس و انس هستند. از غافلون هستند. برای جهنم خلق شده اند:** وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ – و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم چرا که دلهایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوشهایی دارند که با آنها نمی شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند آری آنها همان غافل‌ماندگانند (اعراف/۱۷۹).

پس مخاطب این مقاله نه نومیدی که امید واثق به رحمت الهی است. توبه تنها راهکار مناسب خدا برای نرفتن به جهنم و رفتن به بهشت است. هرچه زودتر خط خود را از افراد و اقشار فاسد جدا کنیم یک گام جلو هستیم. فرصت را نباید سوزاند. مهلت ها را نباید ضایع کرد. از بیم های خدا باید هراسید. تا آن هنگام نباید سراغ ساعت قیامت را گرفت که این کنجکاوی نشانه بی خردی محض است.

ساعت نمادین روز قیامت:

- **خبر مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۷ خبرگزاریها**: گروه دانشمندان اتمی، عقربه های ساعت روز قیامت یا روز رستاخیز (Doomsday Clock) را که نماد نزدیکی به جنگ نابودگر اتمی است، نیم دقیقه جلو کشیدند و آن را روی دو و نیم دقیقه به نیمه شب (زمان وقوع جنگ) قرار دادند! علت این تعجیل، انتخابات اخیر آمریکا و تصمیمات و اقدامات محیرالعقول آقای دونالد ترامپ رئیس جمهور جدید آمریکا است! حالا این ساعت تنها دو و نیم دقیقه تا نیمه‌شب، که زمان وقوع جنگ اتمی ویرانگر است، فاصله دارد.
- این ساعت فرضی خطر روز افزون جنگ هسته ای، خطرات مربوط به گرم شدن آب و هوا در جهان و نیز نابودی تمدن بشری را نشان می دهد و عقربه های آن با توجه به وقایع دنیا، به ساعت ۲۴ نزدیک و یا از آن دور می‌شود.

- در سال ۱۹۴۹ میلادی بدلیل شروع جنگ سرد عقربه های آن روی ۳ دقیقه مانده به نیمه شب تنظیم شد. و در سال ۱۹۵۳ میلادی روی ۲ دقیقه به نیمه شب تنظیم شد. در آن سال آمریکا اولین آزمایش بمب هیدروژنی خود را انجام داد (شکل ۱).



شکل ۱. تغییر دستی عقربه های ساعت قیامت بیانگر خطر تهدید نابودی حیات بشر روی کره خاکی است.

ساعت واقعی روز قیامت:

- قیامت بزرگترین، خلاق ترین، هوشمندترین، با صفاترین، باشکوه ترین، خدائی ترین،... خلقت خداست. ساعت قیامت به تبع اولی دغدغه هر انسانی است. این ساعت (علم) خاص خدا، نزد خدا، آن خدا است.

السَّاعَةَ کجاست آن خداست

خوش تر از روز خدا روح خداست

رفتن از سوی زمین سوی خداست

دیدن روی خدا سور خداست

- پس وقوع ساعت قیامت به تریلیاردم ثانیه است. یک آن و یک لحظه:

راه آنجاست کار آنجاست

بازی ما رفتن تا آنجاست

- إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ- از ساعت قیامت تنها خدا آگاه است (فصلت/۴۷).

-و مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ- تو چه می دانی شاید رستاخیز نزدیک باشد (شوری/۱۷)

- يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ.....کسانی که به آن ایمان ندارند شتابزده آن را می خواهند و کسانی که ایمان آورده اند از آن هراسناکند و می دانند که آن حق است بدان که آنان که در مورد قیامت تردید می ورزند قطعا در گمراهی دور و درازی اند (شوری/۱۹).

- وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ- وعلم قیامت پیش اوست (زخرف/۸۵).

- وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ- عیسی علم و نشانه ای ساعت قیامت است. پس زنهار در آن تردید مکن و از من پیروی کنید این است راه راست (زخرف/۶۱). این یعنی عیسی (ع) زنده است. هر آن

آماده ظهور است. ظهور او زمینه ساز قیامت است. به تعبیر دیگر آن بزرگوار کرنومتر خدا برای اعلام روز قیامت است. درست است علم قیامت نزد خداست اما عیسی (ع) هم نزد خداست. وسیله اعلام عنقریب قیامت است. این افتخار آن پیامبر گرام است.

قابل توجه همه مومنین ادیان آسمانی که ادیان را مثل ممالک بین خود تقسیم کرده اند. مرزهای ساختند که خدائی نیست. ماموریت ها و رسالت های انبیا در دو جهان فوق العاده است. تقسیم کار بین ایشان از معجزات بی بدیل خداست. بی تردید تاریخ مبعوث شدن ایشان اگر جابجا می شد هدایت تکوینی و تقنینی انسان ناقص بود. قرار نبود همه آیات کتب آسمانی (صحف و تورات و انجیل) چون قرآن محفوظ بماند. **اما قرار بود قرآن نسخه نهائی برای تائید یا تکذیب آیات جعلی باشد** (....وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (یونس/۳۷) و یا وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (یوسف/۱۱۱)- قرآن با آیات محکم و استوارش تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و شرح و توضیحی بر هر کتاب آسمانی است، در آن هیچ تردیدی نیست. از سوی پروردگار جهانیان است. بیانگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان دارند، سراسر هدایت و رحمت است.

اما تفسیر آیه وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ در کتاب المیزان اینگونه آمده است: ضمیر إِنَّهُ به عیسی (علیه السلام) برمی گردد و مراد از اینکه می فرماید عیسی علم به قیامت است این است که وسیله علم به قیامت است. معنای آیه این است عیسی وسیله ای است که با آن می توان به قیامت علم یافت، برای اینکه هم خودش بدون پدر خلق شده، و هم اینکه مرده را زنده می کند، پس برای خدا کاری ندارد که قیامت را بپا کند، و موجودات مرده را زنده کند، پس در مسأله معاد شک نکنید، و به هیچ وجه تردید نداشته باشید.

بعضی دیگر در معنای جمله عیسی علم به قیامت است گفته اند: مراد این است که آن جناب یکی از دلیل های نزدیک شدن قیامت است که قبل از قیامت به زمین نازل می شود، و مردم از آمدنش می فهمند که قیامت نزدیک شده است. بعضی دیگر هم گفته اند: اصلا ضمیر إِنَّهُ به قرآن برمی گردد، و معنای اینکه قرآن علم به قیامت است، این است که آخرین کتابی است که از آسمان نازل می شود، و با نزولش همه می فهمند که تا قیامت دیگر کتابی نازل نمی شود. لیکن این دو وجه نمی تواند تفریع و نتیجه گیری فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا را آنطور که باید توجیه کند.

- وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ- اگر راست می گوئید وعده قیامت کی خواهد بود؟ بگو شاید برخی از آن عذاب که برای وقوع آن شتاب می کنید هم اکنون در پی شماست (نمل آیات۷۲-۷۱). خیلی توصیف زیبائی است بهتر از این نمی شد.

- يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ- از تو در باره قیامت می پرسند که وقوع آن چه وقت است بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است جز او هیچ کس آن را به موقع خود

آشکار نمی گرداند این حادثه بر آسمانها و زمین گران است جز ناگهان به شما نمی رسد باز از تو می پرسند گویا تو از زمان وقوع آن آگاهی بگو علم آن تنها نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی دانند (اعراف/۱۸۷).

- عذاب و برکات خدا دو دنیائی است. این دنیا و آن دنیا ندارد. جهان خلقت جهان یک پارچه است. با زندگی، مرگ و با مرگ، زندگی است. آنهم نه زندگی بلکه یک تکامل ویژه برای یک خلق جدید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ- و کافران (به تمسخر و استهزاء مؤمنان، با مردم) گفتند که آیا می‌خواهید شما را به مردی (پیامبر اسلام) رهبری کنیم که شما را خبر می‌دهد که پس از آنکه مردید و ذرّات جسمتان متفرق و پراکنده گردید از نو (خلق جدید) باز زنده خواهید شد.

همین کافران امروز هم هستند. فکر می کنند زندگی همین دنیاست و با مرگ پایان می پذیرد (إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ- این مشرکان پیوسته می‌گویند: غیر از این مرگ اول ما (چیز دیگری در کار) نیست و ما بار دیگر زنده نخواهیم شد. دخان/۳۵). در حالیکه نمی دانند برخلاف پرهیزکاران اینها دو بار مرگ را تجربه می کنند و چه تجربه تلخی (مراجعه شود به نوشته دو بار زندگی و دو بار مرگ- اینست بدترین زندگی، ۱۴۰۱ در همین سایت) آنها بدون داده و اینها با داده! آیه ائی به این مهمی و مبتنی با علوم غیبیه و بسیار مبتکرانه و نوع آورانه که می تواند برای اثبات تکامل بعد از مرگ و تا رسیدن به روز موعود قیامت سر منشا تحقیقات ویژه باشد و گواهی بر علمیت دین اسلام و اخبار غیبیه قرآن باشد، اینگونه به استهزاء گرفته می شود و بدبختانه تا به امروز همه دنبال معجزه ائی از پیامبر (ص) می گردند و عامدانه و یا ناشیانه نمی خواهند به این **معجزه بزرگ قرآن** که نظایرش هم کم نیستند سر فرود بیآورند.

کلی مطلب در همین دو کلمه إِذا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ مستتر است. معلوم است آن دنیا این دنیا نیست. زیست متفاوت است. سبک زندگی متفاوت است. زیبائی های آخرت است. حیف مسلمانها از آیات پس از گذشت ۱۴ قرن نمی توانند دفاع بکنند. تفسیرها به اینجا که می رسند متوقف اند. اساتید هم چسبیدند به فرضیه داروین و بعد آن که همه این یافته های با ارزش روی زمینی است و نه زیر زمینی و نه از زمین دنیا تا زمین قیامت. ول هم نمی کنند. **در حالیکه این آیه، تکامل را پس از مرگ مطالعه می کند. فکر امروز هم نیست. بیش از ۱۴۰۰ سال قبل است. ذکر قرآن با لبان مبارک رسول (ص) است. اینست دین علمی.** تکامل پس از مرگ! (مراجعه شود به مقاله (مراجعه شود به مقالات مبدا و معاد انسان خردمند امروزی- هوموسپین، آفرینش های خدا و کاوشگری های انسان و قرآن جعبه نور (Lux light box) نهاد اسلام- قسمت ششم در همین سایت).

- مومنین سیاح این دنیا و سرور آن دنیا هستند. برعکس، کافرین به جا مانده و در جا مانده این دنیا هستند. به اختیار ایشان بود رحم کوچک مادر را بر زمین فراخ ترجیح می دادند. جمود فکری چه می کند؟ ضد قانون خلقت است، تکامل گریز است، به ساعت دنیا بیشتر مانوس است تا ساعت قیامت. مکافات اعمال خود و دیگران را بارها و بارها در عمر کوتاه خود تجربه کرده اند اما موافق تصادف و مخالف تدبیر الهی هستند. دلواپس بودن برای ارتکاب اعمال زشت و نابخشودنی بهتر از بی خیالی در ارتکاب گناهان فردی و ملی است. دلواپسی آغاز شمارش عقربه های ساعت

قیامت برای دلواپس است. برعکس، جبران خطاها در آن هنگامیکه فرد در قید حیات است تضمینی برای ورود آبرومندانه به ساحت قیامت است.

- واژه ساعت از نامهای (اسماء) قیامت است و ۴۸ بار در قرآن تکرار شده است. ساعت قیامت خدا متفاوت از ساعت قیامت ساخت بشر است. درست است این ساعت هم جزو ساعت های مشهور است اما بیشتر تسریع کننده است تا تعیین کننده. بشر اینقدر که از رفتار این و آن می ترسد از روز قیامت هراسی ندارد. زیرا برای ایشان حال مهمتر از فردا هست!!
- برای من که مرتب در این باره فکر می کنم، تحقیق می کنم و می نویسم بهترین روز انسان، معاد؛ بهترین خلقت خدا، بهشت؛ بهترین زمان اجرای عدالت، قیامت و بهترین مرجع توصیف قیامت، قرآن کریم است. زندگی والا و مانا شعار روز قیامت است. دنیائی که هر روز و هر لحظه اش متفاوت است، اینقدر تنوع و ابتکار عمل است که ابتکار عمل از انسان بکلی سلب بشود. عزت-نعمت-لذت سه رکن رکین قیامت است. توصیف آن دنیا صرفا یک نشانه است. و گرنه بقول مرحوم محمد رضا آقاسی خبر آمد خبری در راه است.
- این چند روزی هم که مشغول تهیه این متن بودم هرچه بیشتر خواندم بیشتر به عظمت علی (ع) و اعتبار سخنان علی (ع) در نهج البلاغه پی بردم. حتی اهل تسنن هم در این موضوعات سخت و پیچیده آدرس علی را می دهند!! آنوقت این کتاب در ایران تعطیل است! جزو کتابهائی است که بیشتر خاک خورده و کمتر پاره شده است! شیعه او امروز هم از او پرسشی ندارند! درخواست او از اهل زمانه خود این بود"سَلونی قَبلَ اَن تَفقِدونی- از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید". آنها در پاسخ از تعداد موهای سرخود می پرسیدند و این نسل که ما باشیم از تعداد پیچش موی خود پرسش می کنیم! با این وصف، اگر علی سر در چاه نکند و گریه سر ندهد چه بکند؟ علی موحد ثانی اگر به این مقام نرسد که بفرماید"لَوْ کُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ یَقِینا- اگر پرده ها برداشته شوند، چیزی بر یقین من افزوده نمی شود" چه کسی جز او به این مرتبه فوق بشر برسد؟ در ادامه بیشتر خواهم نوشت چرا رسول خدا فرمود"انا مدینهٔ العلم و علی بابها- من شهر علم هستم و علی درب آن شهر".

آیات مربوط به معاد و قیامت:

- می گویند یک سوم/ یک چهارم/یک پنجم آیات قرانی مربو ط به آیات قیامت است. مهندس عبدالعلی بازرگان امروز صبح (۱۳۹۶/۶/۲۷) در برنامه پرتو نور می گفت "آیات قیامت اوائل بعثت، آیات توحید در اواسط رسالت و نماز و روزه و دیگر احکام عبادی اسلام سالهای آخر بعثت به پیامبر گرامی نازل شده است". جز این بود باید شک می کردیم. کل قرآن ترتیب و ترتیل است، تهذیب است. با من بیا است، عینک به دور است، شفاف ببین است، با من بمان است. آدم اش را که پیدا کرد او را بدست آیات خود می سپارد تا هم غور کند و هم تماشا. هم درس علم بیآموزد و هم دعا. علم برای دین و دعا برای درنوریدن.

اما چرا آیات قیامت بیش از آیات مربوط به قبل از تولد انسان و زندگی کوتاه او در روی زمین است؟ معلوم است. دوره جنینی ۹ ماه، دوره دنیوی حدودا ۱۰۰ سال، دنیای اخروی مادام العمر.

نظرات و نوشته های سابق و بعضا جدید من در مورد قیامت:

- ابتدا مایل هستم مطالبی را که جدیدا از قرآن برداشت کرده ام (۱۴۰۰) و نیز برداشتهای قبلی خود در مورد بهشت و جهنم که تعدادی به صورت نظر (کامنت) انتشار یافته است را در اینجا بازتاب بدهم و سپس در مقایسه با نوشته قبلی خودم تحت عنوان "بهسازی یا بازسازی دینی؟ کدامیک؟" (همین سایت) با یافته های جدید در رشته تخصصی خودم که باکتری شناسی گیاهی است شفاف تر از قبل کندوکاو مجدانه بکنم. این تحقیق جدید دنیای دیگری را به روی من باز کرد که قبلا بسته بود. تکامل و تکوین نوشته های قبل و حال حاضر این روند تکاملی را نشان می دهد.
- اما علت توجه من به این موضوع نگرانی شخص خودم از آینده خودم است. از اینکه مسلمان زاده باشم اسلام شناس نباشم، قرآن خوان باشم، قرآن دان نباشم، پرسشگر نباشم پاسخگو نباشم، جسمم پیر باشد فکرم جوان نباشد و.. درد است آدم مسلمان باشد هدف نداشته باشد، عابد باشد عاقل نباشد، مریخ باشد توجه نباشد، هسته عالم باشد پوستخوار باشد، دنیای سلول باشد بیرون سلول باشد..، تمام فکر و ذکرمان این باشد که علم بهتر است یا ثروت! و چون مکانت و منزلت مناسبی برای گفتن الله اکبر نداریم آن را در هر جائی و برای هرکاری مصرف می کنیم حتی اگر مناسبت گفتن آن به خون کشیدن چند ده مسلمان روزه دار در حال اقامه نماز باشد!

از آن طرف انسان متمدن امروزی بخاطر مدرنیته نور بیش از حد دیده است! نور چراغ های ملون او را از آن دنیا بی خبر گذاشته است! از خدا مستغنی کرده است! و چون همه چیز را مفت گیر آورده آن را مفت حراج می کند. چند کلاس سواد، چهار درهم پول سیاه و یک میز و صندلی بزرگ او را مغرور دنیا کرده است! درد وقتی بیشتر ملموس است که دینداران ما هم دنیا زده باشند. شروع قیامت را از آن دنیا بدانند. البته تدابیر خدا برای هر دوره ائی/نسلی مشخص است. سد کردن راه، ندیدن چاه، فراموش کردن مکافات عمل، نابودی اقوام، تخریب بناها، سرنگونی ملک ها و ده ها عواقب دیگر.

آیات قرآن از جمله آیات ۱۰-۹ سوره یس بر این موارد صراحت دارد "و از پیش و پس برآنها سد کردیم، و برچشمشان هم پرده افکندیم که هیچ نبینند. چه آنها را بترسانی یا نترسانی یکسان است زیرا هرگز ایمان نمی آورند". این افراد شیطان زده هستند، رها شده هستند، باب آدم های ناباب هستند. معلوم است این دنیازدگان، دنیا را به آتش، غارت و جنایت می کشند. رها کردن این افراد از سوی خدا در دنیا رواست اما در آن دنیا ناروا است (وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ- وای بدکاران امروز شما جدا شوید (یس/۵۹).

دولت های موفق دولت هائی هستند که این کار را در حد مقدور در قلمرو حکومت خود انجام می دهند تا از دیگران سلب آسایش نشود.

۱. **بهشت و جهنم موجود است. فقط ما نمی بینیم. برای بهشتیان ورودشان آسان است. بطور روزانه و بلکه به ثانیه است.** برای جهنمیان درکش سخت است اما آتشش نزدیک است اما نه به نزدیکی بهشت به بهشتیان. موقتا آتش همه وجود ایشان را احاطه کرده است اما به سر و صورت و پا نزدیک نشده است. زیرا خدا به اینها فرصت لذت و برخورداری در دنیا را درحد کمال داده است. زیرا معامله آنها با دنیاست. اما اینگونه نیست که آثار آن را در وجود خود، فرزندان خود، در سرنوشت محتوم خود روزانه مشاهده نکنند. برای بهشتیان این قابل لمس تر است زیرا ثانیه به ثانیه تقرب به خدا را با توفیقاتی که خداوند در پیش پای ایشان می گذارد مشاهده می کنند. سوژه خدمت نمی

خواهند سوژه خود سراغ ایشان می آید. بیدار نمی خواهد باشند در خواب هم می بینند. سیر و سلوک شبانه روزی دارند. برای جهنمیان اما چون به درد کور چشمی و سنگ دلی و رو سیاهی مبتلا شده اند این درک تقریبا در حد صفر است. وقتی هم که چوب خدا را می خورند باز منشا آن را پیدا نمی کنند. زیرا به منشا اعتقادی ندارند. آنتن ردیابی آنها صفر است. خدا نکند به زیر صفر برسد. شاید آیات زیر به هر دو گروه کمک کند بهتر دنیا و آخرت را بشناسند و برای روز موعود از همین جا آماده باشند.

- قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قالَ يا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ-سرانجام او را (حبیب نجار که یکی از مومنین و صدیقین عصر حضرت عیسی بودند و به صاحب یاسین معروف است) شهید کردند. به او گفته شد: به بهشت وارد شو. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند (یس/۲۶).

-جَنّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَانُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا- بهشت های جاویدی که خدای رحمان به بندگانش وعده داده درحالی که اکنون از نظرها پنهان است، یقیناً وعده خدا آمدنی است (مریم/۶۱).

-يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ* يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ- آنان شتاب در آوردن عذاب را از تو می خواهند، بدون تردید هم اکنون دوزخ بر کافران احاطه دارد* آنان را متوجه روزی کن که عذاب از بالای سرشان و از زیر پایشان آنان را فرو پوشاند و خدا به آنان می گوید: آنچه را همواره انجام می دادید اکنون به صورت سخت ترین عذاب بچشید (عنکبوت/۵۵-۵۴).

۲. خواندن به سوی بهشت همان مقدار در سرنوشت و تصمیم انسان تعیین کننده است که انذار جهنم (وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ- و آنها را از آن روز قریب الوقوع بترسان آنگاه که جانها به گلوگاه می رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد (غافر/۱۸).

۳. سوره توحید سوره دنیا و قیامت است. اگر چنین نبود در اول نمازهای یومیه اقامه نمی شد. در جای جای ارکان نماز آنچه موج می زند نام پروردگار عالم است. الله اکبر. شروع حمد، پایان حمد و سوره، بعد از رکوع، بین سجود و بعد سجده، در قیام ها، در تشهد کلمه تمام کننده "الله اکبر" است. این "الله اکبر" کجا سر بی گناهی را بریدن کجا؟ این "الله اکبر" کجا، در بین نمازگزاران رفتن و جلیقه ائی را منفجر کردن کجا، سفارت خانه ائی را گرفتن و آتش زدن کجا؟ وصیت نامه غیر اسلامی نوشتن و یک خانواده و بلکه یک نسل را از هم دور کردن و منزجر کردن کجا؟ و ده ها خلاف کوچک و بزرگ دیگر کجا؟ آیا نه اینست مسلمانان بین این دو الله اکبر تفاوتی قائل نیستند؟ اساسا قرنهاست این امت سوراخ دعا را گم کرده است؟ سخت بود این مسلمانان قاتل و خائن و بیکار و منافق و جاهل و مفت خور یک لحظه به محتوی اذکار بین دو الله اکبر نماز توجه می کردند می دیدند بین دو الله اکبر رکعت اول، دوم، سوم و چهارم و رکوع ها و سجود چه اذکاری خدا به ما آموخته که بواسطه آن با او هم کلام و هم صحبت بشویم.

بطور مثال در همین رکعت اول سوره های حمد و قل هو الله حرف ما با خدا چیست؟ کشتن بی گناه است؟ خیانت است؟ ایجاد رعب است؟ بدنامی دین است؟ یا نه اولش گفتن الله اکبر، بعد بسم الله رحمان و رحیم، بعد گفتن این سخنان بزرگ و پر از مسئولیت بندگی: حمد تو را که خالق عالم هستی/رحمان و رحیم هستی/مالک یوم معاد هستی/ جز تو به کسی عبادت نکنم/ و جز تو از کسی کمک نجویم/ پس هدایت کن به راه مستقیم/ هدایتی که در آن نعمت باشد نه غضب/بعد سوره اخلاص را می خوانیم: ای خدا تو واحد هستی/ صمد هستی/ نه زاده شده ائی و نه فرزندی داری/ هیچکس در شان تو نیست پس الله اکبر (دومین الله اکبر نماز). رفتن به رکوع و گفتن منزه هستی/ عظیم هستی/ پس الله اکبر/ نشستن بر سجده و گفتن منزه هستی/ عظیم هستی پس دو الله اکبر. برخاستی برای رکعت دوم بخاطر این نعمت برخاستن پس الله اکبر و... کجای این نماز نفرت است؟ نقشه قتل حتی دشمن است؟ دوست که جای خود دارد.

۴. مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ: یعنی مالک معاد، مالک روز جزا، مالک تنها روزی که فرامین خدا بدون تحریف، بدون تفسیر، بدون دخالت این و آن، بطور شفاف و روشن، بالسویه مو به مو اجرا می شود. اجرا از خدا و اطاعت محض از بندگان خدا. راه گریزی هم برای بشر آن روز نیست. زیرا اختیار از او سلب و انتظار بر او مستولی می شود. برای بشر خودکامه بهترین روز، روز دنیاست و برای خدا و بندگان صالح او بهترین روز، روز قیامت است. شان انسان هم ایجاب می کند متاع دنیا را مفت نخرد/نفروشد اما خریداران و فروشندگان کالاهای دنیوی در دنیا بس زیاد هستند بدون آنکه بخواهند بدانند اینها کالاها ارزش مبادله ندارند. اسکناس های بی پشتوانه هستند. جعل این دنیا با آن دنیا است. حیف که انسان باربر اقلامی است که در روز قیامت به ثمن بخس هم نمی خرند.

۵. انسان دارای سه میلیون جفت باز و ۱۰۰ هزار ژن در ژنوم هر سلول خود است. با این وجود همه ژنهای او امروز فعال نیستند. حدود یک سوم بازها و یک چهارم ژنهای انسان فعال و تبدیل به پروتئین و دیگر عناصر تنظیمی می شوند (رجوع شود به فایل ساختمان سلول در وبسایت تحصصی من به آدرس (https://phytobacteriology.com/index.php). بقیه موارد نامشخص است. آیا ابتدا این ژنها فعال بوده و به مرور غیرفعال شده اند؟ یا بعدا و بتدریج بیان (expression) خواهند شد و از انسان سوپرمن واقعی ساخته خواهد شد! همان انسانی که مولوی بیان کرده است (صد هزاران علمش اندر هر رگ است) والله اعلم. اما مشیت خدا را چه دیدی شاید روز بیان همه این ژنها روز قیامت باشد! اگر چنین فرضیه ائی درست باشد انسان نه در حجم و نه در محتوا شبیه انسان امروزی نیست. درک انسان، فوق انسان خواهد بود. لذت انسان، فوق لذتهای امروزی خواهد بود. ندامت انسان، فوق ندامتهای فعلی خواهد بود. هر اندام او یک انسان مجرب خواهد بود. این اندامها و جوارح از جمله گوش و پوست و چشم و دست و پا روز قیامت به زبان در آمده و گواهی خواهند داد (مراجعه شود به مقالات بلاست (BLAST) نرم افزاری برای تداعی نحوه سنجش اعمال در روز قیامت،1397 و جهان کوانتم- ورود به یکی دیگر از عرصه های علمی خدا،۱۴۰۰ در همین سایت). نوع توالی سلول ها، نطق این اندامها/سلول ها (هَذَا کِتَابُنَا یَنْطِقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا کُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ – این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می گوید ما از آنچه می کردید نسخه بر می داشتیم. جاثیه/۲۹).

یکی از ۸ بهشت او و خدای ناکرده یکی از ۷ طبقه جهنم او را در بدن او برپا خواهند کرد. انسان خود مظهر بهشت یا جهنم خواهد بود! یک بهشت دیگر (جنتان) بهشت اهدائی خدا به او خواهد بود. یکی محصول دست رنج خودش و دیگری هدیه با ارزش خدا! بیآئیم از همین امروز همه ژنهای بیان شده و نشده خود را فعال و یا آماده بیان بکنیم. سلولها را موافق مشیت خدا صیقل کامل بدهیم. بهشت را از همین جا برپا کنیم.

۶. اینهمه میهمان خدا زیر زمین- روی زمین! تا حالا حدود ۸۰ میلیارد نفر روی زمین عمر کرده اند. معلوم نیست چند برابر آن اگر طغیان نکند پا به عرصه دنیا خواهد گذاشت؟ روزی ایشان را در زمین به مقدار محدود تامین کرده است (مراجعه شود به مقاله روزهای آفرینش ۶ یا ۸ روز؟ اول زمین یا آسمان ها؟ همزمان یا با یک اختلاف زمانی؟). اما در قیامت، روز لایتناهی و روزی لایتناهی است. هیچ الزامی نبود خدا انسان را هم در زمین و هم آخرت روزی بدهد. روزی آخرت او را چند ده برابر زمین با دست فراخ و گشاده بدهد. می توانست روش تشویق و تنبیه را به گونه دیگر تعیین بکند. چند گناه بکن برو بسلامت! اما او حضور انسان را برای همیشه می خواهد، جدا جدا هم می خواهد. هم برای عزیزان و هم برای ذلیلان می خواهد. از این روست که آنها در روز قیامت از هر جنسی که باشند به سه گروه تقسیم می شوند (وَكُنتُمْ أَزْوَاجاً ثَلَاثَةً)(مراجعه شود به نوشته اصحاب قیامت: اصحاب یَمین و اصحاب شِمال، ۱۴۰۲ در همین سایت (۱۴۰۲/۲/۴)

- **اصحاب یمین یا مَیْمَنَه (گروه راستان و سعادتمندان):** اعضای این گروه تعدادی از پیشینیان و تعدادی از متأخران هستند (ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ. وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ- واقعه/۸۸، ۴۰-۳۹ و ۹۱-۹۰)،
- **اصحاب شمال یا مَشْئَمَه (گروه ناراستان و تیره بختان):** به تعبیری تکذیب کنندگان گمراه (الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (واقعه/۹۲). هیچ اشاره ائی بر ترکیب اعضای این گروه نمی کند! اینها زیان دیدگان واقعی و زانو زدگان روز قیامت هستند. آیه ۲۸ سوره جاثیه (واژه جاثیه خود به معنی زانو زادگان است) روایت روز سخت و دهشتناک برای افراد آخرت باخته است: و هر امتی را می بینی که از شدت ترس به زانو در آمده اند. هر امتی را صدا می زنند تا نامه عمل خود را ببینند و آنگاه می گویند: امروز جزایتان خود آن اعمالی است که می کردید.

نامه عمل اصحاب شوم یا شمال (واقعه/۵۶) بدست چپ داده می شود (أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ). اینها بیوفیلم های مخلوط و مختلطی هستند که دنیا را برای پاکان جهنم کردند و اگر یکی از آنها در حریم بهشت نفوذ کند کل بهشت را جهنم می کند! و از آن بدتر اگر فرد شمال، شمالی ترین فرد جهنم باشد و به جای اینکه در قعر جهنم باشد وارد طبقات دیگر جهنم بشود قطعا ساکنین این طبقات هم از دست او عاصی و شاکی خواهند. مثال بارز آن هم سلول شدن یک زندانی بالفطره خطرناک با زندانیان عادی.

- **گروه وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ. أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (واقعه/۱۱-۱۰)، مُقَرَّبِينَ (واقعه/۸۹):** گروه پیشگامان و مقربان. گروه سومی که بالاتر از دو گروه دیگر هستند زیرا مقرب هستند. فرق است بین کسی که قبل از فتح مکه مسلمان شده است با کسی که بعدا مسلمان شده است (حدید/۱۰). این تفاوت در روز برخورداری از مواهب روز قیامت هم محسوس است. اصحاب یمین اهل سعادت هستند اما مقرب نیستند. اینها را آیات زیر نشان می دهد. جایگاهی را برای ایشان تخصیص دادند که جزو سلام نگویند و نشنوند. ایشان برگزیدگان مومنین هستند (مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا)، صادق هستند، اسوه هستند، خط شکن هستند، جان نثار هستند، حق دوست هستند، ثابت قدم هستند، به تنهائی یک امت هستند، تعدادشان قلیل و آثار وجودیشان کثیر است، شمع تاریخ اند، قلب تاریخ اند، مرز جاویدند. و اگر اصحاب نیستند برای خودشان سلسه الذهب هستند. اعضای تشکیل دهنده این گروه نیز چون گروه یمین مربوط به دو مقطع تاریخی است: پیشینیان و موخرین با این تفاوت که اینجا اکثریت مربوط به امم پیشین (ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ) و اندکی از اقوام آخرین هستند (وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ).

در سوره واقعه (آیات ۹۵-۸۸) باز از سه گروه فوق یاد می شود. با این تفاوت که نوع پاداش دو گروه اول و نوع مجازات گروه سوم دقیقا مشخص و بر قطعی بودن و یقین داشتن بر آن تاکید دارد:

۱. مقربین (پاداش: بهشت نعیم)
۲. اصحاب یمین (پاداش: دادن آرامش خاطر با سلام دادن به او)
۳. مکذبین/اصحاب شمال (مجازات: پذیرائی با آب جوشان و روانه شدن به سمت دوزخ)

❖ **قوم بینابینی**: در این سوره به ایشان اشاره نشده است. متعاقبا به شرایط ایشان و انتظار ایشان پرداخته خواهد شد.

با این وصف، اعضای تشکیل دهنده هر طایفه/هر امت/هر قرن مشخص می شود. همین ترکیب خود را در قیامت به نحوی ار انحنا نشان می دهد. از بعد فردی هم جایگاه و شخصیت هر فرد به همت او و عنایت خدا تعیین و تبیین می شود! پاداش ها هم از نوع استحقاقی و نه اعجابی و استصوابی است. برای اهالی جهنم خبرهای رسیده ناگوار است. خوردن از درخت زقوم و خوردن از آب جوش برای رفع تشنگی. اما هر چه خبر فوری (breaking news) است و هرچه پاداش است مخصوص دو گروه اصحاب یمین و پیشگامان مقرب است:

ورود به جنات نعیم (واقعه/۱۶)آنهم در نهایت شکوه. با نوری که با اعمال خود در زمین تولید کرده اند. این نور امروز برای ایشان شکوه و وقار آفریده است. کتاب خود در علیون دارند و کیست که بداند علیون چیست؟ مگر مشاهده کنندگان مقرب (المطففین/۲۱-۱۹)، با چهره های درخشان، خندان و شادان (عبس/۳۹-۳۸) شاداب و شادمان (انسان/۱۱)، نورشان پیشاپیش و به جانب راستشان دوان است (حدید/۱۲)، نور، پاداش مومنین راستگو است که در نزد خدا اجری برابر با اجر شهیدان دارد (حدید/۱۹)، تازه ایشان به این بسنده نمی کنند و طالب کمال این نور هستند (تحریم/۹)، خواستار آمرزش و خشنودی حق تعالی هستند (حدید/۲۰)، در حالیکه بر تختهایی جواهرنشان نشسته اند (واقعه/۱۵)، روبروی هم (واقعه/۱۶)، با تنها شغل فَاكِهُونَ (کار و بار خوش)(یس/۵۵)، پسرانی آماده خدمتکاری (واقعه/۱۷)، با جامهای پر از باده ناب در دست (واقعه/۱۸)، باده هائی که نه فرد را دچار سردرد می کند و نه بی‌خردی (واقعه/۱۸)، و میوه هائی از هر نوع (واقعه/۲۰)، گوشت پرنده هر چه بخواهند (واقعه/۲۱) و حوران چشم‌درشت (واقعه/۲۲)، مثل لؤلؤ نهان میان صدف (واقعه/۲۳)، که به تزویج (و نه دلبخواهی) مومنین در می‌آیند (دخان/۵۴)، اینها پاداشی است برای آنچه کرده اند (واقعه/۲۴)،

در آنجا نه سخن بیهوده می‌شنوند (واقعه/۲۵ و خاشیه/۱۱)، و نه سخنی‌گناه‌آلود می زنند (واقعه/۲۵)، سخن رایج آنجا سلام و درود است (إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا. واقعه/۲۶)، آیات ۲۸-۲۰ سوره طور مکمل آیات فوق است: نشسته بر تختهای کنار هم چیده شده و به هم پیوسته ، پس از کلی مزاح (نه یاوه گویی و نه گناه)و جام از دست هم ربودن، به صحبت های جدی که می رسند از سرگذشت هم می پرسند، و پاسخ همه ایشان یکی است. ما خدا ترس بودیم- ما خدا را پرستش می کردیم. خدا هم بر ما منت گذاشت و ما را ساکن بهشت کرد. همیشه مومنین مودب هستند. و این گفتار آخر باز ادب ایشان را می رساند. **من من نمی کنند. خدا-من می کنند**. کمال نور و آمرزش را با هم می خواهند (تحریم/۹). باز آیاتی چند در توصیف حال و روز مومنین در روز قیامت: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ ناظِرَةٌ. و إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ -آری در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است و به پروردگارش می نگرد (القیامه/۲۴-۲۳). **همه اینها یعنی یک فوز عظیم-یک رستگاری کامل** (ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ. بروج/۱۱) **در روز عظیم** (لِيَوْمٍ عَظِيمٍ- المطففین/۵).

کار اینجا ماندن است

کار آنجا رفتن است

تا به دریا رفتن است

طرح خود را دیدن است

دیده ها را دیدن است

گفته ها را گفتن است

روبرو بودن نشستن گفتن است

حی و حاضر دیدن است

روز و شب گفتن خدایا گفتن است

از این بهتر نمی شود بهشت را ترسیم کرد: حلقه شادی مومنین، سرور دسته جمعی، سیر نشدن از دیدن چهره هم، سر به سر هم گذاشتن، هم صحبتی با هم و گفتن و شنیدن خاطرات هم و.....

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ- نه چنین است در حقیقت کتاب نیکان در علیون است (مطففین/۱۸)

پاداش اصحاب یمین (۱۰ آیه از سوره واقعه):

زیر سایه درختان سدر (کُنار بی‌خار) (واقعه/۲۸)، و درختهای موز (طَلْح) که میوه‌اش خوشه خوشه روی هم چیده است (۲۹)، و سایه کشیده و گسترده (۳۰)، و کنار آبشارها (۳۱)، و میوه های فراوان، (۳۲)، نه بریده و نه ممنوع (۳۳)، و همسرانی گرانقدر (۳۴)، با آفرینش نو (۳۵)، و با بکارت نو (۳۶)، و با همسرانی که به همسرشان عشق می ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند (واقعه/۳۷).

و سایه های درختان که به آنان نزدیک است و میوه هایش برای چیدن رام و ظروف سیمین و جامهای بلورین پیرامون آنان که گردانده می شود (انسان/۱۵-۱۴)، جامهایی از سیم که درست به اندازه [و با کمال ظرافت] آنها را از کار در آورده اند (انسان/۱۶)، و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند (انسان/۱۷)، از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود (انسان/۱۸).

از شرابی خالص و مُهر و موم شده به آنان نوشانند. مُهر آن از مُشک است و هر کس که اهل مسابقه است، شایسته است که در (رسیدن به این نعمت‌ها) رقابت ورزد. و مخلوط آن، تسنیم است. چشمه‌ای که مقرّبان (الهی) از آن می‌نوشند (مطففین/۲۸-۲۷).

چقدر خدا رزاق است! چقدر خدا رحمان و رحیم است! چقدر دستگیر است! گوشه ائی از جنات نعیم را به ایشان وعده می دهد (جزئیات ببشتر در صفحات آتی). آنوقت این انسانها هم این دنیا می خورند و هم آن دنیا تازه منکر خدا هم هستند! میلیاردها انسان جمع بشوند رحمانیت و رازقیت او را یک لحظه هم نمی توانند تصور بکنند تا برسد برپا کنند. حساب کتاب او، عدالت بی وصف او جای خود دارد. مهمتر از همه مغفرت اوست.

البته که طبق آیات مختلف رتق و فتق امور جهنمیان ساده است، پشت درهای بسته است. طعام آنها بسته بندی شده آتش زده است (کاش یخ زده بود!).

- وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا – طعامی گلوگیر و عذابی دردناک (مزمل/۱۳)،
- لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ– خوراکی جز خار خشک ندارند (غاشیه/۶). گیاه خاردار و بسیار تلخ و متعفن‌تر از مردار و داغتر از آتش (ضریع)، تنها غذای جهنّمیان.

ضَرِیع و زقوم دو طعام متناول ایشان است. نه سیر می کند، نه چاق می کند و نه آرامش می بخشد. از بعد مکان باز فضا محدود است. ۷ طبقه روی هم! پس این دنیازدگان نه فضای زیاد می خواهند و نه غذای زیاد. شاید هم انرژی سوختن خود را خود تامین کنند! فکر می کنم قبرهای سه طبقه بهشت زهرا برای ایشان به مثابه جنت نعیم است! اما پذیرائی از میلیاردها انسان ساکن بهشت یک وجه دیگری از عظمت و الوهیت خدا است که در روز قیامت از آن رونمائی خواهد شد.

قیامت است دنیا

کتابت است عقبی

به من نگو آنجا

به من بگو اینجا

****

قیامت است اینجا

عدالت است آنجا

برابرش اینجا

ندامتش آنجا

****

حضانت است اینجا

شفاعت است آنجا

عنایت است اینجا

کفایت است آنجا

****

اول و آخر خداست

حامی مردم خداست

عادل مردم خداست

رازق مردم خداست

****

حرف خدا لازم است

قول خدا نافذ است

نوح نبی ناظر است

روح نبی حاضر است

****

غصه آدم خداست

مژده آدم خداست

مژده دهد روز قبل

غصه دهد روز بعد

توجه ویژه خدا زمین و انسان زمینی: زمین مکان مناسب برای استقرار بهشت و جهنم موعود

تا به امروز آنچه انسان دیده و زیسته یک زمین بیشتر نبوده است. هرچند دانشمندان در جستجوی زمین ثانی هستند. زمین های فراخورشیدی هستند که شاید ده ها سال نوری از زمین ما فاصله دارند. اتفاقا یکی را در منظومه فلکی سرطان پیدا کردند (۲۰۰۴) که بیشتر بدرد جهنمیان می خورد تا بهشتیان! جرم این سیاره فراخورشیدی حدود ۸,۶۳ جرم زمین است و قطر آن تقریباً دو برابر زمین است. بنابراین، آن را به عنوان اولین ابرزمین (super earth) طبقه بندی می کنند و چون در منظومه فلکی سرطان قرار دارد بر آن اسم Cancri 55 e و لقب "سیاره جهنم (Planet of Hell)" انتخاب کردند.

این سیاره همانند زمین چرخش همزمان به دور خود و خورشید دارد با این تفاوت که ۶۰ برابر زمین به خورشید نزدیک‌تر است و درجه حرارت آن به ۲۰۰۰ درجه می‌رسد. آنقدر هم به دور ستاره مادر خود کوپرنیک می چرخد که دنیای پرهیاهو در کمتر از یک روز زمینی یک مدار را کامل می کند. یک سال برای این سیاره حدود ۱۷,۵ ساعت زمین طول می کشد.

معلوم است ساعت های این ابر زمین با قیامت بیشتر منطبق است تا زمین فعلی که ساکنین آن از همه موجودات است. سکنه ۸ میلیارد نفری از انسان ها دارد. تاریخ انسان دارد. تاریخ انبیا دارد. پیروان انبیا دارد. تاریخ نزول آیات قرآنی دارد. آیات شان نزول مخصوص به خود هم دارد. از آن جمله:

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ- این کفار و پدرانشان را از انواع نعمت ها بهره مند ساختیم تا جایی که عمرشان روی زمین طولانی شد و گمان کردند که نعمت ها و عمرشان پایان ناپذیر است. آیا ندانسته اند که ما همواره به زمین می‌پردازیم و از اطراف آن می کاهیم؟ چطور این خلق فانی می توانند بر این زمین غلبه کنند (انبیا/۴۴).

بلی این زمین فعلی با گذشت زمان کوچکتر می شود. زیرا جو زمین نشت می کند. روزانه چند صد تن جرم از فضا را از دست می دهد. زمین با پیدایشش، تاریخچه اش و موجوداتش یک لحظه هم آرام و قرار ندارد. کارش جایگزینی سکنه خود است. دست بدست گشتن قدرت در بین امم است. یک کتاب کامل بدعت ها و عبرت هاست.

خدا به این زمین التفات ویژه دارد. با ابعادش کار دارد. با اقوامش کار دارد. با آینده اش کار دارد. با زلزالش کار دارد و احتمالا با بنا کردن بهشت و جهنم روی سطح مسطح آن کار دارد.

زمین را بیشتر بیابید

بیشتر است بیشتر بدارید

در زمین دنیا نسازید

پشت آن عقبی بسازید

سئوال مهم:

آیا این زمین هم می تواند چون زمین فراخورشیدی Cancri e 55، از مداری که در آن شکل گرفته به مدار فعلی خود که در آن کشف شده است سقوط بکند؟ والله اعلم.

معلوم هم نیست آینده زمین فعلی چه خواهد شد؟ آیات خدا نشانه های را اعلام می کند اما تا علم انسان چقدر به آن نزدیک بشود؟

پریدن یا خزیدن یا دویدن

این نفس آرام جان است

اسرار حق است

تا کسی باور کند

تا کسی انکار کند

باید کتاب است

افراد حساب است

اذکار غیاب است

انصار اله است

کل عالم با شما است

بی شمار هم آسمان است

این یکی ساعت شمار است

من یکی ساحت شمارم

تا شمار این آینده ساز است

با شما آینده خواه است

شروع روز قیامت با یک زلزله سهمگین زمین:

این مهم در دو بخش قابل بررسی است: جزئیات زلزله در زمین و فرو ریختن آسمانها.

این چه خلقت جدیدی است که خدای حق تعالی بخاطر آن می خواهد این بیکران خلقت را با یک کن فیکون خود با خاک یکسان بکند و بهشت و جهنمی را پدید بیآورد که جزو خلق های جدید و دائمی او باشد؟ خدا با مومنین و بی خدایان با شیطان دمخور باشند. فرصت زیبائی است. صحنه بی مثالی است. باید بود و جهنمی نبود و دید. بهشتیان هم حتی آن روز در بهت و حیرت قیامت اند! از دوستان خود می پرسند آیا اینجا دائمی است؟ از مرگ دیگر خبری نیست؟

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ * إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ – (پس از آنکه دوست زمینی خود را که منکر قیامت بود در جهنم می بیند و به او می گوید نزدیک بود مرا هم به هلاکت بیاندازی) به دوستان بهشتی خود می‌گوید: آیا ما برای همیشه در بهشتیم و هرگز نمی‌میریم؟ * جز همان مرگ نخستین خود (دخان/۵۶) و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟ شگفتا! چه لطف خاصی از سوی خدا به ما شده است* راستی که این همان کامیابی بزرگ است * برای چنین پاداشی باید کوشندگان بکوشند (صافات/۶۱-۵۹).

إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها. وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها. وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها. يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها. بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحى لَها. يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ. وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ– هنگامی که زمین با زلزله مخصوص خود لرزانده شود. و زمین بارهایش را بیرون افکند. آدمی گوید آن را چه شده است. در آن روز زمین خبرهایش را باز گوید.

مسلما از آن روست که پروردگارت به آن الهام کرده است. آن روز مردم دسته دسته بازگردند تا کارهایشان به آنها نشان داده شود. پس هر که به اندازه ذره ای نیکی کند آن را ببیند. و هر که به اندازه ذره ای بدی کند آن را ببیند (سوره زالزال).

نشان می دهد امتحانی در کار است، رحمتی در کار است (يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ–هر که را بخواهد به رحمت خویش در می آورد. الشوری/۸).

نمراتی برای اعلان است، زلزله ائی در پیش است، قیامتی برپا هست. برخاستن میلیاردها انسان خوابیده در وجب وجب این کره آبی–خاکی نیازمند یک زلزله مهیب است تا همه چیز (زمین و آسمانها)، زیر و رو (دگرگون) بشود، تا کل اموات مدفون در خاک و آب و چاه زنده بشوند، تا کوه ها متلاشی و زمین مسطح شود، تا دیدن هم برای همه آسان بشود (دیدن آن زمینی که ما امروز قادر به رویت همه زوایای آن و پشت پرده آن نیستیم همچنانکه از ذرات تاریک (ماده تاریک) و روشن این جهان چندان اطلاع دقیقی در دسترس نیست)، تا دیدن زمینی که قبلا می زیستند با تاباندن نور خدا (وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا–زمر/۶۹) بر آن میسر بشود، جمعیت یکجا جمع و در حضور انبیا و به گواهی ایشان (وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ–زمر/۶۹) به دو جا (بهشت و جهنم) هدایت بشوند.

فیلم (نامه اعمال) و یا خود اعمال را هم خواستند نشان می دهند. روزی است که زمین اش متفاوت و آسمانش ناپیداست (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ. وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ. وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ. وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ...– آنگاه که خورشید به هم درپیچد، ستارگان همی تیره شوند و کوهها به رفتار آیند و از جای خود کنده شوند و دریاها جوشان گردند...آیات اول سوره تکویر و یا أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ–آیا در پیش نفوس خود تفکر نکردند که خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را جز به حق و به وقت (و حد) معین نیافریده است؟ و بسیاری از مردم به شهود و لقای خدا به کلی کافر و بی‌عقیده‌اند (روم/۸). یعنی آسمانهائی به این فراخی أَجَلٍ مُسَمًّى دارند. روز قیامت اثری از آنها باقی نماند.

ریشتر این زلزله نامعلوم است اما شدت آن معلوم است: لرزیدن زمین، درهم پیچیدن و بهم آوردن آسمان ها (يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ– روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه ها در می پیچیم همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را باز می گردانیم وعده ای است بر عهده ما که ما انجام دهنده آنیم. انبیا/۱۰۴)، ذره ذره شدن کوه ها، مست شدن انسان ها (يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ– روزی که آن را ببینید هر شیردهنده ای آن را که شیر می دهد از ترس فرو می گذارد و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد و مردم را مست می بینی و حال آنکه مست نیستند ولی عذاب خدا شدید است. حج/۲)،..

رفتن از این خانه ها

دیدن آن خانه ها

حق همه خانه ها

رنج کدام خانه ها

ترس من از خانه ها

ترس تو از خاله ها

خانه خراب خانه ها

تازه برات خانه ها

جزئیات زلزله زمین در آخر الزمان:

کجای زلزله اتفاق می افتد؟ در زمین! کجا انسان حسابرسی می شود؟ روی زمین. کدام زمین؟ همین زمین! (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى- ما شما را هم از این خاک آفریدیم و هم به این خاک باز می‌گردانیم و هم بار دیگر (روز قیامت) از این خاک بیرون می‌آوریم. طه/۵۵).

زمینی که مسطح شده است:

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا- و یاد کن روزی را که کوهها را به حرکت در می آوریم و زمین را آشکار و صاف می بینی و همه را برای ورود به عرصه قیامت محشور می کنیم، و یک تن از ایشان را هم رها نمی‌کنیم. کهف/۴۷)

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ- و بناگاه همه بر یک زمین صاف و هموار حاضر شوند. نازعات/۱۴).

وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبالِ فَقُلْ يَنْسِفُها رَبِّي نَسْفاً*فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا * لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا- و ای رسول از تو پرسند که کوهها در روز قیامت چه می‌شود؟ جواب ده که خدای من کوهها را چنان از بنیاد برکند که خاک شده و خاکش بر باد دهد* که در آن هیچ کژی و پستی و بلندی نمی بینی* پس آنها را به صورت دشتی هموار و صاف وامی گذارد (طه/۱۰۷-۱۰۵).

نوشته اند در آیه فوق کلمه"حَشَرْنَاهُم" به صورت ماضی بعد از "نُسَيِّرُ" مستقبل آمده است. این بدین معنی است که حشر پیش از نُسَيِّرُ است. یعنی انسانهائی که میلیونها میلیون سال خواب بودند وقتی این صحنه ها را می بینند ترس تمام وجودشان را می گیرد که این همان وعده انبیا بود که ما سر سری گرفتیم. بلکه دهن کجی هم کردیم. در تفسیر این آیه باز آمده است روز قیامت چون اسرافیل به صور بدمد، کوهها به امر الهی به رفتن در آیند، و باد کوهها را در هوا پراکنده سازد مانند زدن پشم گوسفند، چنانچه فرماید: وَ تَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ- کوه ها مانند پشم زده شده رنگین شود (قارعه/۱).

کوه زمین رفتنی است

تخت زمین ماندنی است

مهلت ما کیفری است

فرصت ما میثمی است

راه به این رفتن است

نای به این گفتن است

روز جزا روزن است

اول روز خاون است

آخر شب آمن است

روز به ما این رواست

شب به ما آن دواست

طالب این روز من

طالع آن شور من

تا که زمین سست شود

شاهد من گل شود

تابش دیگر شود

صاحب ارکان شود	حوری دوران شود
ناهی بحران شود	شاکر شاهد شود
نامی گردان شود	عاقل آدم کجاست
ساکن جنت شود	تا که ببیند جزاست
شاعر قرآن شود	تا که ببیند سواست
سالک سبحان شود	تا که ببیند صراط
خاطر جیران شود	تا که بگوید رواست

بهم ریختن آسمانها در آخر الزمان:

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ* خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ- و اما کسانی که تیره بخت شده اند در آتش فریاد و ناله ای دارند* تا آسمانها و زمین برجاست در آن ماندگار خواهند بود مگر آنچه پروردگارت بخواهد زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد و اما کسانی که نیکبخت شده اند تا آسمانها و زمین برجاست در بهشت جاودانند مگر آنچه پروردگارت بخواهد [که این] بخششی است که بریدنی نیست هود/۱۰۸-۱۰۶).

تفسیر اثنی عشری (حسینی شاه عبدالعظیمی) از قول علی بن ابراهیم قمی می نویسد:

تفسیر ما دامَتِ السّماواتُ وَ الْأَرْضُ به ظاهر معنی خود باشد، زیرا عذاب و ثواب برزخی مادامی است که آسمان و زمین باقی باشد که پس از انهدام آنها قیامت قائم شود و قوله إِلّا ما شاءَ رَبُّکَ ممکن استثناء زمان موقف و محاسبه باشد.

المیزان هم می نویسد: آیات فوق با دیگر آیات قرآنی شاید سازگاری نداشته باشند زیرا در قرآن چند جا آمده است که آسمان و زمین تا ابد باقی نیستند. پاسخ این اشکال این است که خدای تعالی در کلام خود آسمان ها و زمینی برای قیامت معرفی می کند که غیر آسمانها و زمین دنیا است، و می فرماید: یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّماواتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ- روزی که زمین (به امر خدا) به غیر این زمین مبدل شود و هم آسمانها دگرگون شوند و تمام خلق در پیشگاه (حکم) خدای یکتای قادر قاهر حاضر شوند (ابراهیم/۴۸).

و از اهل بهشت حکایت می کند که می گویند:

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ- مؤمنان به بهشت در آیند و گویند: ستایش خدای را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید که هر جای آن بخواهیم منزل گزینیم (زمر/۷۴). زیرا قبل از بهشت از پاداش اعمال خود بی خبر بودند (فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ- قطعا هیچ کس نمی‌داند چه چیزهایی که مایه شادمانی و خوشحالی آنان است به پاداش اعمالی که همواره انجام می داده اند، برای ایشان ذخیره شده است. سجده/۱۷) و این سورپریز خدا در روز قیامت برای مومنین است. درست است

وعده های متعددی در قرآن به مومنین داده شده است. اما در حد شنیدن کی بود ماند دیدن است. برای همین است تا وارد فضای روحانی بهست می شوند با شادی تمام یاد این آیه مبارکه می افتند و سجده شکر می گزارند: لَهُمْ عُقْبَى الدّارِ- اینان هستند که عاقبت منزلگاه نیکو یابند (رعد/۲۲).

پس معلوم می شود برای آخرت نیز آسمانها و زمینی است، همچنانکه در آن بهشت و دوزخی و برای هر یک سکنه و اهلی است، که خدا همه آنها را به این وصف توصیف کرده که نزد اویند، و فرموده:

ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللّهِ باقٍ و لَنَجْزِيَنّ الّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ- آنچه نزد شماست همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست (از ذخائر اعمال نیک و ثواب آخرت، تا ابد) باقی خواهد بود و البته اجری که به صابران بدهیم اجری است بسیار بهتر از عملی که به جا می‌آوردند (نمل/۹۶).

و به حکم این آیه، آسمان و زمین آخرت از بین نمی رود.

و اگر در آیه مورد بحث بقای بهشت و دوزخ و اهل آن دو را به مدت بقای آسمان و زمین محدود کرده از این جهت است که معنای این دو اسم از حیث آسمان و زمین بودن هیچ وقت از بین نمی رود، **آنکه از بین می رود یک نوع آسمان و زمین است و آن آسمان و زمین دنیایی است که این نظام مشهود را دارد، و اما آسمانها و زمینی که مثلا بهشت در آنها است، و به نور پروردگار روشن می شود به هیچ وجه از بین نمی رود.بلکه جهان همواره آسمانها و زمینی دارد. چیزی که هست در آخرت نظام دنیائیش را از دست می دهد، و با این وضع دیگر هیچ اشکالی باقی نمی ماند.**

این زمین باید بچرخد

در جوانی کم بچرخد

در میانسالی بیشتر بچرخد

کان زمین است او بچرخد

عشوه دارد او بچرخد

خسته دارد او بچرخد

آب و باغی هم ندارد او بچرخد

تا رسد دنیا بچرخد

نفس آدم کم بچرخد

در هوا عمران بچرخد

در زمین کیهان بچرخد

راز خلقت کم نباشد

این خلیق با خلق بچرخد

این زمین دوران بچرخد

این کمین کمتر بچرخد

آخر دنیا فقط انسان بچرخد

چرخ چرخ روزگار با او بچرخد

چون چراغ او بچرخد

چون نگاه او بچرخد

ان دور زمان است

حاصلی عمر است بچرخد

وارث خرد است بچرخد

انجمن با هم بچرخند

اشقیا با شمر بچرخند

آخرین آیه هود که هفتم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۰ به آن رسیدم آیه مبارکه زیربود: وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ- و نهان آسمانها و زمین از آن خداست و تمام کارها به او بازگردانده می شود پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست (هود/۱۲۳).

زمین تا مصور مصور دهد

زمین تا منور منور دهد

به صورت مصور دهد

به معنی مشبک دهد

زمین را گذارد زمین را دهد

زمین آسمان، آسمان را دهد

قیاسا زمین را دهد

غیابا قیامت دهد

زمین آسمان یک خبر

سما را نریزد

سماحت دهد

زمین را بریزد

صناعت دهد

خبر تا خبر این خبر را دهد

به چند باره این دیو را زیور دهد (بیگ بنگ های متعدد برای تغییر کارکرد زمین و آسمان)

شراب هرچه نوشی مُسَکّر دهد

حریر هر چه پوشی مکرم دهد

مضامین عالم ملقب دهد

بخواهی مرتب دهند

نخواهی مخفف دهند

کتاب از نو و نوترین را دهند

مقام را به تو روز دیگر دهند

عرصه قیامت در زمین یا آسمان؟ حاضرین عرصه قیامت: سه گروه پرهیزکاران، گنهکاران و بلاتکلیفین

با توجه به صراحت آیه: يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ-روزی که زمین (به امر خدا) به غیر این زمین مبدل شود و هم آسمانها (به آسمانهای دیگر) تبدیل شوند و تمام خلق در پیشگاه (حکم) خدای یکتای قادر قاهر حاضر شوند (ابراهیم/۴۸)

آیات مربوطه:

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ* قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ- (خطاب به آدم و حوا): فرمود فرود آیید که بعضی از شما دشمن بعضی دیگرید و برای شما در زمین تا هنگامی معین قرارگاه و برخورداری است* فرمود در آن زندگی می کنید و در آن می میرید و از آن برانگیخته خواهید شد (اعراف/۲۵-۲۴).

می شود استدلال کرد:

۱. **گروه های حاضر در عرصه قیامت:**

این قیامت که ما مسلمانان به آن اعتقاد داریم کاملا جهنم و کاملا بهشت نیست. بینابینی هم هست. **اصحاب اعراف جزو گروه اخیر اند.** درباره اصحاب اعراف دو تفسیر وجود دارد:

۱) افراد گنهکار، بلاتکلیف اما امیدوار بعفو خدا،

۲) شایستگانی که ورود آنان به بهشت با تأخیر انجام می شود تا آنان احوال بهشتیان و جهنمیان را ببینند و سپس به مقام عالی خود در بهشت وارد شوند.

تعبیر من از این افراد: آنهائی که دو زاریشان تا روز قیامت نیفتاده است و چون بقیه اصحاب اعراف خود در کوچه اعراف گم شده اند! و دیگران را با خود گمراه کرده اند (مراجعه شود به مقاله پیام آسمانی-همخوانی کار سلول با کار انبیا در همین سایت)

۲. **محل اجتماع و استنطاق و محاکمه آنها:**

۱) **می تواند طبق آیات فوق روی هم زمین باشد**

۲) **می تواند در زمین زیست کنند و آسمان ها پرواز کنند**

۳) **می تواند در فضائی زیست کنند که در عمر خود ندیده اند. گیرائی داشته باشد. غیرقابل وصف باشد. غیر قابل تکرار باشد. هر روزش متفاوت از روز قبل باشد. هر نعمتی یک نعمت دیگر بیافزاید. عمر جاودانی است جاودانی تر کند.** این دیگر از ظاهر آیات قابل استنتاج نیست. باید رفت و دید. شنیدن کی بود مانند دیدن!

طبق آیات فوق، معماری زمین به گونه دیگری خواهد بود. دکوراسیون آن متفاوت خواهد بود. نعمات آن هم زمینی و هم آسمانی خواهد بود. لذات آن دائمی و نامحدود خواهد بود. بقدری مهندسی این کره خاکی پیچیده و سطح قابل رویت آن زیباست که بخواهد بهشت بهشت و نخواهد جهنم جهنم می شود. شاید هم طبقات هفتگانه زمین چنان جابجا بشود و طبقات جوشان و زیرین آن با طبقات رویین آن جایگزین بشود.

پیشرفت زمین بیشتر از این است

اگر پشت زمین روی زمین است

هواخواه زمین است

زمین دار زمین است

به احوال زمین است

سماوات زمین است

نباتات زمین است

مساوات زمین است

میاندار زمین است

عزیمت سر این است

از این سو به آن سوی زمین است

مدارات زمین است

بدانیم قیامت روی زمین است

مجلل جای زمین است

مونث مِهر زمین است

مذکر مُهر زمین است

شواهد کار زمین است

مسلط به تو این روی زمین است

در آن زیر پر از نور زمین است

اگر بود همین است

قوانین در آن روز غیر زمین است

ملک جای زمین است (وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ–و اگر ما بخواهیم به جای شما آدمیان، فرشتگان را در زمین جانشین می‌گردانیم. زخرف/۶۰]

اسف یاد زمین است

اثر کار ضمیر است

غضب رنج زمین است

خطر دست زمین است

مکافات عمل روی زمین است

نگهدار تو در روی زمین است

کشف موجودات متنوع در اعماق زیر دریاها نشان از حیات در همه اعماق زمین و ورای طبقات آسمانهاست. اما اینکه این حیات بستر ساز چه تکامل و چه تداوم است والله اعلم.

بسترساز آن دوره اند!

پشت این زمین قیامت است

زیر این زمین حکایت است

هسته این زمین جهنم است

هستی تو در این مکانت است

بسیار جالب خواهد بود جای هسته زمین با پوسته آن جابجا بشود. بهشت و جهنمی پدید آید که به ذهن انسان قرین و قریب باشد. **در آن صورت از تولد تا مرگ و از مرگ تا تولد اینجاست**. زمین جدید دیدنی است. آسمان آن دیدنی تر است. دارای ماهیت جدید و نوترکیب جدید است. یک خلق جدید است. دارای جاذبه های جدید است. این کار فقط با زلزله موعود امکان پذیر است. با رونمائی از گنج ها و گنج نامه ها میسر است. **بدها جدا، خوبها جدا، بد–خوب ها با هم جدا**.

عرض زمین سیر اوست

طول زمین طیر اوست

آدم دانا کجاست

عمق زمین دیر اوست

زمین در نهایت از آن عبادی الصالحون خواهد بود (أنّ الأرْض یَرِثُهَا عِبَادِی الصلِحُونَ– زمین را بندگان شایسته من به میراث می برند). اگرچه چند صباحی بدست اولئک هم الغافلون باشد.

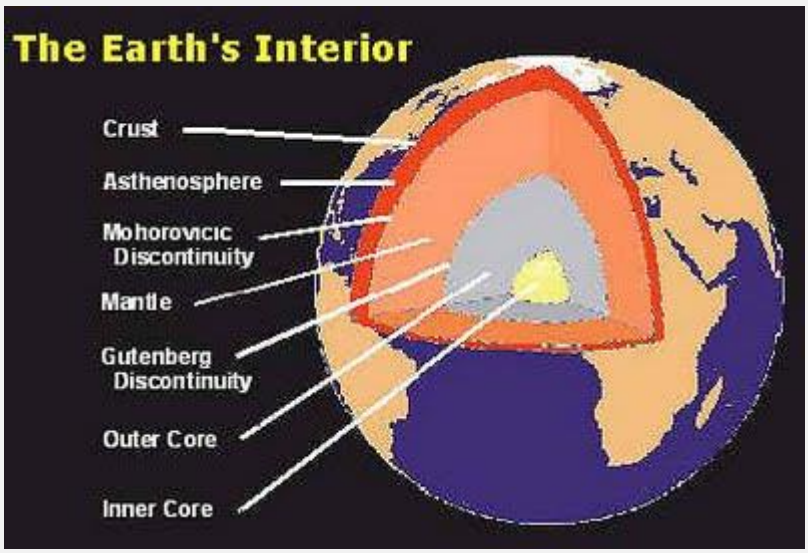
اسم رمز این خاک من

پرتو افلاک من

آسمان در خاک من

نعبد ایاک من

مهم اینکه بدانیم این تنها زمین نیست که متفاوت از زمین امروزی است. آسمان آن هم آسمان امروزی نخواهد بود. یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَیْرَالْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّار–روزی که زمین به غیر این زمین و آسمانها به غیر این آسمانها مبدل گردد و مردم در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند (ابراهیم/۴۸). این زمین چون آسمانها یا ۷ طبقه و یا به صورت ۷ زمین است (طلاق/۱۲). اگر چنین است انسانهای به قیامت برخاسته و در معاد ایستاده هم به شکل دنیوی نخواهند بود.



شکل ۲. هفت طبقه زمین: ۱) هسته داخلی (Inner core)، ۲) هسته خارجی (Outer core)، ۳) ناپیوستگی گوتنبرگ (Gutenberg Discontinuity)، ۴) پوشش (Mantle)، ناپیوستگی موهورویچ (Mohorovicic

Discontinuity)، آستنوسفر (**Asthenosphere**) و پوسته (**crust**). تعریف من دقیق است: از قرائن پیداست حال زمین خوش نیست، ۱۴۰۱در همین سایت (مراجعه شود به نوشته از قرائن پیداست حال زمین خوش نیست. تیر ۱۴۰۱در همین سایت).

کره زمین بخواهد برای قیامت آماده بشود حتما توام با زلزله است. مهمتر از آن ریز ریز شدن زمین است (وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً- و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها با یک تکان یکباره ریز ریز گردند. حاقه/۱۴). و باز دو آیه دیگر: يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ. وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ- روزی که آسمانها چون فلز گداخته شود و کوهها چون پشم زده گردد (معارج/۸-۹). همه اینها می توانند یک تصویر دقیق تر با دورنمای بهتر از آن روز/ساعت/ساحت مهم بدهد.

روزی که چند دقیقه قبل دنیا بود. اما به تدبیر خدا همه چیز کن فیکون می شود تا قیامت برپا شود. اینهمه زحمت، اینهمه برنامه ریزی چند میلیارد ساله، اینهمه تکامل ثانیه به ثانیه در دنیا به یک باره به فرمان او متوقف می شود، منهدم می شود و از یک دگرگونی جدید بنام آخرت رونمائی می شود. آخرتی که تا دیروز پشت مرزهای دنیا بود اما قیامت از آن پرده برداری می کند. قرآن تنها کتاب قیامت نیست. همه پیروان ادیان الهی با کتب توحیدی خود مورد ارزیابی قرار می گیرند.

اما بعد از تعیین تکلیف همه، این آیات قرآن است که ظاهر و باطن آن آشکار می شود:

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ-آری، عجولانه حقیقتی را تکذیب کردند که به معارف و مفاهیمش احاطه نداشتند و هنوز تفسیر عینی و تحقّق و ظهور آیاتش [که در قیامت انجام می گیرد] برای آنان نیامده است، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز آیات الهی و پیامبران را] این گونه تکذیب کردند؛ پس با تأمل بنگر که سرانجام ستمکاران چگونه بود؟ یونس/۳۹.

آیات مربوط به آخرت خوانده می شود تا صحت گفتار خدا بر همگان ثابت بشود. در این هنگام کمتر توجهی به آیات دنیا می شود. زیرا دیگر نیازی به رعایت حدودالله نیست. و انسانها بد از خوب کاملا جدا شده اند و زمینه تعارض، تفاخر، تظاهر،.. بین مومنین است.

زمین پائیز سال روزگار است

دگر روز هم سیاه است

مگر باران بریزد

از آن خوشتر بریزد

زمین کوبند زمین دیگر برویند

فراوان غنچه ریزد

فراوان مژده ریزد

همچنانکه زمین ممکنست در قالب متفاوت باشند. جسم انسان هم می تواند متفاوت باشد. دیگر نیاز به دستگاه گوارش نداشته باشند. فاقد هر گونه میکروب مفید برای هضم غذا باشد. زیرا تغذیه قیامت از نوع استریل است. دفع ندارد. جذب است و لذت. روح است و رحمت. سود است و مغفرت. از آن سوی توبه و مغفرت. ندامت و مرگ من!

برای جهنمیان شاید بنظر همین تن خاکی با همین میکروبها و میکروبهای داخل آن مستعد آب جوشان باشد!! اما گناه میکروبها چیست که صاحبش از میکروبها هم پست تر بوده است؟! همراه با ژنهای پست انسانی بوده است؟ بنابراین، نیازی به این احیای جسم آدمهای پست ۷۰-۶۰ کیلو گوشت و پوست و استخوان نیست. زیرا قیامت، جای جسم زمینی نیست. قالب انسان دارد اما سبک است. وزن ندارد. جابجائی بر او آسان است. حرکت نامرئی دارد. شبیه باش می باشد، است (شبه کن فیکونی). شفاف است. چون شیشه شفاف است. مجهز به ترازو است. مجهز به اعتراف بدون نیاز به دهان و زبان در کام است. نوریان انسانی چون حوریان بهشتی امروز یک منزلگاه دارند و آن بهشت است. این نجات یافتگان زمینی چون فرشتگانی هستند که در هیبت انسانی به حضرت ابراهیم ظاهر شدند. ملائک در هیبت انسان در زمین و انسان در هیبت ملائک و بلکه زیباتر در بهشت. روح هم که مدتی بالاجبار میهمان زمین بود در قیامت در قالب و تجسد بهتری قرار می گیرد. در ایستگاه جهانی و ابدی قیامت، وجود مومن محسوس است. از بس مطهر و معطر است.

آن روز هماورد تو در روی زمین نور ضمیر است

ضمائم به تو اینست

قرائن به تو اینست

شفاف بگویم که همین است

راه نجات بر تو همین است

الفاظ تو در نقش رحیم است

اخلاق تو در رد رجیم است

شفاف تر از نور تو بر روی ضمیر است

ایستاده زمین روی تو اینست

القاب تو در روی زمین مرد فهیم است

دیدار تو در روز عظیم روح عظیم است

این تن به تو نیست جبه جدید است

تن پوش تو از جنس ندید است

یک موی تو در روی زمین است

یک کوی تو در کوی رحیم است

اندازه تو فوق زمین است

آمایش شرح تور قریب است

یک روز سخن صاحب امر است

یک روز نفس باده مست است

یک روز جهان خرم از آن است

یک روز جوان ضامن حرف است

این دیگر تو روی زمین است

آن دیگر تو نور زمین است

هر غرفه روی صحبت حور است

هر قصه به تو نور رحیم است

ابعاد زمین بیشتر از این است

اعصاب زمین فربه دین است

این راز زمین راز تو هم هست

از راز زمین نام تو هم هست

جسم زمینی انسان ها ترکیبی از خاک و آب و لجن:

وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ- و یاد کن هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت من بشری را از گلی خشک که برگرفته از لجنی متعفن و تیره رنگ می آفرینم (حجر/۲۸). این لجن حاوی میلیاردها میکروب خاص انسان روی زمین است. لجن حاوی میکروب است. هرچه متعفن تر، میکروب تر، مفیدتر. مقتضی غذاهای زمینی همین است. **اما قیامت جای میکروبها نیست. درخشندگی ارواح است**. فرشتگانی که برای حضرت ابراهیم وارد شدند قادر به مصرف غذای زمینی نبودند زیرا ایشان برای دنیای دیگر ساخته شده اند. انسان مومن هم در همین زمین به آن سوی (عاری شدن از میکروب) حرکت می کند. برای همین است تمایلی به ارتکاب عمل زشت ندارد. غذای حرام ندارد.

إِذْ دَخَلُوا عَلَیْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْکُمْ وَجِلُونَ* قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُکَ بِغُلَامٍ عَلِیمٍ-هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند ابراهیم گفت ما از شما بیمناکیم *گفتند مترس که ما تو را به پسری دانا مژده می دهیم (حجر۵۳-۵۲). (توضیح بیشتر در مورد میکروبهای سطح و درون بدن موجودات زنده در دو صفحه بعدی).

همه از هم می پرسند که این چه آخرتی است که اینقدر بی نظیر است؟ بی بدیل است؟ غیر قابل وصف است؟ همین مقدار هم که قرآن وصف کرده است شاهکار است. محسور کننده است. قابل مقایسه با دنیا نیست. با همه این تفاسیر آیا بهشت معنوی است یا جسمانی؟ یا هر دو؟ یا فوق هر دو؟

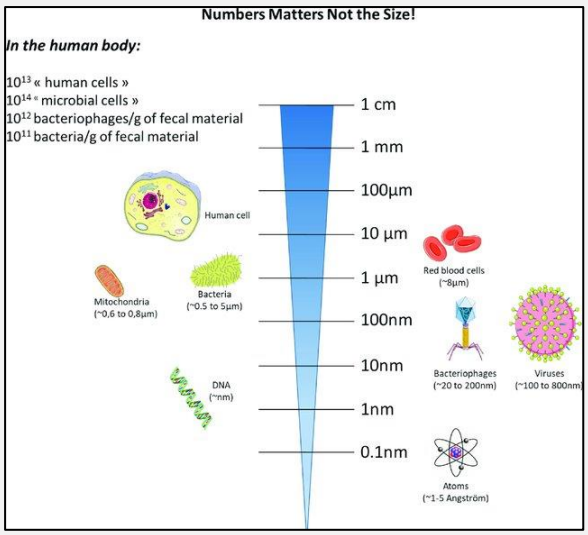
پرسش از نو:

آن چه آخرتی است که می تواند همه جنبدگان زمینی (دابه=جنبده) را اعم از انسان و حیوان و گیاه و پرندگان و مهمتر از همه حیوانات را در خود جای بدهد؟ (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ- و هر جنبنده‌ای در زمین و هر پرنده‌ای در هوا که به دو بال پرواز می‌کند همگی طایفه‌هایی مانند شما (نوع بشر) هستند. ما در کتاب (آفرینش، لوح محفوظ) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم، آن گاه همه به سوی پروردگار خود محشور می‌شوند. انعام/۳۸) (مراجعه شود به نوشته من تحت عنوان جنگ ستارگان (۳)- نوزدهمین روز جنگ روسیه و اوکراین،۱۴۰۰ در همین سایت).

بدون اینکه مشکل جا باشد؟ هوا باشد؟ غذا باشد؟ بویژه که علم امروز صحبت از جنبده های میکروبی می کند که به چشم دیده نمی شوند اما تعدادشان از وحوش بیشتر و کارشان در طبیعت بی نظیر. بدن هر موجودی از جمله انسان در قسمت روده و معده و... بیش از آنکه سلول خودش باشد (۱۰[۱۳])، مملو از سلولهای باکتریائی، ویروس (فاژها)، قارچ ها و دیگر میکروارگانیسم ها است (۱۰[۱۴]). انسان بدون حضور، تعامل و فعالیت مفید این عوامل میکروبی محکوم به مرگ آنی است (مراجعه شود به مقاله سلول شناسی-انسان شناسی و خداشناسی در همین سایت).

این تضاد موجودیت و ماهیت چگونه در یک جا قابل جمع است؟ قابل مجازات و پاداش است. تریلیاردها سلول بدن انسان جهنمی چه گناهی کرده اند که به پای انسان نادان بسوزند؟ اینکه همه این موجودات روح دارند و روحشان از خداست هیچ شکی نیست. روح خدا عزیز است و لطیف است و غیر موت. اما کنار آمدن با اینهمه موضوع کلیدی مهم است. آیا باکتریهای بهشتی و باکتریهای جهنمی خواهیم داشت؟ و یا نه بقای انسان متفاوت از زمین خواهد بود. جسم برخاسته جسم هر خواسته است. از شیشه، شفاف تر و از حباب، سبک تر و از روح سبکبال تر است. پوست است اما گوشت نیست. هوش است اما گوش نیست. جاندار است اما جای نمی گیرد. تمام ظاهر را دارد اما باطن است. می خورد اما دستگاه گوارش ندارد. زیباست اما زیبائی ملیح دارد. به صورت و سیرت شبیه پیامبران است. هرچه می خورد جذب بدن می شود. هرجا می خواهد می رود. اشتیاق بی نهایت برای هم صحبتی با دوستان و بزرگان، اشتهای بی نهایت برای تناول و خوشگذارنی و در نهایت ابتهاج بی نهایت برای دیدار با خدا و ملائک دارد.

به تعبیر دیگر، انسان در همین زمین باید خود را از میکروبهای مضر که میکروبیوم (microbiome) بدن او را تشکیل می دهند آزاد کند. آنها را به خدا بسپارد و برود. با کمترین میکروب مفید از این دنیا برود. انسان بی میکروب، انسان والاست. تربیت شده با نان حلال است. در سفره زندگی او و به تبع آن در سفره بدن او هیچ غذای حرامی وارد نشده تا تکثیر غلط یابد. **چنین آدمی در میکروبیوم چشم خود هم سابقه گناه زنا ندارد. هکذا در زبان او، در قدم او، در قلم او، در جهان بینی او. عاقبت بخیری که می گویند یعنی همین. جسم خود را تا به درجه روح پاک نرسانده از این دنیا نمی رود. فرد نورانی دارای چنین صفاتی است** (مراجعه شود به مقاله مبدا و معاد انسان خردمند امروزی، ۱۳۹۴ و شعر سر دنیا دعواست، ۱۴۰۱ در همین سایت).



شکل ۳. جمعیت میکروبی بدن انسان بویژه در اندامهای معده و روده (Cane, 2018).

خلاصه هیچ ترسیمی از آن عالم برای هیچکس متصور نیست. مگر انسان ببیند و گزارش آن را در خواب و بیداری نتواند بدهد. شاید در بستر احتضار با دیدن حضرت عزرائیل حساب کار دست آدم بیآید!

دنیای رَحِم، دنیای تاریکی است

دنیای خاکی، دنیای تاریکی و روشنائی است

دنیای آخرت، دنیای پرنیانی است. پر دارد و پر نگاری است. پرتو نگاری اول. پرتو شماری آخر.

مهم برخاستن انسانها از خاک و وارد شدن در صحنه محشر با جسم فوق زمینی با مواد آسمانی است. انسان نوترکیبی. انسان نوظهور.

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا-آیه ۱۸ سوره نوح، مرحوم علامه طباطبائی این آیه را اینگونه ترجمه کرده است: سپس او است که شما را به زمین برگردانیده و باز به نحوی ناگفتنی از زمین خارج می کند. ترجمه آقای حسین انصاریان: سپس شما را در آن باز می گرداند و باز به صورتی ویژه بیرون می آورد. **تا روز معاد یک خروج از زمین (روح) و یک ورود به زمین (برای پیوستن مجدد به جسم) متصور است.** خروج آدم از خاک یک حادثه از پیش تعیین شده است. روزش فرا برسد با یک دم صور اسرافیلی همه از زیر خاک برخواهند خاست.

پس از کسب تکلیف، مومنین کجا سکنی دائمی خواهند یافت و ایام دائم العمری خود را چگونه سپری خواهند کرد؟ آیا قیامت مثل گلخانه هائی شیشه ائی با سنگ فرشهای شیشه ائی با سقف الوان و آکواریم های معظم و مجلل است که دیدن آنها مومنین را بوجد خواهد آورد؟ آیا قیامت تماشاگه راز خداست؟ راز زمین است؟ شگفتی های ثانیه به ثانیه است؟ اگر انسان غیبگو بود که نیازی به این پرسش ها نبود. **اما یک چیز مشخص است خدا الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ (خدای خالق نوساز صورتگر) است.**

در تفسیر سوره نازعات مرحوم طالقانی که روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۴ از شبکه مستند سیمای جمهوری اسلامی پخش می شد می فرمودند (نقل به مضمون) که **حیات منقطع نیست بلکه همیشه مستمر است.** ورود به حیات جدید در عرصه قیامت با زجر است: فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ* فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ – آری این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم واقع می شود و بناگاه آنان

در زمین هموار خواهند بود (نازعات/۱۴-۱۳). بدین ترتیب انسان با یک زمین متفاوت با ماهیت متفاوت و با انرژی اولیه روبرو می شود.

در مراجعه به تفسیر مرحوم علامه طباطبائی در کتاب المیزان تعریفی که ایشان از واژه "ساهره" داده بودند برای من بسیار جالب بود. جالب از این نظر که با برداشت های قبلی من در جملات فوق کاملا منطبق بود. زجر به معنای طرد کردن کسی با آواز و نهیب است، و اگر نفخه دوم را زجره خوانده، از این جهت بوده که انسان با این نهیب از نشاه مرگ به نشاه حیات، و از باطن زمین به روی زمین منتقل می شود. ساهره نیز به معنای زمین هموار، و یا زمین خالی از گیاه است.

روی زمین ام زبانم خداست

زیر زمین ام زبانم خداست

پوست لباسم برای خداست

دوست گرامی نشان خداست

گوشت ندارم بزاقم کجاست

غصه عشق است گذارم کجاست

من به تو گویم سئوالم کجاست

او به تو گوید جوابم کجاست

فاصله بینم نبینم خدا

روز قضاوت ببینم خدا

صف ببندیم ببینیم خدا

منتظر روز خدایم خدا

خدای صورتگر من

(۲۲ خرداد ۱۳۹۷برابر با ۲۷ ماه مبارک رمضان)

هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ – اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست داننده غیب و آشکار است اوست رحمتگر مهربان. اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت بخش و مؤمن به حقیقت حقه خود که نگهبان عزیز جبار و متکبر است پاک است خدا از آنچه با او شریک می گردانند. اوست خدای خالق نوساز صورتگر که بهترین نامها و صفات از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است جمله تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است (حشر/۲۴-۲۲).

خدای من خوب است
شفای حق نور است

خدای من نور است
صدای حق نور است

عروس شب کور است
هُوَ هُوَ او است

عروض من روز است
نَفس نَفس حور است

به اسم و رسم روز است
اثر به ما روح است

قیامت هم نور است
عسل به ما روز است

مراسم نور است
سلام به این مومن

به شب نرفت روز است
عزیز تو مومن

صور صور سود است
نصیب تو مومن

لباس من زود است
حبیب تو مومن

مصور است نور است
لسان به این روشن

مشعشع است شور است
لسان غیب روشن

حریم دوست دوست است
دوباره من خوانم

حزین دل کور است
بهشت به ما نور است

عصای ما کوه است
جهان به ما خوب است

عصای او نور است
جواب خوب خوب است (هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلَّا الْإِحْسانُ)

نبوت هم نور است
صدای بد زور است

قیامت هم نور است

باز به دلم افتاد بعد از سحر امشب این بارگه و دادگه را به گونه دیگر ترسیم کنم:

من علم غیب ندارم
ساحت او قیامی است

عالم غیب بگویم
نعمت او هزاری است

قربت او ندیدم
رحمت او الهی است

قرب تو بگویم
اینهمه خلق کجایند

جنت او نبودم
اینهمه وحش خطاب اند

جنت او بگویم
عده ما نداده اند

ساخته من خیال است
مژده ما ندادند

گفته من سیاق است
یا رب از این جدائی

مشکل من نگاه است
یا رب از این خدائی

منذر من کتاب است
سبک تو در غیاب است

ساعت او ندائی است
نقش من این خیال است

مردم مست ندیدند
زنده ما خدائی است
کاتب وحی نگفته است
خلقت خاک خدائی است
خلقت ماه جدائی است
مردن من شتابی است
سینه شب چراغی است
رشته من غلامی است
تا که به میدان شوم
راهی ایقان شوم
وارد دوران شویم
خطه آخر کجا
راز ندانم کجا
یاوه ندانم کجاست
نور بتابد خداست
نور نزاید جداست
اینهمه نعمت خداست
اینهمه خلعت خداست

دوره فرخندگی است
دوره سر زندگی است
رحمت او بیکران
نعمت او بی زبان
خانه خود ساخته است
نعمت ما مژده است
قصه آدم کجا
قصه اینک کجا
اینهمه خواندن کجا
اینهمه راندن کجا
حرف من اینجا کجا
در روز حق و مستی
رسام کند دو هستی
بهر دعا دو دستی
بهر سئوال چه هستی
رستم از این منتها
رسته من دیده هاست

آیه استثنائی در توصیف وسعت جنت

(۹ خرداد ۱۳۹۸برابر با ۲۵ ماه مبارک رمضان)

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ- و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش به قدر آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است بشتابید (آل عمران/۱۳۳، حدید/۲۱).

بهشت چون نعمات دیگر خدا فضل خداست به هرکس بخواهد می دهد: ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ- بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند بر یکدیگر سبقت جویید این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می دهد و خداوند را فزون‌بخشی بزرگ است (حدید/۲۱و۲۹).

این بهشت با پهنای زمین تا آسمان یعنی بین زمین و آسمان راه عریض و نه طویل است. طالب می خواهد و گرنه این فضل نصیب مومنین خواهد شد.

بدابحال انسانهائی که بهشت را به ثمن بخس دنیا فروختند و به هشدارهای قرآن در این باره وقعی نگذاشتند! **معامله ائی بدتر از معامله قرن!** که امروز برای سرزمینهای فلسطینی نقشه کشیده اند. بلی گفتنش آسان است اما عمل به آن بسیار سخت. زیرا دنیا جاذبه های بسیاری دارد از جمله: بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی و فزون‌جویی در اموال و فرزندان و غیره (حدید/۲۰). اما دقیق بشویم عواقب آن در انتهای همین آیه مستتر است: ۱) در دنیا، دنیاپرستی مانند بارانی است که ابتدا محصول سبز و خوش منظره ببار می آورد و کشاورزان را به شگفتی وامی دارد، اما دیری نمی پاید که محصول پژمرده می شود، زرد می شود و چون خاشاک ریز ریز شده روی خاک می ریزد، ۲) و در آخرت، دنیا پرستان را عذابی سخت است.

در زمین ماندن جهنمیان و در آسمان سیر کردن بهشتیان بمانند در رحم مادر ماندن دائمی جهنمیان و ندیدن مواهب زمین است. نمی دانم چرا مفسرین به این جنبه ها کم توجه می کنند. بهشت معنوی را بر بهشت مادی مقدم می دانند. چرا هر دو به این فراخی نباشند؟ هرچه این بهشت مادی و معنوی و توام با هم باشند عظمت خدا را نشان می دهد. خدا که نعوذبالله دروغ نمی گوید. کم نگفته باشد زیاد نگفته است. به زبان حال ما هم گفته باشد دلچسب است. امیدوار کننده است. ساخت آن بر روز زمین ناممکن است.

تا افق داری پیام آسمان

آسمان نزد من یک آسمان

آسمانی دیگران یک آسمان

جنتی دادند بنام آسمان

جنت دیگر بجوی در آشیان

وسعتی دارد به جای آسمان

ارض ها و عرض ها در آسمان

من خجل گویم زمین است آسمان

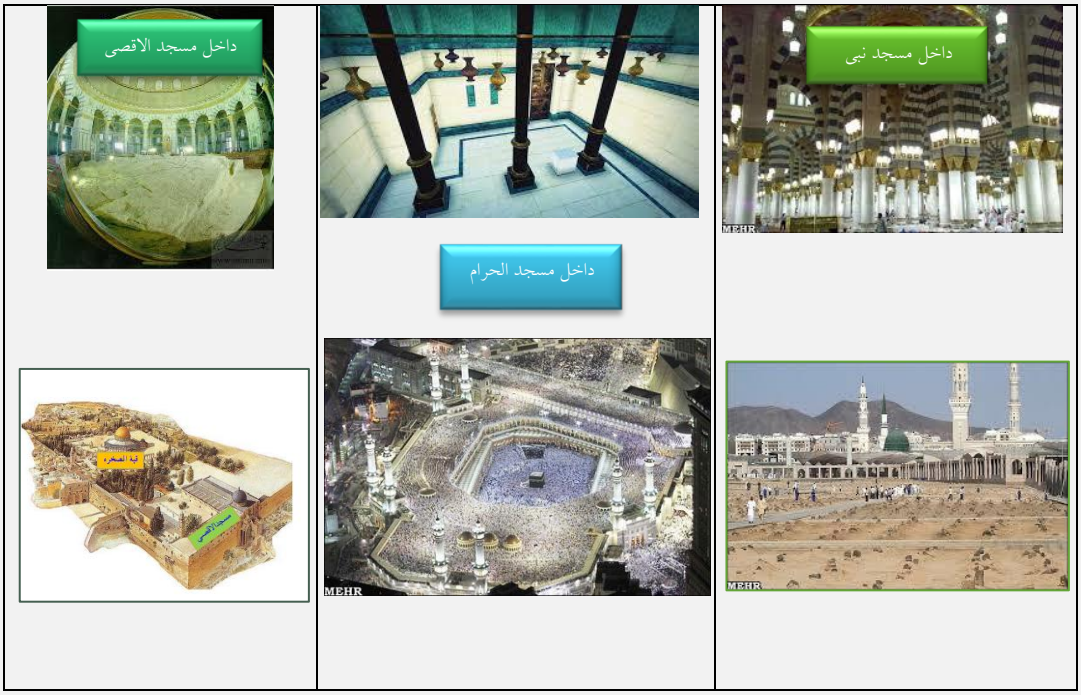
آسمان در آسمان در آسمان

عاشقان این زمین در آسمان

راهیان نور این پر آسمان

۷. خدا نزدیک است. برای همگان نورش نزدیک تر از صدایش و برای مقربین صدایش قرین نورش.

۸. سه قطعه معروف بهشت در حال حاضر روی زمین موجود است: مسجدالحرام، مسجد نبی و مسجد الاقصی (شکل ۴).



شکل ۴. سه قطعه بهشتی روی زمین حداقل برای پیروان اهل کتاب امروز. آنانی که برای فلسطینیان سرزمین جایگزین شبه جزیره سینا در مصر را پیشنهاد می دهند خیلی نادان تر از آنانند که بدانند این قطعات فروشی نیستند.

ابواب این سه مکان مقدس چون خودشان مقدس و همنام اسامی دربهای بهشت هستند (جدول۱). همه مسلمانان و همه پیروان ادیان الهی باید وارد این مساجد بشوند و سر و صورت خود را با خاک این سه محل تیمم بکنند. و به جای کشتن و خون ریختن (خون ریختن در خاک مقدس محاربه با خداست) و مصادره کردن خاک دیگران (فلسطینیان)در این منزلگاه ها حضور پیدا کنند، استغاثه بکنند و تا بوی بهشت را نچشیدند این درگاهها را ترک نکنند. این سه مکان محل تنزیه و تلطیف روح همه پیروان ادیان الهی در مرتبه اول و همه انسانها در مراتب بعدی است. این سرزمین ها متعلق به کسی نیست. متعلق به بهشت همه مومنین است. خون ریزان این مناطق در جای دیگر مستوجب آتش خواهند بود.

نام و تعداد ابواب مسجد الحرام (مکه)	نام و تعداد ابواب مسجد النبی (مدینه)	نام و تعداد ابواب مسجد الاقصی (قدس شریف)
دارای ۶۲ درب بزرگ و کوچک است. دربهای اصلی آن عبارتند از: باب السلام، باب بنی شیبه (باب الکبیر)، باب دارالقوارير (تالار آئینه)، باب ام هانی، باب السلام کبیر، باب وداع، باب ابراهیم، باب داودیه، باب الفتح (ملک خالد)، باب العمره (ملک سعود)، باب مکه، باب جده، باب شریف، باب الفرضه، باب المربغه، باب جبرئیل، باب العتیق، باب الباسطه، باب الزیاره، باب القطبی، باب العباس، باب السلام صغیر (باب قایتبای)، باب الفتح، باب علی (بنی هاشم)، باب حج، باب مروه، باب صفا.	مسجد النبی هفت ورودی اصلی و در مجموع ، ۸۱ درب دارد. مشهورترین آنها عبارتند از: ۱. باب الرحمه ۲. باب جبرئیل ۳. باب سلام ۴. باب النساء ۵. باب البقیع	مسجد الاقصی ۱۴ دروازه است: ۱. باب الرحمه ۲. باب المنفرد (باب فردی) ۳. باب المزدوج (باب زوجی) ۴. باب الثلاثی (باب سه تائی) ۵. باب المغاربه (باب النبی) ۶. باب السلسله (باب داوود) ۷. باب المتوظا (باب المطهره) ۸. باب القطانین (باب آهن) ۹. باب الحدید ۱۰. باب الناظر (باب علاء الدین بصیری، باب میکائیل، باب الحبس و باب المجلس)

تغییر نام دو باب قدیمی الفتح و باب العمره به نام پادشاهان آل سعود در سال ۱۳۹۰ بزرگترین اشتباه تاریخی بوده زیرا اسامی منتخب باید جزو مقدس ترین نام ها و برای مسلمانان یادآور نام خدا، یاد صدر اسلام و روز معاد باشند		۱۱. باب الغوانمه (باب الخلیل) ۱۲. باب العتم (باب شرف الانبیاء) ۱۳. باب حطه ۱۴. باب الاسباط

جدول ۱. نام ابواب فعلی سه مسجد بنام ادیان بزرگ دنیا.

۹. انسان به مینو است نه به کیلو.

۱۰. دو راه بیشتر پیش رو و پیش پای انسان نیست: ۱) توبه، محو گناهان و برگزیده شدن توسط خدا۲) ادامه گناه، حبط اعمال نیک و افتادن از چشم خدا است. تقابل این دو، تفاصل و تفاضل این دوست.

۱۱. در فرودگاه، ایستگاه قطار و نظایر آن فامیل و دوستان نزدیک به استقبال مسافر می آیند. خیلی معروف باشد جمعیت بیشتری از او استقبال می کنند. روز قیامت برای یک بهشتی یک استقبال کننده و یک مشایعت کننده ویژه است.

۱۲. نماز به موقع، تنظیم ساعت خود با ساعت طبیعت برای ادامه زندگی مسئولانه است و اطاعت خدا در همه صحنه ها به منزله تنظیم ساعت خود با ساعت روز قیامت است. انشاءالله جزو ساعت خواب رفته ها، ساعت خراب شده ها و ساعت گم شده های روز قیامت نباشیم(درج نظر در سایت شفقنا ذیل خبر لذت نماز ۱۳۹۱. فایل ۲۷+ تکمله نماز به عربی و دعا فارسی در همین سایت).

۱۳. عقب ماندگی مسلمانها، سرساعت نبودن آنهاست. سرساعت کار، سرساعت قرار، سرساعت بازدید، سرساعت نماز، سرساعت انتقال قدرت، سرساعت قیامت و.... علاجش هم اقامه و نه قرائت نماز در اول وقت نماز است. اصل اولیه مسلمانی که قرنها هست فراموش شده است(درج نظر در سایت شفقنا ذیل گزارش لذت نماز فایل ۲۷ مورخ۹۱/۱۱/۲۶ + تکمله نماز به عربی و دعا به فارسی نور است همین سایت)!

۱۴. انسان در رحم مادر تنهاست، اما هیچوقت این احساس را بویژه در عنفوان جوانی ندارد. زیرا دوست دارد در این دوره وارد ارحام دیگران بشود! حکومت جسم بر روح به معنی واقعی کلمه. اما هر چه جسم ضعیف تر می شود دنیا پوچ تر و تنهائی غالب تر می شود. به جای اینکه جسم او را بازی بدهد او جسم را یاری می دهد.

می بیند نسخه های آقایان دکترها هم جواب نمی دهد! فاصله اش از دنیا بیشتر و بیشتر می شود. جسم بی رمق، رمق او هم می گیرد! در این مرحله است که انسان قادر است از گوشه چشمش گوشه ای از آن دنیا را ببیند. دنیائی که انسان پاسخگوی اعمال خود است آنهم به تنهائی! بدون کمک این و آن و حتی کمک هزار دستان زبان.

فرد فرتوت اگر بفکر دنیا است قافیه را باخته است! اگر هنوز موی خود را رنگ می کند، در واقع چشم دیگران را رنگی و چشم خود را کور می کند. فرد متوفی جسم بی ارزشی دارد که به درد تدفین می خورد! در گورستان مرده شورها با جسم آدمی کار دارند که حق جسم است. اما داخل قبر می شود منتهی الیه قبر را نگریست و ورودی آن دنیا را دید.

کانال رحم به دنیا شبیه به کانال قبر به آن دنیاست. جسم را خاک می کنند تا دور از دسترس من و تو باشد! بعد از گذاشتن سنگ مزار تو بیرون قبر می بینی و متوفی هم بیرون و هم درون قبر را! فاصله ما و او بظاهر ۱ متر است اما

این یک متر ناقابل تا مدتی دست نایافتنی است! چه نبش قبر بکنی و چه نکنی چیزی گیر انسان نمی آید. هر روز که خاک سردتر می شود یاد او هم از یادها می رود و بعد از چند سال علی می ماند و حوضش! اینجاست که انسان به خود می گوید:

نه طاقت سنگ بر سینه و نه خاک بر دیده دارم

نه طاقت جدائی عزیزان و نه وصال خاک دارم

نه از نامه عمل خویشتن خاطری آسوده دارم

نه از جواب نکیر و منکر امید نجات دارم

در دل خاک نه کسی و نه پناهی دارم

به تنها رحمت ارحم الراحمین نیاز دارم

در واقع قبر بیرونی ترین بخش قیامت است. حیات خلوت (برزخ) قیامت است. شب گورستانها گواهی صبح بی منتهای آن دنیا است. "واعتبرو یا اولی الابصار"! پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت!

سه دنیای رحم، دنیا و آخرت (برزخ+قیامت) مجزا و منقطع از همه نیستند.

منتهی الیه دنیای رحم، دنیای فانی است و منتهی الیه قبر، برزخ و سپس قیامت است. به عبارت دقیق تر گرچه راه ها متفاوت و منازل مختلف است اما همه در مسیر خدا (إِنّا للّه وإِنّا إِلَیهِ رَاجِعُونَ- ما از خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم. بقره/۱۵۶) و منتهی الیه راه خداست (وَأَنَّ إِلَى رَبِّکَ الْمُنْتَهَى (نجم/۴۲). منتهی الیه همه به سوی خداست.

سه دنیائی که هم مرز هستند اما انسان حاضر به قبول همجواری آنها نیست! منتظر است قیامت به سراغ او بیآید غافل از اینکه او در مسیر قیامت است! البته که یک تفاوت عمده بین دنیای رحم و دنیای زمین با دنیای باقی هست. در دنیای رحم، جنین نادان از گذشته و حال و آینده است. در حالیکه پس از تولد او آگاه از گذشته، حال و آینده خود است. تنها چیزی که نمی داند ماهیت آن دنیاست. عالم برزخ ابتدای ورود به عرصه قیامت است. عالم بینابینی است. فاصله نامرئی بین دو عالم فانی و باقی است. از جنس قیامت اما قابل تحمل تر برای اشقیا. اما دنیا دیگر نیست، مفسده نیست، دل مشغولیهای کاذب نیست، یکجا رعب است و دیگر جا رحمت. اشقیا و اتقیا با دریافت آذوقه روزانه روحی (و نه جسمی) خود حساب کار خود را از همان جا می کنند. متنعمان از این مرحله ببعد بر عکس دنیا که مخلوط بودند و از دست نادانان عذابها و مرارت ها کشیدند برای همیشه منفک می گردند (...لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا- اگر کافر و مؤمن از هم متمایز می شدند قطعا کافران را به عذاب دردناکی معذب می داشتیم. سوره فتح/۲۵).

بروند شکر خدا بکنند دنیا روز قیامت نیست. به جای اینکه در سایه خوبان مثل آدم زندگی بکنند و احترام ولی نعمتان خود را نگه بدارند تا می توانند نمک می خورند و نمکدان می شکنند. نمی دانند روز قیامت دیگر از این رحمت ها خبری نیست. هر کس به مقدار زحمت خود نان خواهد خورد و بقیه ایام باید چوب بخورد.

دو زاری هر دو گروه در قیامت چه زود خواهد افتاد! با یک چشم بستن همیشگی از دنیا! باختگان دنیا، مفسدین فی الارض و مسخره کنندگان آخرت، هنوز قیامت نشده در همین عالم برزخ درخواست برگشت به دنیا را می کنند که البته پاسخ به آنها منفی است.

متقین برعکس، روز شماری برای روز موعود و مشاهده عرصه با شکوه قیامت می کنند. خدا هم بهشت را برای ایشان نزدیک می کند (وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ- و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک گردانند بی‌آنکه دور باشد. ق/۳۱ و شعرا/۹۰). و مواهب بیشتر را هم در نظر می گیرد (لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ-هر چه بخواهند در آنجا دارند و باز افزونتر از آن نزد ماست. ق/۳۵).

۱۵. برزخ عالم روح است و قیامت شاید هر دو (برخاستن از قبرها جسمانی است) و شاید هم متفاوت تر. هرچه هست برتری روح است. سه آیه برزخ در قرآن تداعی آن روزهای غریب است:

- ❖ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ- هنگامی که مرگ هر یک از آنان فرا رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید شاید در آنچه از خود به جای گذاشته‌ام، کار نیکی انجام دهم. هرگز! این سخنی است که او به زبان می‌گوید و درپی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند (سوره مومنون/۱۰۰).
- ❖ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا- و اوست کسی که دو دریا را موج‌زنان به سوی هم روان کرد این یکی شیرین [و] گوارا و آن یکی شور [و] تلخ است و میان آن دو مانع و حریمی استوار قرار داد (سوره فرقان/۵۳).
- ❖ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ – و میان آن دو دریا (شور و شیرین) برزخ و حائلی است که تجاوز به حدود یکدیگر نمی کنند (سوره الرحمن/۲۰).

۱۶. انسان موجودی است چند دنیائی. دنیای رحم، دنیای خاک، دنیای خواب و دنیای محشر. همه این دنیاها را در زمین تجربه می کند الا دنیای آخرت را! وسیله رفتن و دیدن این دنیاها را یا خود مستقیم تدارک می بیند یا والدین او. برای دور دست ها لباس فضانوردی می پوشد و برای خوابهای نیمه شب کار روز می کند. اما برای دنیای آخرت تنها وسیله رفتن استفاده از فرمول یک خداوند است! خاکی در همه امور، پاکی از همه امور.

۱۷. اندازه دنیا به آخرت مثل اندازه رحم مادر به دنیاست. داخل صدف چگونه توان دیدن همه دنیا.

۱۸. چقدر خوب اما سنجیده خداوند متعال وقت مرگ را برای اغلب مردم انتهای عمر قرار داده است تا لذتها را در جوانی و میانسالی و محرومیتها را آخر عمری بچشد تا مگر با این پیش زمینه، ترک دنیا بر ایشان آسان گردد. اما ترس بشر مرگ نیست ندیدن و نشناختن دنیای نامعلوم است!

۱۹. نامه عمل تا دم مرگ با ماست. کم و زیادش با ماست. **حاسبوا قبل ان تحاسبوایش** با ماست. کارت اعتباری است که واریزش با ماست. واخواستش با خداست.

۲۰. چهار روز انتظار خدا برای گستراندن نعمات زمین برای تامین روزی انسان و دیگر موجودات عالم. چند صد قرن انتظار برای مهیا ساختن سطح زمین و جو زمین برای ورود انسان به سطح کره خاکی، ۹ ماه انتظار برای تبدیل یک

نطفه به یک نوزاد کامل انسان و در برابر، ناسپاسی انسان. هیچ انسانی تحمل این همه ناسپاسی را ندارد. باز هم بگو خدا نیست! هست نامهربان است!...

۲۱. تضاد مخصوص زمین است. مخصوص جهنم است که همه همدیگر را برای گمراه کردن هم ملامت کنند. بهشت سرزمین تفاهم است. چون عرش خدا مسقط راس تفاهم است. یک تضاد کوچک (تفاوت جنس آدم و ابلیس) دیدیم چه آتشی در آن بالا برپا کرد.

۲۲. مومنین در روی زمین تحمل مفسدین را ندارند و مفسدین بسیار مشتاق دیدار مومنین در جمع خود هستند! وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ و (اهل دوزخ با یکدیگر) گویند: چه شده که ما مردانی (مؤمن) را که از سفله و اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟ این به آن در یعنی همین!

۲۳. درست است پاداش آخرت (وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ– سورهٔ نحل آیه۴۱) چون عذاب آخرت (وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ– سوره زمر آیه ۲۶) اکبر است. اما پاداش خدا فوق اکبر است. در دنیا هم رحمت هائی الهی برای زندگی کردن فراوان و زحمت های بندگان برای مردن اندک است.

۲۴. بعضیها قبل از مرگ می میرند، اکثر مردم یک تا چند روز/ماه پس از مرگشان (عالم برزخ) و تعداد قلیل هر چه می گذرد در این دنیا و آن دنیا زنده تر و شناخته تر می شوند. "سعدیا مرد نیکو نام نمیرد هرگز/مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند". می شود فهمید هرکس در این دنیا و آن دنیا چکاره است. منتها خریت نمی گذارد. حرف مرا باور کنید!

۲۵. نسبت اندازه، تنوع، شگفتی، کامیابی، آسایش و آرامش دنیا به آخرت اگر در مقیاس عالم خیال من به بزرگی تفاوت دنیای رحم به دنیای زمین نباشد آن آخرت، آخرت موعود و آن وعده، وعده میعاد نیست.

۲۶. جزو افرادی نباشیم که کیلوئی گناه می کنند، مثقالی ثواب می برند و انتظار هم دارند در روز قیامت به حساب ایشان کیلوئی رسیدگی کنند! نه آقا حساب آن دنیا به مثقال ذرّهٔ یره است! خودت را درست کن که حساب و کتاب آن دنیا درست، درست، درست است!

۲۷. میکروب ها هر ساعت روز، گیاهان و جانوران در بهار هر سال و انسان در هر ساعت روز زاد و ولد می کنند. کار میکروبها و انسانها مشابه هم است با این تفاوت که هر زاد و ولد برای انسان ۹ ماه و برای میکروبها نیم تا چند ساعت بطول می انجامد. زمان فوت کل موجودات عالم نامشخص است و هر ثانیه شبانه روز اتفاق می افتد. ساعت مرگ با خداست ای انسان.

۲۸. پل صراط چون فیبر نوری مرکب از صدها رشته باریک است و هر رشته آن میزانی برای سنجش یکی از هزاران اعمال ماست (بخشی از نظر من درج در سایت شفقنا ذیل خبر مفهوم صراط در قرآن–علامه طباطبایی. مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰. فایل ۴۱).

۲۹. انسان ها در سر بزنگاه ها امتحان می دهند. "اهدنا الصراط المستقیم" گفتن های ما در هر نماز برای گرفتار نیامدن در آن بزنگاه ها است و چون فرد از زمان و مکان و نوع سئوال بی خبر است اگر از قبل خودسازی نکرده باشد بلافاصله مردود می شود. این است مومنین مدام با امتحانات بزرگ روبرو می شوند و آدمهای معمولی از یک امتحان

ساده اگر ده ها بار هم تکرار بشود باز مردود می شوند! مومن تا بگوید دو با دو می شود چهار، مسئله غامض تر برای او طرح می شود! بلافاصله می پرسند دو بعلاوه دو ضربدر ۴ چقدر می شود؟ الی آخر! اما نامومن که نادان هم هست در پاسخ همان سئوال اول می ماند چون ماندن خری در گل! بدون اینکه خود بداند!! مومن روز به روز به هدف آفرینش نزدیکتر و نامومن ثانیه به ثانیه در قعر گناه مغروق تر! (قسمتی از نظر من در شفقنا ذیل مقاله فرق بین امتحان الهی با امتحانهای معمول در نزد انسانها–علامه طباطبائی. مورخ۱۳۹۱/۱۲/۱۷. فایل ۵۰).

۳۰. هر روز ایرادی تازه بر اسلام و این ایراد دیرین که چرا مرد حق ازدواج با ۴ زن را دارد؟ خود این مدعیان "حقوق برابر" نیک می دانند که حق داشتن چهار همسر شرایطی دارد که التزام به آن عملا غیر ممکنست! برقرار کردن عدالت بین چهار زن از محالات است! حداقل در روی این کره خاکی! پس شتر دیدی چهار زن هم دیدی! خود حضرت پیغمبر و علی (ع) در دوره ای که چند همسری یک عرف پذیرفته شده بود تا زمانی که همسرانشان در قید حیات بودند زن دوم انتخاب نکردند.

اما برای این شبهه انگیزان ضد منافع خود باید گفت: خدا وکیلی تن دادن به این قانون مترقی و شفاف اسلام بهتر است یا تن دادن به قانون اجباری تک همسری که مرد به ظاهر دارای یک همسر رسمی و ده ها زن غیر رسمی است! آسیب های جسمی و روحی که خانمها از ناحیه این ندانم کاری ها و عناد ها دیده اند کمتر از حرمت ازدواج در مسیحیت و ترویج و تزویج هم جنسگرائی در غرب امروز و نه دیروز نیست! دولتهای غربی و نه ملت های غربی می خواهند این عمل مذموم را توجیه و قانونی کنند (مراجعه شود به مقاله هم جنس گرایی. ویکی پدیا ۲۰۱۷)

اما این عمل نه در شان انسان است و نه حیوان و نه موجودات عالی و دانی دیگر. لذا تا این تاریخ (۱۳۹۵) هیچ دین و آئینی آن را تجویز نکرده است. چرا که دین نجات بخش است. راه راست از گمراهی را نشان می دهد. راهبر است نه رهرو. مردم مومن و معتقد باید خود را با دین مطابقت بدهند نه دین با مردم. در سلولهای باکتریائی که بسیار هم ابتدائی هستند پیلی ها یا اندامک های جنسی در سلولهای به اصطلاح مذکر وجود دارند و این سلولها از آنها در عمل جنسی (کانجوکشن) برای انتقال پلاسمید حاوی فاکتور جنسی یا سکس به سلولهای فاقد آن (مونث) استفاده می کنند و هیچوقت دیده نشده است دو سلول حاوی فاکتور جنسی با هم آمیزش جنسی از طریق پیلی بکنند! آیا باز هم باید به عناد ادامه داد! عناد با مصالح فردی! با سلامت جامعه! با کانون گرم خانواده! و با روزی که بنام معاد است!!

۳۱. کار بیشتر مردم (اکثر الناس) بوسیدن دیوارهای دنیاست! تنها قلیلی نیمه نگاهی به دنیا و تمام نگاه به روز قیامت دارند. بقول آقای جوادی آملی خیلی ها در روز قیامت دیوارهای جهنم را خواهند بوسید که ترس از آن نجات بخش بوده است!

۳۲. قفل برای دزد، امتحان برای درس نخوان، جهنم برای خاطی و بهشت برای مخلصین است. روز قیامت برای یک مومن یک روز به خصوص است. بدون نوبت، بدون ترس با کمال آرامش و با تمام وقار از کانال سبز خدا با مشایعت ملائک مقرب وارد بهشت می شود! (درج نظر در سایت شفقنا ذیل مقاله فرق بین امتحان الهی با امتحانهای معمول در نزد انسانها–علامه طباطبائی. مورخ۱۳۹۱/۱۲/۱۷. فایل ۵۰).

۳۳. انسان در دنیا ولع خوردن دارد و در قیامت اشتهای آن.

۳۴. نسبت جمعیت بهشت به جهنم یک به چند است. مثل نسبت انسان خوب به انسان بد در روی زمین. منتها همچنانکه این نسبت روی زمین همواره در حال تغییر است، در قیامت هم متغیر است (سوره هود آیات ۱۰۷ و ۱۰۸). درج نظر در سایت بینانیوز مورخ۱۳۹۳/۱۱/۵. فایل ۹۷.

۳۵. هر دو مکان جمعیت انبوه خود را دارد. دو آیه شبیه به هم ۷۱ و ۷۳ سوره زمر حکایت از ورود فوج فوج و گروه گروه افراد خاطی و رستگار در محل های تعیین شده است (وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا.... وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا). منتها ورود به جهنم کجا که با ملامت نگهبانان دربهای ورودی جهنم همراه است و بهشت که هر چه هست سلام است و سلامتی.

۳۶. باید برای روز قیامت آماده بود آنهم با درجه سرهنگی! تیمساری کار هر کس نیست.

۳۷. انسان از خود یک نامه (وصیت نامه) و یک کارنامه (نامه اعمال) برجای می گذارد. بعضی ها سواد نوشتن و خواندن هر دو نامه را ندارند و بعضی دیگر سواد نوشتن و خواندن یکی از دو نامه را دارند.

۳۸. اعمال انسانهای معمولی با ترازوهای شاهینی و آدمهای متوسط با قپان سنجیده می شود. هرچه دو زبانه ترازوی شاهینی بهم نزدیک تر و وزنه متحرک روی میله مدرج قپان وسط تر، اعمال دو گروه متعادل تر. اما کار آدم های بزرگ با باسکول و ترازوهای دیجیتال است! این دو اسباب توزین، چشم مردمان سبکبال است که حسنات بزرگان را با باسکول و سیئات ایشان را با ترازوی دیجیتال می سنجند. در این بین گروهی هم هستند که ادای بزرگان را در می آورند! و برای اعمال توخالی خود باسکول کشی می کنند! و چون به گزاف تکیه بر جای بزرگان زده اند! خیلی زود زیر باسکول می روند.

۳۹. برای آنکه حساب زندگی از دستمان در نرود در وزن "کلاغ- پر" که مادران در ایام طفولیت با بالا و پائین آوردن انگشت سبابه آموزش زبان یاد می دادند به خود بگوئیم"حساب-حساب"/"حساب-کتاب".

۴۰. خیر و شر یعنی دنیا، خیر از شر یعنی آخرت.

۴۱. اشکال امتحان خدا متنوع و بعضا غیر قابل تشخیص است. قبول شدن از این سلسله امتحانات به تشخیص سریع و تصمیم آنی نیاز دارد. از ثروت باد آورده گرفته تا ثروت بر باد رفته، از امتحان ابراهیمی گرفته تا امتحان اسماعیل، از ۲۵ سال سکوت علی گرفته تا سه شب پیاپی در خانه ای را سائلی زدن. یک بار قبولی همانا و دهها امتحان سخت تر همان. مردودین این امتحانات فرصت سوزانی هستند که نیازمند ترحم اند.

۴۲. در هر ثانیه فهرستی از آدمهای این کره خاکی select all و delete می شود. اما نحوه چینش آنها به ترتیب سن نیست بلکه گلچینی از غنچه، گل های رنگارنگ، برگهای بلند و کوتاه و ساقه چوبی است.

۴۳. ورود ما به دنیا به ترتیب است اما خروج ما بی ترتیب (از نظر ما و نه از نظر خدا)است. خدا ما را شناخت و ساعت مرگ ما را به ما معلوم نکرد و فقط از دو اجل گفت: اجل مسمّی (اجل غیرقابل تغییر و تبدیل یا مرگ طبیعی. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ- مائده/۲) و اجل معلّق (اجل تغییرپذیر است و بسته به اعمال فرد مدت آن کوتاه و بلند می شود. مرگ زودرس یا دیررس. يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاء لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ. نوح/۴). (مراجعه شود به شعر مربوط به خبر فوری سقوط

هواپیما به مقصد یاسوج. مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۵). مطمئنا اگر خدا می دانست انسان از مدت عمر خود باخبر باشد خطا نمی کند خروج او را چون ورود او به دنیا به ترتیب انجام می کرد. البته ترتیب فعلی عالی و بر اساس اجرای نقش است.

۴۴. به هر کس در این دنیا یک مسئله مخصوص داده اند تا حل بکند. صورت مسئله ها متفاوت است. اما پاسخ آنها یکیست. هر کس موفق بود زودتر و غالبا با روی گشاده صحنه دنیا را ترک می کند. در این بین انسانهای شرور (به اشتباه خلق شده) و با فجور خود سعی می کنند صورت مسئله را پاک کنند.

۴۵. انسان همیشه چوب جاذبه زمین را می خورد. بی تابی و بیقراری او در روز میعاد هم بدلیل نبود همین یک قلم کالاست.

۴۶. اگر اختیار جهنم و بهشت با ما بود جهنم را نصیب بهشتیان می کردیم.

۴۷. دنیا محل ثبت اثر انگشت انسانها و آخرت محل آشکار شدن رموز آنست. خوشا به حال کسانیکه انسان بودن را در حیات خود به دیگران آموختند.

۴۸. در عالم کائنات تنها خدا بود خدائی که الله صمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد بود (خداوند یکتا، بی نیاز، نه زاییده و نه زاییده شده و درعین حال بی همتا).

دیگر عضو برجسته این عالم معنا جمع کثیری از فرشتگان بودند که شمارشان بیشمار بود (بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین سربازان خدا)، و دارای صنف مختلف از جمله حمل عرش خدا، فرشتگان بهشت و جهنم و فرشتگان مقرب و...و چون از خاک نبودند خاکی هم نبودند. خوابشان نامعلوم، خوراکشان نامعلوم، بدون زاد و ولد، بدون خطا، بدون جنسیت و همیشه در حال عبادت، اطاعت امر و انجام ماموریت.

شیطان و جن (شیطان از فرشتگان نبود بلکه از جن بود. پس یک جنس و یک قوم هستند) بعنوان عضو سوم آفرینش یک شباهت هائی هم به ما و هم فرشتگان داشتند (نیمه انسان و نیمه فرشته). با فرشتگان تفاوت داشتند چون نوعا از جنس آتش بودند درحالیکه فرشتگان از جنس نور بودند. فرشتگان بی خطا و شیطان (جن) پر خطا بودند. اما هر دو نامرئی بودند. تعداد اینها هم کم نبود اما نه به تعداد فرشتگان. چون نیازی به کثرت ایشان نبود. کم شان زیاد، جمع شان جمع و کارشان بین عبادت تا خیانت.

چون انسان مکلف، دارای دو جنس، دارای زاد و ولد، مرگ و معاد، حشر و نشر، عذاب و پاداش، صاحب اختیار، دانا و نادان، با عقاید مختلف و ادیان مختلف، بعضی کافر، بعضی فاسق، بعضی ظالم. بزرگ بزرگشان شیطان بود که به قرب خدا رسید، به خود غره شد، تمرد امر کرد، از بهشت و رحمت خدا رانده شد. با اینکه بعضی از ایشان از قدرت خارق العاده ائی برخوردار هستند و می توانند خود را به هر شکل و قیافه ای دربیآورند و در یک مورد کلام وحی را بشنوند و قوم خود را از اسرار آن با خبر سازند با اینهمه از نظر فضیلت و کمال، گروه جن همیشه از ملائک و انسان پائین تر بوده است. کم ایشان مقرب اند. برای ایشان پیامبران و از قوم آنها پیامبری برگزیده نشده است و چون قبل از انسان خلق شده اند عضو علی البدل اول کائنات هستند. عضو دوم علی البدل کائنات انسان است. همان

قدرتی دارند که جن دارد با این تفاوت که انس از خاک است، پیدا هست. برعکس جن از آتش است و ناپیدا است. اما این کجا و آن کجا! تفاوت از زمین تا آسمان است.

انسان هم می تواند برای جنس خود آبرو ببرد هم آبرو بخرد. هم از ملائک بگذرد هم شیطان را جا بگذارد! خوب خوب این دو جنس این استعداد را دارند عضو اصلی کائنات باشند و از عضو علی البدل بودن برای همیشه خارج بشوند.

اما خوب خوب انسان بی نظیر است، بی بدیل است. برترین ایشان پیامبران اند. تعداد انسان ها هیچوقت به تعداد ملائک نمی رسند چرا که نسبت ملائک به انسان در کمترین مقدار ممکنه ۲ به۱ است. نسبت معقولی است. زیرا جمعیت انسان در حال تغییر و جمعیت ملائک به همین نسبت متغیر است. انسان جا گیر و فرشتگان بی جا و هر جا هستند.

افتخار انسان است:

۱) خدا به او از رگ گردن نزدیکتر باشد (ق/۱۶)

۲) حداقل چهار فرشته همراه او باشند.

اگر این فرد انسان وارسته ائی باشد نیازی به اینهمه محافظ و مصاحب و موکل ندارد. یکی هم کفایت می کند. طبق آیات قرآن هر انسان را دو فرشته کاتب بنامهای رقیب و عتید (ق/۱۸) و دو فرشته بنامهای سائق و شهید (ق/۲۱) است. رقیب و عتید همراه ما در این دنیا و سائق و شهید همراه ما در آن دنیا می باشند. نام ایشان موید کار ایشان است. رقیب یعنی مراقب، عتید یعنی ضبط و ثبت کننده، سائق کسی که از پشت سر فرد را به جلو هدایت می کند و شهید کسی است که شهادت می دهد. خیلی ها این چهار نفر را دو نفر فرض گرفتند. بعضی ها بیش از ۴ نفر دیدند قائلین به دو نفر مدعی هستند که چون فرد بمیرد دیگر نیازی به مراقبت و نوشتن نامه اعمال او نیست لذا در روز قیامت این دو فرشته در قامت سائق و شاهد ظاهر می شوند.

بنظر می رسد تقسیم کار دقیق تر از اینست. وسعت کار قیامت وسیع تر از اینست. حداقل دو فرشته برای مراقبت و ضبط نامه اعمال هر فرد در این دنیا قطعی است. اما در قیامت دو راه و دو مسیر متفاوت تعیین شده است. همراهی دو فرشته ملازم و گواهی دهنده نه برای مومنین که مخصوص کافرین است. نامه اعمال به دست چپ است. انتظار می رود فرشتگان جهنم (ق/۲۴) جز این چهار نفر باشند. متاسفانه در همه تفسیرها همه یکی و یکی هم دو تا در نظر گرفته شده است. علت هم اینست که کمتر تفکر شده است. بیشترها در قالب ها مانده اند. ابهت قیامت به فرشتگان متعدد است. به تقسیم کار مجرد است. تخصص حرف اول را می زند. وقت چون طلا با ارزش است. نباید مومنین را از این مسیر ببرند. مسیر سراغ ایشان می آید. وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ- و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک گردانند بی‌آنکه دور باشد (ق/۳۱). شفاف تر از این می شد؟ این آیه را دیروز قبل از تحویل سال در قرآن خواندم و امروز (۱۳۹۷/۱/۱) بر این متن اضافه می کنم. چقدر شیواست، چقدر گویاست این قرآن. چقدر سخت می کنند قرآن! یک دوست فقط دوست است

یک دوست فقط پوست است

یک دوست هزار دوست است

دوستان من هم دوست اند

دوست رقیب دوست است

دوست عتیق دوست است

یک شاهد دوست دوست است

یک سائق دوست دوست است

در دو جمله می توان روند پیدایش، رشد و تکامل دو انسان سعید و شقی را تعریف و تبیین کرد و قدر این دو را در روز قدر چنین نگاشت:

- ✓ پاک بود (در بهشت اول)، خاک کرد (در بهشت اول)، پاک کرد (انتظارات را در بهشت اول)، پاک زیست (در زمین)، پاک گشت (در زمین)، پاک جست (در زمین)، پاک رفت (در زمین)، پاک برگشت (در روز معاد)، منزل قربت گزید (در بهشت موعود).
- ✓ پاک بود (در بهشت اول)، خاک کرد (در بهشت اول)، پاک کرد (انتظارات را در بهشت اول)، ناپاک زیست (در زمین)، ناپاک گشت (در زمین)، ناپاک جست (در زمین)، ناپاک رفت (در زمین)، ناپاک برگشت (در روز معاد)، قعر جهنم رفت (در دوزخ موعود).
- ✓ قوم بینابینی، اصحاب اعراف هستند گنهکار، بلاتکلیف اما امیدوار بعفو خدا. ایشان در روز قیامت هنگامی که چشمانشان به اهل جهنم می افتد می گویند: پروردگارا ما را همنشین گروه ستمکاران قرار مده (رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (اعراف/۴۷). تفسیر و تصویر دیگر از این آدمها دقیقا متضاد آنچه تاکنون گفته شده است (اسلام کوئست نت،۱۳۹۸). ایشان شایستگانی هستند که ورود آنان به بهشت با تأخیر انجام می شود تا آنان احوال بهشتیان و جهنمیان را ببینند و سپس به مقام عالی خود در بهشت وارد بشوند. ایشان هر دو گروه جهنمی و بهشتی را می شناسند و بر بهشتیان سلام و دوزخیان را سرزنش می‌کنند (اعراف/۴۹-۴۶).

اینجاست که انسان غافل باید به کار و حال خود بگرید که خداوند را با این همه لشگر ملکی، جنی و انسی در کنار خود و ناظر خود نمی بیند و فکر می کند دنیا بی صاحب است! اگر همه اینها را متعمدا و متشبثا به اتاقهای فرمان نیروگاه ها، پرتاب سفینه به فضا و..تشبیه کنیم خواهیم دید انسان گنهکار تنها بازنده این بازی است که نظارت صد در صدی و بی خطای آستان لایتناهی خدا را بر خود در طول عمر خود حس نمی کند و جدی نمی گیرد و بدتر از همه بعضا به حکم گوید آن دنیا چه کسی رفته و چه خبری آورده! جهنم کجاست؟ بهشت کجاست؟ دارالمکافات چراست؟ (درج نظر در سایت بینانیوز مورخ ۱۳۹۴/۶/۲ فایل ۲۱۰).

هرچه غریب است غریبان روند

سایه خورشید سواران روند

محنت من نیز سخن گفتن است

گفته نگویم به خسران روند

هرچه بلاغ است به ما گفته اند

هرچه کلام است به ما گفته اند

روز ازل روز ابد گفته اند

حرف دو عالم به ما گفته اند

راه دگر رو که این راه توست

کار دگر کن که این کار توست

حاذق و رازق به ما گفته اند

عزم دگر کن که این فال توست

مقصد بعدی سفر پیش ماست

بنده ما نیست مگر پیش ماست

گنبد گردون به گردون ماست

کفه عالم ترازوی ماست

مظهر عالم همین نام ماست

مذهب عالم همین خال ماست

نقطه عالم به پرگار ماست

زنده عالم همین پاک ماست

اول هرکار به خود بردن است

نقطه بعدی کجا بردن است

مرده نداند کجا می برد

با تو بگویند کجا بردن است

۴۹. آن روز ما نبودیم ببینیم سر آدم و حوا چه آمد! فقط شنیدیم آن دو بزرگوار وسوسه شدند در سرزمین جاوید جاویدان بمانند! در سوره طه آیات ۱۱۶ به بعد خداوند می فرماید"ما به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنند همه سجده کردند الا ابلیس. به آدم گفتیم ابلیس برای تو و همسرت دشمنی خطرناک است مبادا بخواهد شما را وسوسه بکند و از بهشت براند. اینجا که هستید نه گرسنگی دارد و نه برهنگی، نه تشنه می شوید و نه آفتاب‌زده. همین جا آرام بگیرید و گول شیطان را نخورید".

نصحیت فتاده برای انسان از زین اسب نیافتاده! خدا در چه فکری است آدم در چه فکری! البته خدا با این حرف ها او را آماده پرواز می کند. چطور که به موسی می گوید حواست باشد در مدتی که پیش ما بودی امتت گوساله پرست شده اند (طه/۸۵)! آدم در پی جاودانگی است و این صفت را تا قیام قیامت با خود خواهد داشت.

آدم و حوا بقول ما یک سر داشتند و هزار سودا. آن چیزی که ایشان را رنج می داد اتفاقا بیکاری و سیر خوردن بود! زیر سایه ماندن بود! با بزرگان حشر و نشر کردن بود، خدمت و جنایت نکردن بود! با تمام قوا روبرو نشدن بود! اما

او که صد هزاران علمش اندر هر رگ است نمی توانست قابلیت های خود را نشان بدهد، تمام قوای خود را بکار بگیرد! تنش می خارید برای کارهای بزرگ تر. درخت ابدیت و ملک جاویدان غایت فکر او بود. دوست می داشت از میان شعله های آتش وارد بهشت بشود. چه کسی بهتر از شیطان استاد راهنمای معزز فریفته فریخته!

انسان یا باید از خدا راهنمائی بگیرد یا از اداره راهنمائی و رانندگی!

ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود راهنمائی بکنم؟ قربون دستت! منت می گذاری! جبران می کنم! چکار باید بکنم؟ از آن درخت ممنوعه بخورا! این که چیزی نیست!! حافظه تاریخی قربانش بروم که نداشته که بهما به ارث بگذارد. کله گنده، مغز گنده، فراموشی ها گنده تر از کنده! تا میوه ممنوعه را خورد دود از کله اش بلند شد! برهنه شدم، نزد خدا خوار شدم، خوارتر از فرشتگان شدم.

چه کنم که برای همیشه خانه خراب نشوم. هیچ چی. فعلا عورتت را با برگهای درختان بپوشان. می فرستند زمین. توبه کردی، می بخشند، پیامبر می کنند، امت می دهند، آخرسر هم نزد خود بر می گردانند. این بار برای خوبان نسل که میوه ممنوعه را روی زمین نخورده اند جای بهتر (جنتی) و نزدیکتری را می دهند. چه معامله خوبی است!

۵۰. اینهائی که بنام اسلام و برای رضای خدا و متنعم شدن در بهشت آدم می کشند می دانند این بهشت چند تا در دارد؟ با این اعمال ضدانسانی، ضد اسلامی و ضداخلاقی خود که ماه مبارک و نامبارک نمی شناسد، زن و کودک نمی شناسد، مسجد و خیابان نمی شناسد و تنها رنگ و بوی خون و تعصب می دهد اگر خود ایشان نعوذبالله مسئولیت نظارت بر درهای ورودی بهشت را داشتند خونخوارهائی مثل خود را از کدام درب بهشت به سالنهای پرشکوه بهشت هدایت می کردند؟ اگر نمی دانند و قطعا نمی دانند بدانند جهنم دارای هفت در و بهشت دارای هشت در است. آیا این یک در بیشتر بدین سبب است که ورود بهشتیان با احترام و با تشریفات خواهد بود و ورود جهنمیان با هجوم و زیرپا ماندن! یا نه خدا رحمتش واسعه است و برای ورود افراد بیشتری به بهشت یک در اضافه در نظر گرفته شده است. اما کدام بهشت؟ و کدامین یک از این هشت در بهشت جنات النعیم، جنات عدن، جنات الماوی، جنه الخلد، جنات الفردوس، جنت عالیه) مخصوص ما و دیگران است؟ به فرمایش امام صادق (ع) یکی از این درهای ورودی مخصوص انبیا و صدیقین است (در جدول ۲ به آن اشاره نشده است زیرا متواتر نیست). همه آن روز در پیشگاه خدا خاشع و خاموش اند و از هیچکس جز زیر لب صدائی شنیده نمی شود (طه/۱۰۸). براستی که این مسلمانان افراط و تفریطی که راه میانه نمی شناسند نه دنیا را جدی گرفتند و نه آخرت را. از من وصیت از همین الان به فکر ورود از یکی از درهای هفتگانه جهنم باشند. اما اسامی درب های ورود به بهشت آدم را یاد باب های مشابه در حرمین شریفین کعبه و مدینه می اندازد:

۱. باب المجاهدین (مجاهدین فی سبیل الله)
۲. باب المصلین (برای نماز گزاران)
۳. باب الصائمین (برای روزه داران. مبارک روزه داران صدیق خدا باشد که امروز روز اول آن را جشن گرفتند)
۴. باب الصابرین (صبر کنندگان)
۵. باب الشاکرین (شکر گزاران)

۶. باب الذاکرین (یاد آوران خدا)

۷. باب الحاجین (حج کنندگان. این باب را با تمام وجودم در حج تمتع سال ۱۳۹۳ حس کردم)

۸. باب اهل المعروف (نیکوکاران)

وسعت این بهشت قابل مقایسه با جهنم نیست. بهشت به پهنای آسمان و زمین است (حدید/۲۱).

امان از نام و ورودیهای درب های جهنم:

۱. باب جحیم (اعلی جهنم)

۲. باب لظی (پوست بدنت و صورت را می برد)

۳. باب سقر آتش داغ)

۴. باب حطمه (آتش افروخته)

۵. باب هاویه (آتش سوزان)

۶. باب سعیر (سوزان)

۷. باب جهنم (درج نظر در سایت بینانیوز ذیل خبر وقوع سه انفجار تروریستی در سه مسجد صنعاء. فایل ۱۸۲. مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۸برابر با روز اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ه. ش).

۵۱. معاذالله (زبانم لال) اگر من به جای خدا بودم در روز رستاخیز همه را به جز بدکاران محشور می کردم!! تا مدفون شدگان الی الابد خاک بمانند تا بدانند از وحوش (حیوانات) هم کمترند که حتی به صحرای محشر هم احضار نشده اند! اما وحوش که چون انسان، مخلوق خدا و نه محصول تصادف و تکامل هستند و حتی زودتر از انسان خلق شده اند بمانند انسان در روز محشر حاضرند (آیه۵ سوره تکویر).

چرا می گویم خلقت کامل داشته اند؟ زیرا خداوند برای ادامه بقای آنها به حضرت نوح (ع) دستور می دهد از هر جانوری یک جفت انتخاب و سوار کشتی کن تا در اثر طوفان نسل آنها که آسیب پذیرتر از گیاهان است منقرض نشود. یعنی اگر این دستور رعایت نمی شد نسل حیوانات آن سرزمین از بین می رفت و خدا هم با این فرمان اولا مشخص می کند خلق مجدد آن ها در برنامه کاری او نیست. ثانیا با این عذاب یک پاکسازی کلی در زمین روی می دهد: "انسان های خوب بمانند، حیوانات کلا بمانند، انسانهای نااهل کلا نابود بشوند".

شاید بپرسند منشا پیدایش مجدد انسانهای نااهل از کجاست؟ از ژنهای مغلوب انسانهای خوب (جزئیات بیشتر مقاله مبدا و معاد انسان خردمند امروزی–همین سایت). از این رو، اگر بخواهد دوره حکومت حضرت مهدی (ع) طولانی بشود باز انسانهای طاغی و فاسد بوجود خواهند آمد و باز "تاریخ غمناک انسان، حیوان و گیاه" تکرار خواهد شد. ما هم که قائل به این موهومات نیستیم که خدا کاری خواهد کرد که انسانهای پس از آن دوره، دیگر خوب باشند! یا امام زمانهای دیگری ظهور خواهند کرد!

نه عزیزم امام زمان یک فرد، یک رسالت و یک نهضت بیش نیست. وقتی می آید که دیگر کاری از دست مصلحین ریز و درشت عالم ساخته نیست. برخلاف دیگر انبیا چون نوح، عاد، ثمود و...که مسئله قومی و منطقه ای مطرح بوده

است در دوره آخر زمان، حرکت اصلاحی جهانی مورد توجه است. این کار از عهده امام زمان های ساختگی دیروز، امروز و فردا برنیآمده و نخواهد آمد.

ظهور مخصوص حضرت عیسی مسیح (ع) و امام زمان (عج) است که هر دو زنده اند. مردگان زنده نیستند و زنده نمی شوند الا روز قیامت. مگر موارد خاص که خدا برای تنبه افرادی را بمیراند و دوباره زنده کند تا مگر شکرگزار خدا باشند. مثال بارز آن فرستادن صاعقه بر قوم یهود، مرگ موقتی تعدادی از ایشان و احیای مجدد آنها (ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ- سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم باشد که شکرگزاری کنید. بقره/۵۶).

بنابراین بشر امروز دو راه بیشتر پیش روی خود ندارد: ادامه فساد و یا اصلاح امور (اخلاقی، وجدانی و فطری).

تاریخ گذشته و اهداف از پیش طراحی شده خالق هستی به ما نشان می دهد انسان از این بعد ارزشهای انسانی خود را سریع تر از قبل از دست خواهد داد. منجی جدید هم در کار نیست. مولانا/بودا/و...هم یک مسکن هستند! دنیا هم که سالن امتحان عمومی برای همه ابنای بشر است چه برای ما و چه برای انسانهای بعد از ظهور.

پس هم شیعه او و هم منکر او دانسته و ندانسته باید انتظار بکشند. انتظار مربوط به همه و حق همه است. شیعه و سنی، مسیحی و زرتشتی نمی شناسد. تعیین تکلیف با همه انسانها است که دنیا را خانه امن خود دیده و تنها آن را برگزیده اند! "قل سیروا" را فراموش کرده و مرتب دست به کار نافرمانی از دستورات مذاهب اصیل خود هستند. اجرای حدود خدا را ناعادلانه و محکوم می کنند. پایش بیفتاد خواهد گفت وجود جهنم مغایر با حقوق بشر است! اینکه در اسلام می گوید قبرستانها ساده باشد برای این است که گورستان ها پارک تفریحی بر گونه دیگر نیستند. بانک بلند خدا برای وجود حتمی قیامت است.

متاسفانه مسلمانها بد مقلدینی هستند. هرچه غرب دیکته کرد او دربست پذیرفت. مساجد مبله شدند (چون فلسفه مسجد فراموش شد). تخصیص کل مساحت داخل مسجد به صندلی یک خطای فاحش است. زیرا آن مساحت برای جذب حداکثری مردم است. جای خواب مسکینان است. جای تظاهرات نشسته آحاد مردمی است. جای امن برای مردمی است که از ظلم نظام ها به ستوه آمده اند. محل مداوای آسیب دیدگان از هر بلای ناگهانی است حتی اگر شهرها مملو از بیمارستان باشند. روز مبادا مسجد همچنان مسجد است.

متاسفانه بعضی مساجد جدید تهران بیشتر به سینما شبیه هستند. مردم منتظرند هرچند یکبار خود را روی پرده نمایش مسجد ببینند. برای او چه فرق می کند چه کسی مرده، چه وعظی خوانده می شود. مجلس عزاست یا تفاخر، مداح آل علیست یا آل خود، سرود مذهبی هم پخش بشود بد نیست تازه می شود کلیسا!)، گورستانها بهشت زهرا شدند. امامزاده ها، بقعه ها، ضریع ها و آینه کاریهای داخل حرم ها افزون شدند. گلباران قبور بیش از خانه های خود بود. مصرف گلاب در قبرستانها بیش از خانه ها شد. پذیرائی بر سر قبور بی شباهت به رستورانها نبود.

بگذریم بحث، نوع مجازات انسان بود. درست است که بهشت و جهنم خیالی من یک وهمی بیش نیست و در حد جولان افکار در وادی غیب است. اما بهشت و جهنم موعود هم آنگونه نیست که برای ما ترسیم کرده اند. خود قرآن می فرماید "بپرهیزید از آتشی که هیزمش مردم و سنگ است" (بقره ۲۴/تحریم ۶). آقای جوادی آملی می گفتند سه گروه آتش جهنم را مهیا می کنند قاسطین (ستمگران)، وَقود (شعله همیشه روشن) و مردم گناهکار.

من هم برای خودم این تصور را دارم که مگر عذاب و یا انبساط خاطر درونی فضا می خواهد؟ زمین عریض و طویل می خواهد؟ جهنم چند صد هزار درجه حرارت و یا بهشت چند صد هزار درخت می خواهد؟ انسانی که در دمای بالای چند ده درجه دمای نرمال محکوم به فنای با عذاب است چه نیاز است که اینهمه انرژی بیهوده برای او صرف بشود.

کافیست خاطره یکی از خوابهای شیرین (بهشت)، بد (برزخ) و یا وحشتناک (دوزخ) خود را به یاد آوریم و واکنش های مربوط به آنها را مجددا در ذهن خود تداعی کنیم. آیا تحمل خواب های آشفته را برای مدت طولانی داریم؟ دیدن چند ثانیه از این خوابها آدم را غرق عرق و ترس می کند!!

بعد ها در آیه ۷۴ سوره طه خواندم که خداوند تعالی فرموده است"جزای آدم طاغی جهنمی است که در آنجا نه بمیرد (تا از عذاب وارهد) و نه زنده شود (که از لذت زندگی برخوردار باشد)". فهمیدم عذاب اگر هم روحی نیست به شدت تصور زمینی ما هم نیست. اگر قرار است انسان عذاب ببیند لازمه اش زنده بودن، مردن و دوباره زنده شدن انسان است. پروسه ای که شیبش ملایم اما دائمی است. مگر بفرمایش قرآن پس از مدتی بعضی از آن نجات می یابند اما بعضی همیشه در آن مخلدند.

۵۲. اما قیامت چیست؟ لابد همه بلدند. بله که بلدند. اعمال ما این را نشان می دهد. از بس گفته اند یادمان رفته است!

۵۳. قیامت معطلی دارد؟ در صف ایستادن دارد؟ صف محشر دارد؟ آیات جز این می گویند. دنیای دیجیتال هم جز این می گوید. فَیَوْمَئِذٍ لَا یُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ- پس در آن روز (به علت سرعت فوق العاده حسابرسی و روشن بودن همه امور) هیچ انس و جنّی را از گناهش نپرسند (الرحمن.۳۹). یَوْمَ یَبْعَثُهُمُ اللّهُ جَمِیعاً فَیُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا أَحْصاهُ اللّهُ وَ نَسُوهُ وَ اللّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ- روزی که خداوند همه آنان را برانگیزد تا به آنچه انجام داده‌اند، آگاه سازد. (اعمالی که) خداوند تماماً شمارش کرده و آنها فراموش نموده‌اند و خدا بر هر چیز شاهد و گواه است ضمن اینکه فرصت دروغ گفتن و وقت تلف کردن نیست (مجادله/۶). اگر هم مبنا بر اعتراف است یقینا سریع و بدون معطلی است. زیرا ۱) تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و با پیشانی و پا آنها را بگیرند (یُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِیمَاهُمْ فَیُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِی وَالْأَقْدَامِ- الرحمن/۴۱)، ۲) همه اعضای بدن به گناهان خود اعتراف و به عملکرد خود شهادت می دهند: یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَیْدِیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِما کَانُوا یَعْمَلُونَ- آن روز که زبانها و دستها و پاهایشان نسبت به اعمالی که مرتکب شدند بر ضد آنها گواهی می دهد (نور/۲۴). طبیعی هم هست. مگر دنیاست که حسابرسی چند نفر چند روز طول می کشد. محاسبات به ذره محاسبه و قبل از فوت در لوح محفوظ ذخیره و ابلاغ شده است. پس محشر برای چیست؟ برای دیدن هم وگریختن از هم است. دیدن عظمت قدرت خداست. تاسف بر باور نکردن روز معاد است. اولین گوشمالی پس از برخاستن است. دوزاری همه افتادن است: روزی که آدمی از برادرش/ و از مادرش و پدرش و از همسرش و پسرانش می گریزد (عبس/۳۶-۳۴).

۵۴. آیا برای همه بهشتیان روضه (باغ بهشت) پیش بینی شده است؟ چون روضه رضوان داخل مسجد نبی (ص). جایی میان منبر و مرقد پیامبر (ص) در مسجد النبی که روضه‌ای از ریاض بهشتی است. قرآن می فرماید بلی. فَأَمَّا الَّذِینَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِی رَوْضَةٍ یُحْبَرُونَ- پس کسانی که ایمان آوردند و به نیکوکاری پرداختند در باغی از بهشت که بسیار هم سرسبز است منزل خواهند گزید با سرور و شادمانی (روم/۱۵).

۵۵. آیا مکان جهنم در قیامت است؟ زمین/دنیا فاقد جهنم است؟ قدرمسلم، ریشه این دو در دنیا و بناهای واقعی آنها در روز قیامت است. برای جهنمیانی که برای دیدن جهنم شتاب می کنند دستور این است: یَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةٌ بِالْکَافِرِینَ-آنان با عجله از تو عذاب می‌طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد (عنکبوت/۵۴). اینقدر دنیا زده شدند که متوجه جهنم اطراف خود نمی شوند. از عجایب است آدم در داخل محدوده جهنم زندگی بکند و متوجه شراره های آن در زندگی خود نشود! از آن بدتر اصرار کند آن را به من نشان بدهید! چقدر خدا ستار العیوب است. فرصت ده است. پدیده هائی که نامحسوس هستند. انسان حرکت زمین زیرپای خود را حس نکند و از جهنم دست ساز خود بی خبر باشد! البته این انسانها از انسانیت دو پا بیشتر ندارند و گرنه عبرتهای این دنیا کم نیستند.

جهنم آن است آنی
رذالت توست جانی
به پایش بیفتی دانی
به خاکش بیفتی نالی

۱. آنچه در زمین اتفاق خواهد افتاد:

زلزله های عظیم، متلاشی شدن کوه ها، صاف شدن زمین و آتش گرفتن دریاها،

۲. آنچه در آسمانها اتفاق خواهد افتاد:

شکافتن آسمان، سست شدن آن، بی فروغ شدن خورشید و فرو ریختن ستارگان،

۳. آنچه دمیده خواهد شد:

پس از وقوع زلزله های شدید و متلاشی شدن آسمانها نوبت صور اسرافیل است که در دو نوبت دمیده می شود:

- و در صور دمیده می شود، پس هر که در آسمان ها و زمین است می میرد، مگر کسی را که خدا بخواهد، آن گاه بار دیگر در صور دمیده می شود، ناگاه همه آنان بر پای ایستاده [مات و مبهوت به هر سو] می نگرند [که سرانجام کارشان چه خواهد شد (زمر/۶۸).
- **طبق آیه فوق یک بار با دمیدن صور، هر که در آسمان ها و زمین است می میرند** (معلوم است در آسمانها هم خبری هست و این مرگ ربطی به فرشتگان ندارند زیرا این موجودات دستورات خدا را مو به مو اجرا می

کنند و در قیامت هم به همان کار قبلی خود مشغول هستند. پس تعدادی در آسمانها هستند زنده اند و دمیدن صور آنها را نه می کشد و نه می میراند. بلکه ایشان نمردند که بمیرند. ایشان معلوم نیست از جنس انس اند یا جن؟ هرچه هستند مقرب اند. مردن سزاوار ایشان نیست. چون خدای خود همیشه زنده اند. آنچه به عقل نزدیک است حضرت عیسی بن مریم یکی از ایشان است)،

- **بار دیگر که اسرافیل به صور می دمد بحث برخاستن از جای خود است**. اینجا ممکنست در زمین یا در آسمانها باشد (سوره زمر/۶۸).
- نوشته اند بین این دو صور ۴۰ سال فاصله است! هر چند سال هم باشد وقفه ائی بین این دنیا و آن دنیا نیست. خروج و ورود همزمان، سفر بی توقف (non-stop)، مرگ برای حیات دائمی، عدم بلاتکلیفی حتی به اندازه یک هزارم ثانیه. چه کنیم که بین قبر و محشر فاصله می اندازند. کدام فاصله وقتی سر و کار انسان پس از مرگ با روح خود و با کارنامه خود است.

با سه فرض بالا آنچه مورد انتظار است:

۱. تفاوت روز و شب نامشخص باشد. چون خورشید و ماه و ستارگان متلاشی شده اند
۲. به تبع آن، ساعت نامفهوم است.
۳. اکسیژن نباید باشد. چون حیاتی در کار نیست. درختان و دریاها از بین رفته اند.
۴. نوری برای دیدن وجود ندارد. چون خورشید متلاشی شده است.
۵. تا اینکه نور خدا محشر را روشن می کند (وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا–و زمین/محشر به نور پروردگار خود روشن گردد. از این ببعد زمین، زمین دیگر است اگر چه اسم آن همچنان زمین است. مفسرین بنویسند محشر است. قرآن بفرماید زمین است. حتما زمین است. محشر هم در زمین است. در چه ابعاد زمین است؟ نامش زمین است یا کارش زمین است؟ والله اعلم.

انسانها وقتی از قبور بر می خیزند. بسیار وحشت زده و مدهوش هستند. زیرا از خواب بلند بیدار شده اند. از صدای بلند صور اسرافیل بلند شده اند. صدائی که امواجش به آسمانها هم می رسد. آنجا هم زندگان را می میراند بعد در صور دوم زنده می کند. برای اکثر ایشان مردن و از خاک بر نخاستن بهتر از زنده شدن است

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا–آن روز کسانی که کفر ورزیده اند و از پیامبر [خدا] نافرمانی کرده اند آرزو می کنند که ای کاش با خاک یکسان می شدند (نساء/۴۲.)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ– ای کاش آن مرگ کار را تمام می کرد (حاقه/۲۷).

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا- ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید کاش من خاک بودم (نبا/۴۰).

روز عجیب و دلهره آور و بی بازگشت!

هر کس در آن روز طولانی بیش از همه کس به فکر خویش است. همه همدیگر را می بینند و بخوبی می شناسند اما از همدیگر گریزان هستند. حتی از پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر، فرزندان و اقوام خویش!

یک تعدادی در این میان نه تنها آرزوی مرگ و نیستی دائمی می کنند بلکه راضی می شوند برای نجات خود، فرزندان خود، همسر و برادر خود، قبیله و قومش و حتی همه کسانی که در روی زمین اند را فدای نجات خود از جهنم بکنند (معارج/۱۴-۱۱).

این تلاقی و روبرو شدن با اعمال خود و با نزدیکان و آشنایان خود در بین میلیاردها جمعیت شگفت آور است. در دنیا این گریزانی به گونه دیگر و به بهانه دیگر می باشد. اما صحنه قیامت آن چنان سخت است که کودک تازه متولد شده ای اگر می بود بلافاصله با رویت صحنه های تجربه نشده قیامت پیر می شد و اگر زن بارداری می بود از ترس قیامت و صحرای محشر بار خود را سقط می‌کرد، و بالاخره اگر کودک شیرخواری در آغوش مادرش بود، مادر فرزند خود را به کلی فراموش می کرد.

نتیجه:

محشر موعود روی همین زمین است. زمین استثنای خداست. زمینیان هم استثنات خدا هستند. منتها زمینی که سطحش مثل حساب مردم صاف است (نازعات/۱۴). زمین هرچه را نهان کرده بیرون می ریزد و انسان هرچه را که کرده. زیرا انسان قبل و بعد مرگ خود ازاعمال خود آگاه بوده است و امروز در صحنه محشر کاملا هوشیار هوشیار است. از خود، از دیگران و از اطراف خود شناخت کامل دارد. حضور چند میلیارد انسانی که با او در یک زمان محشور شده است را درک می کند. در آن روز که روزهایش چندین صد برابر امروز است و اگر شب ندارد تماما روزهای انتظار است (شاید به امید شفاعت) وگرنه تاخیری برای حسابرسی وجود ندارد. حتی باقیات صالحات او هم پیش از این محاسبه شده است.

تعداد جمعیت محشور شده تا روز موعود برای انسانها نامشخص است. چون روز قیامت نامشخص است. اما اگر امروز (۱۳۹۴ه.ش و ۲۰۱۵ میلادی) قرار بود روز قیامت باشد جمعیت فعلی ۷ میلیارد+ حدود ۸۰ میلیارد نفر نفوسی که برآورد می شود روی زمین زندگی کرده اند، جمعیت صحرای محشر را تشکیل می داد.

نخستین سئوال: من نفر چندم این جمعیت هستم؟ و مهمتر از آن، نفر چندمین بهشت یا جهنم؟ آیا ممکنست جزو بلاتکلیفین باشم؟ شاید هم بر پیشانی ما نوع آن نقش بسته و خود نمی بینیم!

اما بهشت و جهنم کجای این زمین بنا شده است؟ ظرفیت هر کدام چقدر است؟

بهشت موعود کدام است؟

بهشت نعیم چه ها هست؟ خرما (رطب)، زیتون، انار (رمّان)، انجیر (تین)، انگور (عنب)، موز (طَلْح) و سایه های پایدار آنها (ظِلٍّ مَمْدُود)، آبشارها (مَاءٍ مَسْکُوب) و نیز وجود سدر، کدو (یَقْطِین)، خیار (قِثَّاه)، سیر (فُوم)، پیاز (بَصَل)، عدس، کافور، زنجبیل، ترنجبین (مَنّ) و نهرهائی از شیر و عسل و یا بیش از اینها؟

بهشت موعود/ جنت ماوی ماورای اینهاست. بهشت جائی است که همه چیز در آن جمع و در حد اعلی است (سوره واقعه):

۱. اصحاب یمین (نیکوکار) نامه عمل خود را بدست راست می گیرند (أَصْحَابُ الْمَیْمَنَۀ)،
۲. پیشگامان پیشگام (وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ) هستند،
۳. مابقی خوبان هستند،
۴. بهره مند از میوه هائی متنوع هستند،
۵. همسرانی عالیقدر مرتبه دارند که آفرینش آنها ویژه است. حور نیستند، فُرُشٍ هستند (واقعه/۳۴). از حورالعین بالاتر هستند. همواره باکره و دوشیزه هستند. زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند
۶. تکیه بر تخت دارند و لذات آخرت را ببرند.
۷.

∞. از همه این ها مهمتر ملائک به ایشان هنگام ورود به بهشت "سلام" گفته باشند.

- الَّذینَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِکَۀُ طَیِّبینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیْکُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّۀَ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ- آنهائیکه ملائکه در حالتی پاکیزه جانشان را می گیرند و می گویند سلام بر شما، به سزای اعمالی که می کردید وارد بهشت شوید (نحل/۳۲).
- وَ سِیقَ الَّذینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَی الْجَنَّۀِ زُمَراً حَتّی إِذا جاؤُها وَ فُتِحَتْ أَبْوابُها وَ قالَ لَهُمْ خَزَنَتُها سَلامٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوها خالِدینَ- و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون به نزد آن رسند، در حالی که درهای بهشت گشوده شده است و نگهبانان بهشت به آنان گویند: «سلام بر شما پاک و پسندیده بودید، پس داخل شوید در حالی که در آن جاودانه خواهید بود (زمر/۷۳).
- در بهشت بین ایشان سخنان لغو و بیهوده و گناه آلود رد و بدل نشود (لَایَسْمَعُونَ فِیهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْثِیمًا) و آنچه شنیده شود آوای دل انگیز سلام و گرمی سلام باشد (سَلَامًا سَلَامً. واقعه/۲۶). معلوم است این جمع، جمع عفیف

است، جمع طبیب است، جمع فهیم است. جمع مقربان و محبان است. این بخشی از بهشت است، بخش های دیگر با اعضای دیگر هم مهم است.

السلام دیگر سلام

بر شما هم خود سلام هم ما سلام

بهترین است این سلام

چون شمار است این سلام

در بهشت متقین

یک سلام است با سلام

اول و آخر ندارد این است

چشمه سار است چون دارد سلام

ای خدا ما را بهل تا این سلام

گفتن و دیدن ندارد بی سلام

- در مقابل ایشان دوزخیان هستند. ساکن بخش دیگری از زمین. تبعید شده و تحقیر شده! تنبیه شده و تقصیر شده. دو مکان در یک اقلیم! دو مکانی که آدمهای متضاد دارند، اعمال متفاوت دارند، خلقت یکی بر حسب مشیت و دیگری بر حسب اجبار بوده است! خط تولیدی که بعضا محصولات معیوب داده است! خطای دست همانقدر زیاد است که خطای ماشین. برای خطاهای تولید راه حل های گوناگونی توصیه شده است.
- راه حل حضرت خضر (ع) فوق العاده است. خداپسندانه است. او که همراه حضرت موسی (ع) به سفری پر از ایما و اشاره می رفتند تا چشمش به نوجوانی افتاد بدون درنگ او را کشت. موسی (ع) به او اعتراض کرد و گفت تو یک شخص بی گناهی را بدون اینکه کسی را به قتل برساند کشتی. این کار تو ناپسند و غیرقابل توجیه است (کهف/۷۴)! پاسخ حضرت خضر (ع) به او جالب است: "و اما نوجوان پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند پس ترسیدیم (او و خدای او) که مبادا آن دو را به طغیان و کفر بکشد" (کهف/۸۰).
- اگر دنیا نبود کار خدا همین بود. اما برای دنیا هر دو عنصر خیر و شر لازم است. دنیا و آخرت دو مکان موقتا جدا از هم هستند. هر دو آب دارند. آب گروه اول مایه حیات است، و آب گروه دوم حمیم و سوزان است. هر دو درخت دارند یکی سایه می اندازد و نشاط می دهد، دیگری (زقوم) بد مزه، بدمنظر، بدبو و بد طعم است. این دو مقام و قرار اداراک نمی شود مگر قیامت بشود. همچنانکه وقتی متولد شدیم، بزرگ شدیم، بالغ شدیم، عالم شدیم تازه فهمیدیم رحم مادر جنت مکان نبوده است. و گرنه هنگام تولد دل کندن از آن محیط برای ما مصیبت بار و گریه آور نبود! منتها این قیاس متفاوت از مقیاس روز محشر و حوادث بعد از آن است.

- قیاس فیل و فنجان است اما مع الفارق نیست. اگر ماهیت زمین و رحم از جنس ماده است لابد طبق توصیف قرآن، جنس آن دنیا هم از جنس جسمانی-روحانی است. زیرا برخاستن ما از قبور جسمانی است. اما در مسیر و طی گذر از منازل مختلف قالب ها شکل دیگری به خود می گیرند. منتخبین نورانی تر می شوند، مغضوبین تیره تر می شوند. لذا آدم روز قیامت چون آدم روی زمین با اینکه هم جسم دارد و هم روح، بیشترین لذات او روحی است، ادراکی است. چرا که دنیای معاد دنیای دیدنیها است. اما هر توصیف این دنیائی از آن چون آب در هاون کوبیدن است زیرا از ماهیت آن ما انسانها بی خبریم (عَلى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثالَكُمْ وَ نُنْشِئَكُمْ فِي ما لا تَعْلَمُونَ- در اینکه شما را فانی کرده و خلقی دیگر مثل شما بیافرینیم و شما را به صورتی (در جهانی دیگر) که اکنون از آن بی‌خبرید برانگیزیم (واقعه/۶۱).

بفرمایش علی (ع) **نعمت های دنیا وصفشان بهتر از دیدنشان، ولی نعمت های آخرت دیدنشان بهتر از وصفشان است.**

- این حس را امروز همه انسانها دارند اما آن حس را بویژه حس خوب دیدن را کمتر کسی دارد. معلوم می شود حس بینائی در روز قیامت برای بهشتیان فوق العاده بالا و شامل دیدن همه چیز به صورت مرئی و نامرئی است. طبیعی هم هست جسم کار خود را در زمین کرده و عملا در قیامت بیکار است. از آن طرف لذت جسم محدود و لذات روح نامحدود است. انسان مقبول خدا، زحمات خود را روی زمین کشیده تا در قیام قیامت به همه لذات وعده شده خواهد رسید. به کمتر از آن هم رضایت نمی دهد. مگر دیدار خدا باشد.
- لذا انسان مخلد در بهشت به روح بیشتر نیاز دارد تا به جسم. جسم برای درک و شناخت عوالم بیشتر و روح برای لذت بردن از همه موهبت ها از جمله لقاءالله است. این معنا در آیه ۷۳ سوره زخرف قابل فهم است (وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ- در آنجا آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید). علامه طباطبائی می فرماید مراد از تلذذ چشمها جمال و زینت است.
- برعکس انسان مقیم جهنم از داشتن جسم و روح خود به یک اندازه زجر می برد. چرا که ماهیت او بیشتر تمایل به دنیا دارد تا به آخرت. البته این برداشت های فردی است که مبنای تفکر او قرآن و برداشت های این دنیائی و انتظارات آن دنیائی است. اما به فکر کردنش می ارزد. به اینکه کجای کاریم. شان ما انسانهای مدعی، این اخبار است یا اخبار رسیده از انبیای مرسلین. حرف حساب اینست (درج بخشی از نظر ذیل خبر مورخ ۱۳۹۴/۴/۳ برابر با ششم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ سایت بینانیوز، فایل ۱۸۶).

۵۶. چقدر خداوند ارحم الراحمین است. ما میت خود را دفن می کنیم. روی سنگ او سال تولد و سال مرگ را می نویسیم. عکس او را روی سنگ حک می کنیم و البته یک دوبیتی هم تقدیم روح او می کنیم. سخت نبود برای خدا فردای آن روز، سنگ قبر آدمهای صالح با غیر صالح براحتی قابل تشخیص باشد. در آن صورت بازماندگان چاره ائی

نداشتند جز اینکه اموات خود را بی نام و نشان دفن بکنند، یا آتش بزنند تا اثری از هویت میت نباشد. اما خداوند حرمت انسان را تا زنده هست و تا روز قیامت برپا نشده است نگه می دارد (در این مورد هم انسان ناشکر است!).

۵۷. عجیب است انسان از پاداشهای کاملا برد برد ۱ ثواب ۷۰۰ پاداش چشم می پوشد تا در بازیهای ۱ گناه عقاب شرکت کند! و به مرور زمان دامنه خطاهای خود را آنچنان افزایش می دهد که در پایان عمر همین قطره قطره گناهان یک امتیاز منفی برای او غول گناه و جهنم عقاب می شود.

۵۸. اینکه می گویند حساب و کتاب بهشت و جهنم افراد با خداست حرف کاملا متین و دقیقی است. چه بسا افرادی که ذره ذره جمع می کنند و یک باره همه اندوخته خود را باد هوا می دهند. برعکس کسانی هم هستند که ذره ذره جمع می کنند اما به یکباره اندوخته خود را خرج نمی کنند و ته حساب خود مقداری سرمایه نگهداری می کنند.

گروه سوم هم هستند که در حساب اندوخته خود اندوخته قابل توجهی در ابتدا ندارند اما در یک فرصت مناسب مبلغ سرمایه خود را به سطح قابل توجهی افزایش می دهند و سرآمد دیگران می شوند. باید دید انسانها کی و چگونه درحسابهای خود پول واریز می کنند. شاید با گرفتن دست یک محتاج واقعی شما هم جزو گروه سوم باشید.

شاید با یک غیبت یک روز ثواب را بر باد داده باشیم و شاید هم ورودی و خروجی حسابهای ما هوشمند باشد و هیچوقت دچار نوسانات مختلف نشود. در این بین گروه چهارم هم هستند ذره ذره جمع می کنند به صورت متعارف بخشش می کنند. این افراد نه پرت سرمایه دارند، نه دزد سرمایه و نه دغدغه بی پولی. حساب اینها همیشه پر پر است. اینها از سقف حدنصاب گذشته اند و خدا را جلوی چشمان خود دارند.

۵۹. اگر خدا از رگ گردن به ما نزدیک تر است پس لابد بهشت و جهنم او هم قرین رگ گردن ماست. کافیست بمیریم و ببینیم. خدا و فرشتگان و عرش اعلی را در آسمانها نجوئیم در اخلاق و رفتار خود بجوئیم.

۶۰. کیست که بداند از این میلیاردها (۲۰۰-۱۰۰ میلیارد) کهکشانی که در آسمانها قرار دارند چند میلیون/میلیارد آن کم می شد بر سر زمین و ساکنان آن چه می آمد؟ و یا اگر هر لحظه کائنات گسترش نمی یافت (وَالسَّمَاء بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّالَمُوسِعُونَ- و ما آسمان را با قدرت خود بر افراشتیم و آن را همچنان گسترش می دهیم. الذاریات آیه ۴۷). زمین و ساکنان آن چه وضعی داشتند؟ پس هیچ چیز و هیچ تعدادی و هیچ حیات و مماتی بی حکمت نیست. همه عالم متاثر از او و همه بر هم همکنش دارند. خدا هم کعبه را خالی از زائر نمی خواهد، صبح بی نماز را نمی خواهد، حتی شده به نفع من آن را تکلیف می کند. نگوئید حوادث مریخ به ما چه؟ نگوئید مرگ یک انسان بی گناه به من چه؟ نخواهید کسی بیفتد تا شما بلند بشوید! همه با هم محشور خواهیم شد شاید پشت دیوار رگ گردن خود!

۶۱. گفتند آتش جهنم نبا شد جهنمیان را چگونه می سوزانند؟ گفتم با فتنه های خود این ناقلاها. بهشت هم همینطور. آرامش ارمغان حضور بهشتیان است.

۶۲. خدا نکند آدم در زندگی خود بی پروا باشد. بی محابا برخود و بر دیگران ظلم های مضاعف کند تا در زمره فرعون و یا قوم عاد و ثمود و مصداق آیه فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ (سوره فجر آیه ۱۳) قرار بگیرد. درآن صورت

شلاّق عذاب و یا مجموعه چند عذاب (ر شته عذابها) پیاپی بر آنان فرود آید و انسان در آن واحد باید پا سخگوی همه گناهان دور و نزدیک خود باشد! پدیده حدنصاب حسگری و هم صحبتی سلولها (quorum sensing) به ما می آموزد اعمال ما ثانیه به ثانیه محا سبه می شود و در موعد مقرر بیان و عیان می شود. تجربه دنیا، تجربه آخرت است. از مجازات روز حساب و کتاب باید ترسید و به احسان به موقع خدا امیدوار بود. خود را قرین رحمت خدا کنیم تا کارمان بد ست کرام الکاتبین نیفتد (مراجعه شود به مقاله"نماز جعبه نور lux light box نماد ا سلام" در همین سایت).

۶۳. بهشت موعود هم بهشت مومنین نیست. اگرچه بهشت، مزد بزرگ در برابر عمل صالح است. مع الوصف سخت است قبول این باور که یک سالک بی قرار زمین بتواند در بهشت ماورای زمین آرام قرار ابدی داشته باشد! بنابراین بهشت لذت، جهنم بیکاری و بیعاری است مگر آنکه در آن بهشت قرار دیگری باشد! قرار قرب! بلی بهشت در حضور محضر خدا و لطف خدا (آیه ۱۵سوره محمد) معنای دیگری دارد.

۶۴. مومن نورست، بهشت نور. فَادْخُلِی فِی عِبَادِی (فجر/۲۹)، نور علی نور (سوره نور آیه نور ۳۵) است.

جنت فقط مکان نیست

یک جای سرشناس است

یک روح پرنیان است

جنت نشان خدا است

جنت مکان مقام است

آنجا جهان معانی است

یک مجمع الهی است

در یک فضای قدسی است

این پنجره نبندید

از هر طرف ریاحی است

بر هر طرف ریاضی است

نزدیک شرق کلامی است

نزدیک غرب غیابی است

یک محضر الهی است

یک نور سرشماری است

کل سما سماوی است

کل بهشت تعاطی است

۶۵. دنیا کپی برابر با اصل آخرت است در آخرت وعده سرخرمن نیست. خود خرمن است.

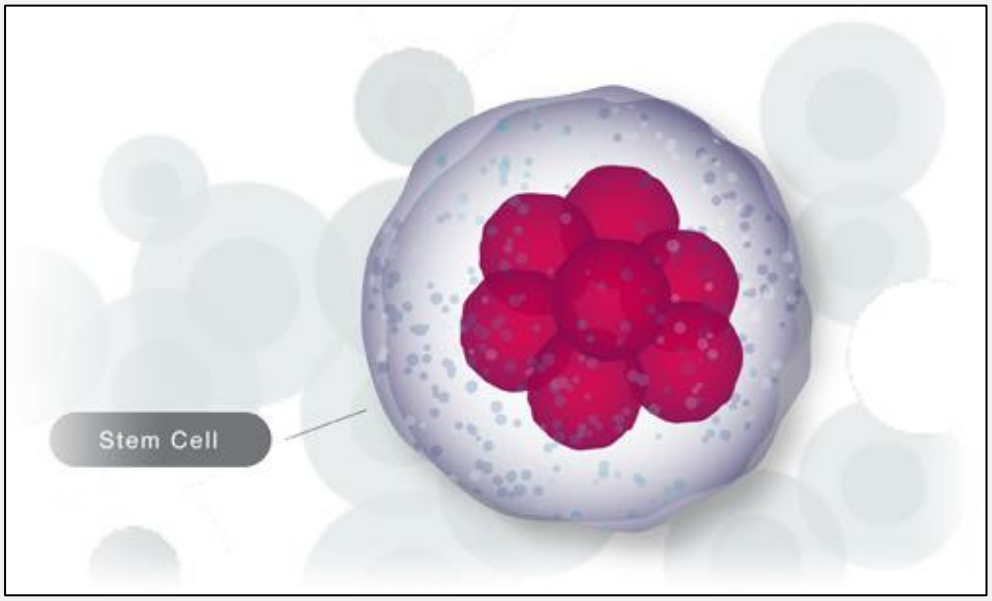
۶۶. جای اعمال نیک در دنیا یخچال و اعمال بد بیرون یخچال است.

۶۷. بمانند و بمیرند- بمیرند و بمانند سرنوشت محتوم همه پست فطرتان است.

۶۸. زمین سفره خوردن، خوابیدن و مردن نیست. بخواهی بمانی باید خورد. بمانی برای خوردن باید مرد. زمان تنها فرصت ما برای ماندن و یا مردن است.

۶۹. دنیا جای افسوس است. افسوس برای خوردن و نخوردن، برای دیدن و ندیدن، برای کردن و نکردن، برای بردن و نبردن. اما کیست که نداند دنیا محل تمرین است. جای مزه مزه کردن است. تمرین خوردن است، تمرین دیدن است، و تمرین رفتن است. تا مزه کنی رفتی. تا بچشی خوردی، تا بخوری مردی. مردن تو خوب است دیدن تو خون است.

۷۰. انسان محصول یک سلول کامل است. این سلولها امروز بنام سلولهای بنیادی معروف هستند (stem cells). **سلول بنیادی مادر تمام سلول‌ها است و توانایی تبدیل به تمام سلول‌های بدن را دارد.** این سلول‌ها توانایی خود نوسازی (Self Renewing) و تمایز (Differentiating) به انواع سلول‌ها از جمله سلول‌های خونی، قلبی، عصبی، غضروفی و جنسی را دارند. هم چنین در بازسازی و ترمیم بافت‌های مختلف بدن بدنبال آسیب و جراحت موثر بوده و می‌توانند به درون بافت‌های آسیب دیده‌ای که بخش عمده سلول‌های آنها از بین رفته است، پیوند زده شوند و جایگزین سلول‌های آسیب دیده شده و به ترمیم و رفع نقص در آن بافت بپردازند. سلول‌های بنیادی را بر اساس خصوصیات و ویژگی به سه دسته سلول‌های بنیادی جنینی، سلول‌های بنیادی بالغ و سلول‌های بنیادی خون بندناف تقسیم می‌کنند (رویان،۱۳۹۸)



۷۱. سلولهای جنسی یا گامت ها (gamates) از سلولهای تخصصی یافته سلولهای بنیادی برای تولید مثل روتین هستند. گامت ها دو نوع هستند: ۱) گامت های نر یا اسپرم ها و گامت های ماده یا تخمک ها. اسپرم ها از کوچک ترین سلولهای بدن محسوب می شوند. برعکس، تخمک ها در خانم ها به مراتب بزرگتر از اسپرم ها در آقایان هستند

(حداقل ۵۰۰ برابر). اما این تمام داستان نیست. داستان امروز بشر هست اما داستان نخستین انسان نیست که مخلوط گل و آب و روح است (مراجعه شود به مقاله مبدا و معاد انسان خردمند امروزی در همین سایت).

برخی از متخصصین علوم زیستی و زیستی شناسی تکامل بر این عقیده هستند که این دو سلول (نر و ماده) در ابتدا منشا واحد داشتند و به مرور در اثر رقابت و محدویت (gamete competition and gamete limitation) در اثر تقسیمات پیاپی به دو سلول جنسی نر و ماده تغییر ماهیت داده و موجب پیدایش جنس مذکر و مونث در انسان شده است (Lehtonen and Parker, 2014).

جالب است اسپرم ها وقتی برای اولین بار در سال ۱۶۷۷ توسط آنتوان وان لیونهوک (Anton van Leeuwenhoek) زیر میکروسکوپ مشاهده شد او گزارش کرد: یک انسان کوچک در درون هر اسپرم است. چقدر او عالم و نابغه بود که با عدسی های ساده به این مهم دست یافت. امروز مشخص شده است که یک اسپرم نصف خلقت انسان و تخمک نصف دیگر آن را تشکیل می دهد. هر دو ، ۲۳ کرموزومی هستند (haploid) و تنها با ترکیب این دو (لقاح)، یک سلول کامل انسانی با ۴۶ کرموزوم (دیپلوییید) ساخته می شود و این سلول کامل است که تبدیل به یک جنین انسان می شود.

با این اطلاعات، آنچه که مبرهن است و به شرط چاقو است آنست که تحویل سلول فوری و تکمیل آن روزانه است. تحویل خام-تکمیل تام است. با خاک می دهند بی خاک تحویل می گیرند. بعضی در این میان روی سلول های خود کار می کنند کامل که شد تحویل می دهند! بعضی ناقص می گیرند و ناقص هم تحویل می دهند. بعضا سلولهای ملون تحویل می دهند و بعضا مزخرف! مشتی خاک جذاب گنداب!

عمر انسان بس عزیز بس تامه است

کفر او خودکامه و بی خانه است

زیر خاک هم می رود سرمایه است

مهر این آدم زدند بیچاره است

۷۲. احسنت خدا (فتبارک الله احسن الخالقین-آیه ۱۴ مومنون) به دادن سلولهای کامل و سپردن آن به انسان است. احسنت انسان، شکر نعمت است و پرداختن به این سلول است. برگشت به سلول اولیه فاجعه بار است. چشم انتظار قیامت، دیدن سلولهای بنیادین متحول است. پذیرائی در بهشت برای این سلولهای نادر است.

۷۳. زندگی را دور از این کره خاکی یکبار آدم و حوا تجربه کرده اند. شاید تعدادی حاضر باشند به آن دوره نیمه طلائی بازگردند اما کسانی که در زمین زحمت کشیده اند بهشت دیگری را از خدا طلب می کنند.

۷۴. در قیامت اگر همه (پدر، مادر، برادر، همسر و فرزندان) از هم گریزانند (يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ. وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ. وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ. عبس/۳۶-۳۴) بخاطر این است که هم برخاستن از خاک سخت است، هم دیدن نامه اعمال سخت است و هم دیدن هم که به هم ظلم کردند. کدام صورت قابل شناخت است؟ آن صورتی که آدمی هنگام فوت آن را به یاد داشته است. جنس آن چگونه است؟ قطعا زمینی نیست. خاک آلود نیست. چند ده کیلو نیست. یک انسان متفاوت است. سبک ترین جسم است. بی مقیاس با روح است. سخت ترین روز برای ندیدن خود در صف بهشتیان است.

ورودت به زمین است

خروج ات به ضمیر است

نه همین خرقه زیبا زمین است

به ضمائم ضمیر است

به دوایر دبیر است

به صنایع سمیع است

به جواهر شریف است

به تو چند فرصت دیگر بدهد باز فتیر است

به سودی که نصیب است

به روزی که قرین است

۷۵. همه در ساحل اند الا قلیل. همه کثیرند الا قلیل. خوشا به حال قلیل که قلیل شریف اند.

۷۶. بسته زندگی (پکج) ما حاوی چندین نقشه راه است که با تولد ما در جریده عالم ثبت می شود. اما آنچه در آخر الامر بنام ما ثبت می شود یک نقشه راه اختصاصی است.

۷۷. سرمایه ما در حمام لیف، در مسافرت کیف، در رحلت کفن و در روز کبرا کتاب است. بنگر کدام را فدای کدام کردیم؟

۷۸. دنیا، دنیای درهم ها و برهم ها است و آخرت دنیای سئوال ها و سواها. سوای خوبی ها از بدیها و سئوال های دیرین و زرین آدمی چون از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود/ به کجا می روم؟ آخر ننمایی وطنم هنر مردان بزرگ و مردان و زنان هنرمند است.

۷۹. بعضی حرفها کیلوئی، بعضی گرمی و بعضی ها مثقالی است. یاد بگیریم واحد مثقال یادمان نرود. چرا که حساب و کتاب آخرت با مثقال است. به وزن ۴/۲۵ گرم و به چشم ذره است. اگر حسابمان دقیق و اعمالمان احسن است آنها را به میکرو یا پیکوگرم محاسبه کنیم. و اگر سخیف است و رقیق و وخیم به همین مثقال بسنده کنیم و از ارتکاب اعمال ناپسند کیلوئی، خرواری و خدای ناکرده تنی پرهیز کنیم.

۸۰. در یکی از برنامه های ماهواره ای فرد مطلعی می گفت در دین زرتشت به جهنم و بهشت مستقیم اشاره نشده است! خوب شاید یکی از دلائلش این باشد که این قوم در ابتدا مقید و معتقد به سه شعار"پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک" بودند (در شهر آناند هندوستان یک زن و شوهر زرتشتی بودند که انصافا انسانهای وارسته ای بودند که عکس خانمش با آمینا موجود است و هکذا خانواده سنی مذهب "آدم بای" در گجرات که بیش از آنکه انسان باشند فرشته بودند). پس ارزش دین به متدینین اوست. ادیان الهی و نه انحرافی برای نجات انسان ها آمده است و نه انسانها برای نجات ادیان خود! دینی که از پیروانش طلب کمک کند دین نیست! مفسده است.

۸۱. هر انسانی در زندگی خود ناگفته هائی دارد که با خود به گور می برد. رمزگشائی از این جعبه سیاه ها با خداست. البته بعضا بخشی از آن اطلاعات بعد از چند نسل و چند قرن بدست دیگران می افتد. بهشتی و جهنمی بودن انسان ها نه برحسب ظاهر افراد که با این جعبه های سیاه است.

۸۲. ساعت ها تحت کنترل دقیقه ها و دقیقه ها تحت کنترل ثانیه ها هستند. از ثانیه ها غافل شدید دقایق را هم از دست خواهید داد.

۸۳. بهشت و جهنم با هم معنی پیدا می کنند. نبود بهشت همانقدر برای بهشتیان زجرآور است که بود جهنم برای جهنمیان. نباید مفسدین هم در دنیا راست راست راه بروند و هم در آخرت. جهنم زندان آخرت و بهشت شهرمدرن آخرت است.

۸۴. نهایت سادگی است که فرد راه یافته به بهشت چنین تصور بکند که همه (خدا و فرشتگان) به کار همیشگی خود مشغول باشند و تعدادی زنان عالیقدر (فُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ) به همراه حوریان (زنان بهشتی)، غِلْمان (غلامان خدمتکار) و وِلْدان (خدمتکاران نوجوان) دست به سینه و سینی بدست و بادبزن به کف آماده خدمت به ایشان باشند! مگر بهشت رستوران خداست؟ بهشت جای دیدن است تا خوردن، جای ماندن است تا خواندن. بهشت دنیا نیست. عکس برگردان دنیا است.

دنیا عاقبت است

پشت سر، آخرت است

آفرین عافیت است

۸۵. فقط مردودین هستند که درخواست برگشت به زمین برای جبران مافات می کنند (سوره مومنون/۱۰۰). وگرنه کیست که قیامت را ببیند و هوس زمین بکند. زمین و آسمانی که به شکل قبل دیگر وجود خارجی ندارد. اینها هم در دنیا از زمان عقب بودند و هم در آخرت.

۸۶. اگر همه تولیدات انسان نسخه های متعددی دارد چرا خود انسان فاقد چند نسخه با شد؟ منظورم نسخه کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی، کهنسالی و دیگر هیچ! نیست. بلکه در وجود من نوعی، یک نسخه ائی از من است که ۱) کپی برابر با اصل است، ۲) به خدا وصل است.

بنابراین تمام وجود من از دو نسخه تشکیل شده است. دو نسخه ائی که از هم جدا نیستند. قابل تمییز نیستند. قابل درک هم نیستند. شاید اسمش روح است اما نسخه بی بدیل من است. با من هست تا ساعات مرگ. بعد از من او ذخیره اطلاعات زندگی من است. در زمین بودم او اطلاعات مرا ثبت و ضبط می کرد و همزمان همه اطلاعات را به بالا منتقل می کرد. هر موقع هم که مردم اطلاعات آن یا یاور من یا بلای جان من اســـت. این وجود ثانی غیر ازملائکی هستند که بنام رقیب و عتید و... معروف هستند. با من هستند جدا از من هم نیستند.

اما اگر آن نسخه دوم روح من نیست. پس حتما نسخه دیگر من است که قابل رویت نیست. اما حضور دارد اما نفوذ ندارد. می بیند اما کاری را انجام نمی دهد. خیلی هنرکند به خواب ما بیآید. شـاید از جنس بین روح و جسـم

ا ست. چرا جسم نیست زیرا دا شتن دو جسم همزمان ایجاد مزاحمت می کند. سایه ائی از من ا ست. با مرگ فرد جسم می میرد او نمی میرد. با روح می رود. جسم ساکن برزخ می شود.

هر بشر صد نسخه دارد ای بشر

صد نظر دیدم بشر

هر نفس دیدم بشر

دیده ها بستم ندیدم من بشر

شاید هم دنیای ماست

شاید هم بر دوش ماست

شاید هم ارواح ماست

شاید هم الواح ماست

ماجرا هست این بشر

آسمان دیدم بشر

ریسمان دیدم بشر

پیش خود دیدم بشر

پیش او دیدم بشر

این بشر پایان ندارد این بشر

نسخه ها دارد بشر

در مظان است این بشر

از بشارت این بشر

از سلامت این بشر

نسخه برتر به من این یک بشر

آفرین است این بشر

آخرین است این بشر

روح و جسم با هم بشر

ظل دیگر هم بشر

ظل و جسم با هم بشر

۸۷. با ارزش ترین اشـیای زمین که نقره و طلا و ارز و عتقیه جات باشـد در آن دنیا بی ارزش اند! آنجا کجاسـت که به این خرده م سکوکات نیازی نی ست! حتما و حتما دنیای دیگری ا ست که ارز شهای آن با اینجا متفاوت ا ست. کلا جهان دیگری است. تصور آن در زمین حتی در عالم خواب هم غیرممکن است. هرچه توصیف کردند به زبان دنیا

بوده وگرنه یک نفر هم حاضـــر نمی شـــد یک روز از عمر خود را روی این زمین بگذراند. مگر گنهکاران که دنیا بهشت ایشان است و ترس ایشان رفتن به آن دنیا است.

نشان گروه اول به زبان لطیف و شاعرانه اقبال لاهوری:

نشان مردم مومن با تو گویم

که چون مرگش رسد خندان بمیرد

آتوکلاو (autoclave) جهنم میکروب هاسـت. زیرا در آن محفظه که دمای داخل آن تحت فشـار ۱۵ پوند بر اینچ مربع (psi)به ۱۲۱درجه سلیسوس (سانتیگراد) رسیده است هیچ سلولی پس از مدت ۱۵ دقیقه یارای مقاومت با آن شرایط نیست و محکوم به زوال ا ست. اما جهنم انسانها برای نابودی آنی و کامل طراحی نشده ا ست. بلکه ماندن برای زجر کشـیدن اسـت. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَـوْفَ نُصْـلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِـجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا- به زودی کسـانی را که به آیات ما کفر ورزیده اند در آتشـی درآوریم که هر چه پو ستشان بریان گردد پو ستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند آری خداوند توانای حکیم ا ست (نسـا/۵۶). و دو آیه: وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْـفَادِ* سَـرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَـى وُجُوهَهُمُ النَّارُ- و گناهکاران را در آن روز می بینی که با هم در زنجیرها ب سته شده اند* تن پو شهای شان (پیراهن های شان) از قطران (ماده چسبنده، متعفن، قابل ا شتعال و بد بو) ا ست و چهره های شان را آتش می پو شاند (ابراهیم/۵۰-۴۹). **تاکید بر پو ست و صورت در این آیات جالب ا ست. دو ساختار حفاظت کننده و محافظت کننده بدن که دیگر یارای تحمل دمای بالا را ندارند.**

بعلاوه دو آیه دیگر باز در این ارتباط: لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ* بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ- اگر کافران به آن وقتی که نمی توانند آتش را از چهره ها و پشتشان باز دارند و یاری هم نمی شوند، آگاهی داشتند عجولانه درخواست عذاب نمی کردند* آتش به طور ناگهانی به آنان می رسـد پس چنان مبهوتشـان می کند که نه قدرت دارند آن را بازگردانند، و نه برای به تأخیر افتادنش مهلت می یابند (انبیا/۴۰-۳۹).

چهره ها در آن روز چقدر زبون باشد خوب است؟

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً * تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ* لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ * لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ- در آن روز چهره هایی زبونند* که تلاش کرده رنج بیهوده برده اند* ناچار در آتشـی سـوزان درآیند* از چشمه ای داغ نوشانیده شوند* خوراکی جز خار خشک ندارند* نه فربه کند و نه گرسنگی را باز دارد (غاشیه/۷-۲).

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ- و خوراکی جز چرکابه ندارد (حاقه/۳۶).

هرچه شنیدم شنیدن نبود

هرچه ندیدم ندیدن نبود

غصه مردن به دیدن نبود

شعله آتش بدودن نبود

پوست بسوزد زدودن نبود

عمر بسوزد گرفتن نبود

آدم کافر نمردن نبود

مدت دیگر برودت نبود

سوختن و سوختن نسوختم نبود

بهتر از این بود که مردن نبود

مطالب و یافته های جدید:

- **نظر اجمالی اهل تشیع در مورد روز قیامت:**

۱. طبق منابع اینترنتی به درهای بهشت در سوره‌های زمر آیه ۷۳، سوره ص آیه ۵۰ و سوره رعد آیات ۲۳ و ۲۴ اشاره شده است. اما تعداد آنها بیان نشده است.

۲. برخی به تاسی از آیه۴۴ سورهٔ مبارکهٔ حجر لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ که از واژه مقسوم استفاده شده است معتقدند **بهشت، هشت قسمت است همچنانکه جهنم هفت قسمت است.**

۳. ورود فرشتگان از درهای مختلف و ابلاغ سلام خدا به بهشتیان: آیات ۲۳ و ۲۴ سوره رعد- باغهای جاویدان بهشت است که هم خودشان وارد آن می‌شوند و هم پدران و همسران و فرزندان صالح آنها. چیزی که این نعمتهای بزرگ و بی‌پایان را تکمیل می‌سازد، این است که فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می‌شوند (وَ الْمَلائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بابٍ (۲۳) و به آنها می‌گویند: سَلامٌ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ- سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ- چه پایان نیک و چه عاقبت خوبی (۲۴).

و آیه زمر۷۳ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ- و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن به رویشان گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآیید و جاودانه بمانید

و آیه ۵۸ سوره یس سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ-(فرشتگان رحمت) بر آنان از خدای مهربان سلام و تحیّت رسانند.

نظر اجمالی فرقه نقشبندیه در مورد روز قیامت:

- یکی از مطالب جدید آرائی بود که از فرقه نقشبندیه در منابع اینترنتی نقل شده بود. نشان می داد عرفای این قوم بسیار عمیق و دقیق می اندیشیدند. نقشبندیه طریقتی است که اصل آن به عارف ایرانی خواجه یوسف همدانی (۵۳۵

ـ ۴۴۰ هـ ق) باز می‌گردد. در نفحات‌الانس عبدالرحمن جامی آمده است که ایشان از اهل سنّت و جماعت هستند و اطاعت احکام شریعت و اتباع سنن سیّدالمرسلین (ص).

- اما نظر این فرقه در مورد قیامت:

۱. برای بهشت درجات مهم است اما نویسندگان مجبور بودند به تقلید از هم از واژه طبقات هم استفاده بکنند.

۲. دربارهٔ جهنّم در آیهٔ ۴۴ سورهٔ مبارکهٔ حجر تصریح شده است که دوزخ دارای هفت باب است؛ مفسرّان بر اساس قولی از حضرت علی ابن ابی‌طالب ـ کرّم الله وجهه ـ در تفسیر این آیه، مراد از ابواب را طبقات دانسته‌اند و بنابراین جهنم دارای هفت طبقه است.

۳. در کتب حدیث و نیز تفاسیر روایاتی نقل شده که بر اساس آنها بهشت دارای صد درجه و فاصلهٔ هر درجه با درجه و پایهٔ بعد، برابر با فاصلهٔ مابین آسمان و زمین است و بالاترین و عالی ترین آن فردوس نامیده می‌شود.

۴. در برخی روایات هم آمده است که تعداد مدارج بهشت برابر با تعداد آیات قرآن است (تعریف والا و بلند مقامی به خداوندی خدا عین یقین است. بالاترین درجه بهشت یعنی پذیرش تمام آیات قرآن آنهم با تمام وجود، بدون حذف و اضافه، تمام و کمال، دربست، بدون عذر و بهانه، بدون اگر و اما. همانگونه که حضرت علی (ع) در سن ۱۲ سالگی به آن ایمان آورد و همانطوریکه حضرت خدیجه (س) بعنوان اولین بانوی مومنه اسلام در سن ۵۵ سالگی آن را پذیرفت. حقیر نیز درحد وسع خود با تمام وجودم به حقانیت این آیات گواهی می دهم و همه نوشته هایم و اعمالم را مستظهر به این آیات می کنم).

۵. برخی علما برآنند که بهشت دارای هشت باب (در) است و روایاتی در تأیید این نظر وجود دارد. برخی نیز تعداد ابواب بهشت را یازده، سیزده و شانزده باب دانسته‌اند.

جمع بندی مطالب تا اینجای کار:

۱. آفرین بر خدا هرجا که مصلحت دید پوشیده گفت و هرجا مصحلت ندید آشکارا گفت. مثل سلام سوم نماز که کسی نمی داند این سلام شامل چه کسانی است؟ (مراجعه شود به مقاله من تحت عنوان فلسفه و اسرار نماز (سایت شفقنا ۱۳۹۱) و تکمله آن (همین سایت).

۲. چند خوشبختی که نصیب ما مسلمانان شده است. نقش حضرت علی (ع) در تشریح و توصیف دقیق این دو مکان که بسیار ویژه است. همچنانکه نقش بلال در معرفی درهای بهشت ویژه است. از این جهت ویژه است که با دریافتها و نوشته های من قرین و قریب است. این مستندات کار مرا راحت کرده است زیرا نظر دادن ممکن است آسان باشد اما تائید آن مسبوق به سابقه نباشد کار آدم زار است.

۳. خوشبختانه در نام جنات اختلافی بین فرق و مذاهب مختلف نیست (خدا را شکر) زیرا همه این اسامی در قرآن ذکر شده است.

۴. هم چنین در تعداد دربهای جهنم اختلاف نظر نیست (اسامی را بیشتر از ۷ نوشته اند از جمله سَقَر، سَعیر، حَجیم، حُطَمهٔ، هاوِیه، لظی، أثام، سجّین و..).

۵. همانگونه که در مقاله بهسازی و بازسازی دینی (همین سایت) آوردم فقط یک سی ام قرآن جزو آیات متشابهات (۲۰۰آیه) و بقیه (۶۰۳۶ آیه) از محکمات است. برای یک مسلمان عقب مانده وجود یک آیه متشابه به منزله یک بمب ساعتی از نوع جهل و نادانی است که می تواند از آن برای دامن زدن به اختلاف ها استفاده بکند. این همان جنگ هفتاد و دو ملت است که حافظ فرموده است: چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند. نمونه اش ده ها تاویل و تحریف و تعبیر و تفسیر از یک آیه محکم است!

برای همین است خدا تا توانسته اکثر احکام را صریح اعلام کرده است وگرنه اگر در قرآن به جای ۲۰۰ آیه متشابه، ۱۰۰۰ آیه، ۲۰۰۰ آیه و یا نصف آیات جزو متشابهات بودند امروز مسلمانان ده ها قبله، ده ها قرآن و ده ها احکام متضاد حلال و حرام داشتند! و شاید هم تعداد فرق اسلامی از مرز ۱ میلیون می گذشت!

۱. اسامی مشهور بهشت	الأخره، جنّات عدن، جنّات فردوس، جنّات المأوی، جنّاتالنّعیم، جنهٔالخلد، جنهٔعالیه، جنهٔالمأوی، جنهٔالنعیم، حُسنی، الدّارالآخره، دارالسّلام، دارالقرار، دارالمتّقن، دارالمقامه، روضات الجنات، طوبی، فردوس، فضل، یمین.	اسامی مشهور دوزخ طبق آیات قرآن	بئس القرار، بئس المهاد، بئس الورد المورود، بئس المصیر، حافره، ، دارالبوار، دارالفاسقین، السّاهره، السّموم، سوءالدّار، السّوأی، و چند نام دیگر.
۲. تعداد دربهای بهشت	بطور مشخص به تعداد درها اشاره ائی نشده است فقط صحبت از ابواب است: آیه ۵۰ سوره ص: جَنّاتِ عَدْنٍ مُفَتَّحَةً لَهُمُ الْأَبْوابُ- باغهای بهشت ابد که درهایش به روی آنان باز است.	تعداد دربهای جهنم طبق آیات قرآن	هفت در طبق آیه۴۴ سورهٔ مبارکهٔ حجر: لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ – دوزخ دارای هفت باب است که برای هر دری گروه معین از آنها اختصاص یافته است.
۳. تعداد طبقات/درجات بهشت	طبقات ندارد درجات دارد	طبقات دارد/ درجات دارد	در تفسیر آیهٔ ۱۴۵ سورهٔ مبارکهٔ نساء به درکات هفتگانهٔ جهنّم که همان طبقات هستند اشاره شده است: إِنَّ الْمُنافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً- آری منافقان در فروترین درجات دوزخند و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت.
۴. نحوه قرار گرفتن طبقات بهشت	بدون طبقه مثل یک جامعه توحیدی	نحوه قرار گرفتن طبقات جهنم از بالا به پائین. **در خصوص تعداد طبقات و نام طبقات بین شیعه و سنی و عرفای اسلامی اختلافی وجود ندارد!**	**۱. جیحم** **۲. لظی** **۳. سقر** **۴. حطمه** **۵. هاویه** **۶. سعیر** **۷. جهنم**
۵. جنات خدا با مواهب مختلف	**۱. جنت فردوس** **۲. جنت عالیه** **۳. جنت نعیم**	طبقات جهنم: فروترین طبقه دارای شدیدترین عذابهاست.	دو دیدگاه کاملا متضاد! روایاتی هست که می گوید از همه پائین تر جهنم، و بالای آن لظی، و بالای آن حطمه، و فوق آن سقر، و

۴. جنت عدن ۵. جنت دارالسلام ۶. جنت دارالخلد ۷. جنت الماوی ۸. جنت دارالمقام			بالای آن جحیم و فوق آن سعیر و برتر از آن هاویه است. در برخی روایات این ترتیب درست برعکس است؛ پائین ترین هاویه و بالاترین آن جهنم است. درک قعرترین (پائین ترین) طبقه دوزخ است.

جدول ۲. مشخصات جهنم و بهشت موعود (شامل اسامی، طبقات، درجات و مراتب هر دو وادی مقدر شده است).

توصیف بهشت و ابواب آن از منظر قرآن و روایات:

- اگر مبنا بر وجود ابواب هشتگانهٔ بهشت باشد که بیشترین تکیه احادیث هم بر آن است معلوم می شود همانگونه که در بالا آمد رحمت خدا واسعه است، ورودی های بهشت بیش از تصور ماست. همین یک درب بیشتر موید این حقیقت است که اکثریت مردم جنت المکان هستند.

اینهمه سفارش به مایوس نبودن (لَاتَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّهِ إِنَّهُ لايَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللّهِ إِلاّ الْقَوْمُ الْكافِرُونَ- از رحمت خدا نومید مباشید زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود، آیه ۸۷ سوره یوسف) اثبات تفوق رحمانیت خدا بر قهاریت اوست. اکثریت در قرآن در مذموم است زیرا خطاکار است، دنباله رو است، جوگیر است، کم وسع است، ابزار دست است، بیسواد باشد نباشد تو سری خور است، محافظه کار است. با اینهمه، همه مردم در هر مقامی و مرتبه ای در نهایت مخلوقات برتر خدا هستند. لذا هیچکس بیش از خدا بفکر ایشان نیست. از خود ایشان خدا به ایشان نزدیک تر است. تدبیر خدا در همه حال نجات او و تامین بهشت اوست.

- موضوع مهم دیگر حسن نظر فرشتگان است. فرشتگانی که تا در خلقت آدم معترض بودند امروز مدافع انسان است. بر او از خدا هشت می خواهند. انسان در روی زمین غالبا از مومنین درخواست دعا می کند (چون چشمش نمی بیند که در بالا هم دعاگوهائی چون فرشتگان دارد). چقدر زیباست این سه آیه ۹-۷ سوره غافر که پرده از کار فرشتگانه ملائک دارد و یاد می دهد توسل به ملائک هم یادمان نرود:

کسانی که عرش خدا را حمل می کنند و آنها که پیرامون آنند به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند طلب آمرزش می کنند پروردگارا رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار (۷) پروردگارا آنان را در باغهای جاوید که وعده شان داده ای با هر که از پدران و همسران و فرزندانشان که به صلاح آمده اند داخل کن زیرا تو خود ارجمند و حکیمی (۸) و آنان را از بدیها نگاه دار و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی البته رحمتش کرده ای و این همان کامیابی بزرگ است (۹).

تفاوت ساعت ما با ساعت خدا:

- از آن طرف گلایه بندگان است از خدا بر عدم استجابت دعاهای عاجل ایشان! دلیل این عدم استجابت ها بسیار است. مربوط به پشت پرده ها هست. در این مورد ما و خدا در دو سوی یک خواسته قرار داریم: از ما اجابت فوری و از خدا اجابت به موقع. دلیلش هم مشخص است تفاوت دیدگاه نیست. تفاوت ساعت ما با ساعت خداست.

همانگونه در مقاله" نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه پی سی آر (PCR)" آوردم طبق آیات قرآنی، یک روز خدا (در قیامت و در زمین) برابر است با هزار سال ما در روی زمین (آیه ۴۷ سوره حج و آیه۵ سوره سجده). یعنی عمر حضرت نوح که ۹۰۰ سال (۳۲۰،۴۰۰ روز) بود مساوی است با کمتر از ۱ روز خدا. ۱۰۰ سال عمر ما انسانهای عادی هم برابر است با یک دهم روز خدا.

به همین سبب است که در روز قیامت وقتی از کافران می پرسند چند سال در زمین درنگ کردید می گویند ۱ روز یا یک جز از روز (سوره مومنون آیات ۱۱۳-۱۱۲ و احقاف/۳۵). معلوم می شود روز ما فقط در قیامت با روز خدا یکسان می شود. اما تا آن موقع ۳۶۵،۰۰۰ روز انسان برابر است با یک روز خدا. یک انسان با متوسط عمر ۱۰۰ سال جمعا ۳۶،۵۰۰ روز عمر می کند (حدودا ۱۰ بار کمتر از یک روز خدا!). بدین ترتیب عمر ۱۰ نفر با طول عمر متوسط ۱۰۰ سال یک فرد (چند نسل یک انسان) اگر با هم جمع بشود تازه می شود یک روز خدا! با این حساب، فاصله روز خدا با روز ما فاصله هزار سال است.

از بعد شاخص ساعت هم این تفاوت معنی دار است.

به این معنی که سرعت حرکت عقربه های ساعت (کرنومتر) خدا با سرعت حرکت عقربه های ساعت ما با طول عمر متوسط ۱۰۰ سال با این محاسبه سرانگشتی ۱۰۰ برابر ساعت اختلاف است (۱×۲۴×۳۶۵×۱۰۰۰). برای همین است که اگر یک فرد که صد سال عمر کرده است یعنی یک دهم روز خدا و یا یک صدم ساعت خدا را حس کرده است. بنابراین این فرد شاید در طول عمر می توانسته با چشم مسلح خود، حرکت عقربه ساعت خدا را در حد ۲/۵ دقیقه کمتر یا بیشتر رصد بکند!

اما این امر نباید موجب یاس و نومیدی و قطع رابطه ما با خدا باشد. زیرا برغم فاصله های دور از انتظار و بس بعید خالق و مخلوق، نقاط مشترک قابل توجهی هم بین روز و ساعت ما با روز و ساعت خدا وجود دارد که دست انسان را برای هر کاری باز می گذارد.

بطور مثال یک انسان که حدود ۱۰۰ سال عمر می کند در واقع ۳۶،۵۰۰ روز و به مقیاس ساعت، ۸۷۶،۰۰۰ ساعت عمر می کند. این مقدار روز و ساعت به اندازه کافی برانگیزاننده و تعیین کننده است که انسان بخواهد سعی وافر خود را بکند که هم به زندگی و زندگانی خود برسد و هم اگر التماس دعائی از خدا دارد که ده ها دارد آنها را مطرح بکند و اجابت دعای خود را در عمر کوتاه خود از جانب خدا بشنود و ببیند. البته تماس های پیوسته مخلوق با خدا

هست. نظارتهای ویژه هم هست. توجهات فوق العاده هم هست. شب قدر هم هست که برابر با هزار ماه است. حدود ۸۳ سال عمر مازاد معنوی. برای خودش یک عمری است. بظاهر یک عمر مجازی یا خدادادی یا مجانی یا روحانی یا آن دنیائی است.

اما به رقم همان هزار سال خدائی است: لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ* تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ* سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ- شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند. آن شب تا دم صبح صلح و سلام است (آیات سوره قدر). تشرف به حج تمتع شاید برای خودش هزار سال ارزش معنوی دارد. تماس نزدیک است. بقول معروف ملاقات رو در رو هست (face to face).

در بحث اجابت موضوع متفاوت است. یا به مصلحت ما نیست. به نسل بعد از ما هست. و یا زمانش به میل ما نیست اما به نفع ما هست. در مجموع دعاهای ما آنی است اما اجابت های خدا به هزار سال به یک روز است. اما اجابت می کند. یکی از هزار را اجابت می کند. هیچکس را در نهایت مایوس نمی گذارد. باید دید دعاکننده کیست و در دل او چه می گذرد. اگر دعای کسی اجابت شد و به ظاهرش نخورد معلوم است خدا به باطن او نگریسته و دعای او را اجابت کرده است.

ساعت های پنهان و آشکار دنیا و آخرت و رابطه این ساعت ها با ساعت های وجودی انسان:

- معلوم است انسان به حال خود گذاشته نشده است. در وجود او و در تک تک ژنهای او ساعت های مختلفی تعبیه شده است که او از وجود آنها یا بی خبر است یا بی تفاوت است. فقط می داند گرسنه است، خوابش می آید، نیاز به همسرگزینی دارد، نیازمند تفریح است، مو و ناخن های او بلند شده است و نیاز به کوتاه کردن آنها دارد، دلش گرفته نیاز به عبادت دارد و.. یا یک جائی از این کره خاکی زلزله می آید او بی خیال است! خورشید می گیرد او بی تفاوت است، یکی می میرد می گوید خدا را شکر که من زنده ام! از زندگی لذت می برد می گوید خوشبختانه (نه الحمدالله) مریض نیستم و..اما نمی داند همه اینها تابع ساعت های بزرگ دیجیتالی وجود او و مخلوقات دیگر است.

در واقع ساعات وجود او با ساعات محیط بیرون او در تعامل مستقیم و غیر مستقیم است. با این فرض همه دنیا مملو از تریلیارد ساعت خودکار آشکار و پنهان است. وقتش برسد (به حدنصاب برسد) ثانیه ائی در وقوع آن تاخیر نمی افتد. زیرا حرکت عقربه های ساعت برگشت ناپذیر است. همه دیدیم یکساعت جلو و عقب بردن ساعت ها (clock turn back) در ابتدای و اواسط سال برای صرفه جوئی برق و کنترل ترافیک و غیره چه مشکلات روحی و روانی برای انسان در پی دارد.

برعکس، دستورات دینی از این دست که صدقه عمر انسان را افزایش می دهد و یا فلسفه خواندن نماز واجب آیات در هنگام ۱) زلزله، ۲) کسوف (خورشید گرفتگی)، ۳) خسوف (ماه گرفتگی) و ۴) رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها که موجب ترس مردم می شود در واقع خواستن از خدا برای کاستن از سرعت عقربه های این ساعت های آفرینش است (مراجعه شود به مقاله فلسفه خواندن نماز واجب آیات در همین سایت).

دین اسلام چنین دینی است.

با این فرض انسان را نباید فقط یک جسم ظاهر دید بلکه مجموعه ائی از هزاران ساعت دید. **انسان معتقد به روز قیامت در این ساعت ها دستکاری منفی نمی کند. دستکاریهای منفی همانا گناهان بزرگ و کوچک هستند. بلکه تا می تواند ساعت های بیشمار وجود خود را که بقول سعدی شکر یکی از هزار آن را نتوان کرد را با کارهای خیر خود شارژ، کوک و فعال می کند. تا روز مبادا بدادش برسند. تا به موقع اخطار کنند. در همین ارتباط کسانی هم که به دیگران ظلم می کنند چند ساعت از طرف مقابل را مختل و صد ها ساعت از ساعت های تعبیه شده در وجود خود را از کار می اندازند (turn off).**

معلوم است ابتدا ساعت های اضطراری فعال می شوند. اما فرد از کار خود پشیمان نشد و توبه و توبه نصوح نکرد جایگزین ساعت های از کار افتاده، ساعت های روز مباداست، ساعت های انتقام است. فعال شدن ساعت های توده مردم است. اینکه می گویند آه مظلوم می گیرد یعنی فرد با بیخردی تمام ساعت انتقام خدا را فعال کرده است! عقربه های آن را با دست خود تنظیم کرده است! این فرد باید بنشیند و منتظر صدای تک تک ساعت های خود نباشد. بلی قهر و غضب خدا نزدیک است. تو با بمب خوشه ائی و اتمی یک شهر/یک کشور را نابود می کند و خدا با بمب های طبیعی خود. خسارت یکی است. یکی نرم افزاری است و دیگری سخت افزاری. روز قیامت هم که جای خود دارد.

- خوشبختانه سه دانشمندان آمریکایی به نامهای جفری سی. هال (Jeffrey Hall)، مایکل روسباش (Michael Rosbash) و مایکل دبلیو. یانگ (Michael Young) برندگان جایزه پزشکی نوبل امسال (۲۰۱۷/۱۳۹۶) با مطالعه روی مکانیسم های مولکولی کنترل ساعت بیولوژیک بدن انسان و سایر موجودات زنده (molecular mechanisms controlling our biological clocks) موفق به یافتن سازوکار ساعت درونی ژن‌ها و عملکردهای سلولی با نظارت دی‌ان‌ای (DNA) شدند.

به اعتقاد ایشان گیاهان، جانوران و انسان‌ها ریتم زندگی خود را با تغییرات محیط زیست پیرامون خود هماهنگ و به آن مثل سایر موجودات روی زمین تکامل می بخشند (Earth's revolutions). به اعتقاد ایشان بدن اکثر موجودات زنده شامل گیاهان، جانوران، سیانوباکتری‌ها و انسان‌ها از یک چرخه طبیعی بهره می‌برد که در علوم زیستی به آن

ساعت بدن یا ساعت زیستی بدن می‌گویند. ساعت زیستی مسئول تنظیم کارکردهای حیاتی بدن شامل رفتار، سطح هورمون‌ها، خواب، دمای بدن و متابولیسم است. مهم‌ترین نشانه‌ی این چرخه برای ما انسان‌ها، ساعت خواب است. و یکی از کارآمدترین کاربردهای آن کنترل حیات بر روی کره زمین است. ساعت قیامت و مجموعه ساعات آن پیشتر توضیح داده شد. اما این ساعت های دینوی کجا و ساعات ازلی و ابدی کجا؟

- تاکنون حدود ۸۰ میلیارد خلق شده اند و میلیاردها نفوس دیگر ممکنست خلق بشوند اگر برای خود عذاب نیآفرینند و دچار غضب خدا نشوند. ظواهر امر نشان می دهد این قوم مستحق مجازات است و جایگزینی حق آنان است. اما کیست که نداند این دنیا شبیه سازی شده آن دنیاست. الدنیا مزرعه الاخره است.

در امتحانات این دنیا هم، قبولی اکثریت در امتحانات مختلف با نمره متوسط است (۱۶-۱۲).

دو گروه دیگر اما متفاوت از بقیه اند.۱) گروهی که به کمتر از ۲۰ یا قدری پائین تر رضایت نمی دهند و ۲) گروهی که نمرات نهائی ایشان کمتر از متوسط است. بین صفر تا ده است. کار خدا چون یک معلم رئوف و دستگیر حمایت از افرادی است که کارنامه متوسط یا کمی پائین تر دارند. به هر کار مثبت ایشان بین۷۰۰-۱۰ برابر نمره ارفاقی می دهد و به هر خطای ایشان یک نمره منفی می دهد (مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَلاَ يُجْزَى إِلاَّ مِثْلَهَا وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ – هر کس کار نیکی بیآورد ده برابر آن پاداش خواهد داشت و هر کس کار بدی بیاورد جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود (سوره انعام۱۶۰).

بنابراین کار خدا در قالب خشک صفر و یک نیست. با فرمولهای دقیق ریاضی فوق بشری دنیا را خلق می کند، در دقایق آخر خلقت عظیم (بیگ بنگ) انسان را وارد عرصه زمین می کند تا برای خود در زمین خدائی یا جانشین خدائی بکند! بر همه مخلوقات زور بگوید. به این امید که طاغی نشود و از خدای خود روی نگرداند! که می گرداند!! خدا خالق انسان با علم به مختصات این موجود بزرگواری می کند روز تولد او را دقیقا در این دنیا برنامه ریزی می کند. ثبت تاریخ های تولد و وفات افراد بر روی سنگ مزارها حکایت از این برنامه ریزی دارد.

حضور منجیان در هر عصری و در بین هر نسلی تعیین کننده است. تولد همزمان و هم عصری و هم نسلی چند نابغه خوب همان مقدار برای یک جامعه و یا حتی دنیا سرنوشت ساز است که هم عصری و هم نسلی چند مفسد نادان. رنسانس ها محصول این تدبیر هستند. قیامت دنیا را ایشان بر پا می کنند. دو کاتب رقیب و عتید ثانیه به ثانیه احوال و اعمال افراد را ثبت می کنند.

حدنصاب اعمال یک فرد/یک ملت در زمان معین تعیین می شود.

به حدنصاب رسید، خدا سریع الحساب می شود. اعمال را با ذره توزین و با قنطار پاداش می دهد. وظیفه فرد فرد جامعه حاسِبُوا اَنْفُسَکُم قبلَ اَن تُحاسَبُوا-خویشتن را محاسبه کنید قبل از آنکه به حساب شما برسند، است. زیرا خودسازی از فرد شروع و به جامعه سرایت می یابد. برعکسش هم صادق است. فساد یک فرد، یک جامعه را مفسد می کند. قیامت دنیای یک فرد و یک جامعه را دور و نزدیک می کند. ده مقام ارشد یک کشور این دستور نبی (ص) رعایت بکنند جامعه زودتر از موعد رستگار می شود. گاندی یکی از بزرگان عرصه نور و روشنائی (enlightenment) در عصر حاضر بود.

- برای دقیق شدن به اصول محاسبات الهی لازم است موارد فوق با دقت بیشتری تحقیق و تبین بشود. تا یک فرد لائیک هم از رحمت خدا نومید نشود. برای این منظور از نوشته قبلی خود در سایت شفقنا (۱۳۹۱/۱۲/۱۰. فایل ۴۲)استفاده می کنم:

"مبلغ اولیه برای صدور دفترچه حساب ویژه یک عمل صالح است. سود آن تصاعدی و به ازای آن غالبا ۱ به ۱۰ و یا ۷۰ تا ۷۰۰ است. در سایت مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن آمده است پاداش‌های قرآن نسبت به افراد و کارها و شرایط متفاوت است. بعضی کارها پاداش دو برابر دارد: ضِعفَین (سوره بقره، آیه ۲۶۵). بعضی کارها پاداش چند برابر دارد: أضعافاً (سوره بقره، آیه ۲۴۵). بعضی کارها پاداش ده برابر دارد: فله عَشرُ أمثالها (سوره انعام، آیه ۱۶۰)، بعضی کارها پاداش هفتصد برابر دارد: کمَثل حبّهٔ أنبَتَت سَبع سَنابِل فی کلّ سُنبلَهٍ مأهٔ حَبّهٔ (سوره بقره، آیه ۲۶۱). بعضی کارها پاداشی دارد که هیچ کس جز خدا آن را نمی‌داند: فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِیَ لَهُمْ (سوره سجده، آیه ۱۷) و آیه ۳۵ سوره ق: لَهُمْ ما یَشاؤُنَ فِیها وَ لَدَیْنا مَزِیدٌ- هر چه بخواهند و تصور کنند ما به ایشان می دهیم و نزد ما پاداشهایی دارند فراتر از تصورشان. و در آخر نتیجه می گیرد این تفاوت‌ها بر اساس تفاوت نیّت و نوع کار است.

- با توجه به مراتب بالا همانگونه که در جای دیگر هم ذکر کردم معادلات پیش روی ما در زندگی و حتی بعد آن از اصلا غامض و پیچیده نیست. بسیار روشن و سر راست است. مشاور نمی خواهد، کامپیوتر نمی خواهد، وساطت نمی خواهد. هر فردی ده ها راز پنهان در سینه دارد که خودش می داند و خدای خودش. و اگر قرار بود فاش بشود روی زمین یک نفر از بی آبروئی باقی نمی ماند! بنابراین مرز جهنم و بهشت انجام به تکلیف محاسبه روزانه است. برای همین است که پیامبر (ص) فرمود: حَاسِبُوا أَنْفُسَکُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زِنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَکْبَرِ- خویشتن را محاسبه کنید قبل از آنکه به حساب شما برسند و خویش را وزن کنید قبل از آنکه شما را وزن کنند و آماده شوید برای عرضه بزرگ (روز قیامت). یکی از قدسی ترین بیانات حضرت ختمی مرتبت. بخدا قسم این عمل از نماز هم واجب تر است. زیرا اغلب مسلمانان دقیقه نودی هستند. در دقیقه ۹۰ هم متاسفانه خطا می کنند. البته من نمی گویم واجب تر از نماز عمل دیگری هست اما می گویم نماز واقعی مظهر محاسبه دقیق اعمال روزانه است. و اگر نماز در نمازگاه می ماند و وارد زندگی روزمره نمی شود معلوم می شود نماز بدون محاسبه انجام گرفته است.

- **اما جان کلام و جان شیرین سخن در بحث معاد، فرمول های یزدانی و معادلات رحمانی بین خدا و بندگان خداست که همه از نوع معادلات ساده و بلکه بسیار ساده است. زیرا خدا در طرف انسان و نه در مقابل آن است.**

متاسفانه فرمولهای خدا هر چقدر رحمانی است، فرمول های شکر خدا توسط انسانها، غیر سازنده، همراه با منت و یکی از هزار است. فرمولهای کفر که در حد فاجعه است. پلیدترین انسان هم آن را یک لحظه تحمل نمی کند!! برای همین است که خدای خالق انسان و آشنا به روحیات او هیچ علاقه ائی به طرح سئوالات انحرافی و آزمونهای پیچیده ندارد مگر مدنظر او بندگان ویژه باشد که در آن صورت امتحانات ایشان پی در پی و هر بار متنوع تر و سخت تر است. خوب است در این مجال با چند فرمول محاسباتی خدا آشنا باشیم: همه با معادله های ابتدائی ریاضی آشنا هستند.

در این معادلات تعداد متغیرها اندک هستند. بطور مثال یک طرف معادله، جمع و ضرب و تفریق و تقسیم اعمال است (محاسبات دقیق با مقیاس ذره) و طرف دیگر آن حاصل جمع اعداد + باقیات صالحات+ رحمت الهی (محاسبات دقیق و رقیق و رفیق به تناسب شان و عملکرد هر فرد و با نسبت های متفاوت ۱ به ۱۰، ۱ به ۷۰، ۱ به ۷۰۰ و بعضا ۱ به میلیارد. بمانند پاداش های نجومی!

فرض کنیم شخصی در یک روز دو عمل ثواب (ثوابهای عادی و معمولی و نه اعمال صالحی که نجات بخش، احیاگر، افتخارآمیز و اعجاب انگیز است که پاداش این اعمال در همان وادیها قابل سنجش و محاسبه است. مراجعه شود به آیه ۳۸ سوره مبارکه نور) و دو عمل خطا (گناهان معمولی و نه گناهان کبیره و گناهان اجتماعی) مرتکب شده باشد. طبق فرمول خدا به هر خطای او ۱ جزا/سزا و به هر عمل خوب او ۱۰ جزا/سزا در نظر گرفته می شود. حساب کار او در آن روز به شرح زیر خواهد بود:

هیجده نمره مثبت ۱۸= (۱۰+۱۰) –(۱+۱)

اما اگر او هیچ کار ثوابی را در طول روز انجام نداد و هر چه بکند خطا باشد. ده خطای معمولی او ده عدد منفی می گیرد:

ده نمره منفی ۱۰= (۱)X۱۰

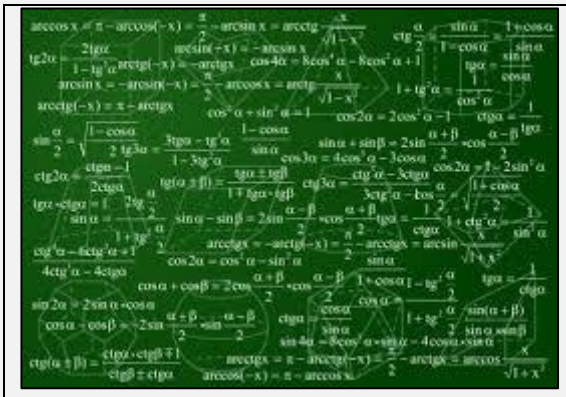
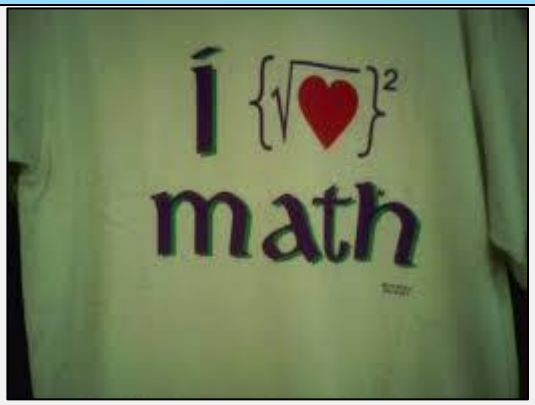
بدیهی است این کف پاداش یا مکافات عمل یک فرد است. اما همین محاسبه ساده کمک می کند فرد محاسبه گر بطور روزانه نمرات اعمال خود را رصد بکند و برای فردای بهتر خود و عاقبت فرزندان خود تدبیر بهتری بیندیشد. آنچه در این فرمول ها تعیین کننده است نوع اعمال است. غالب اعمال ما از نوع ساده نیستند. بعضا اعمال خوب شامل نجات یک فرد، یک نسل، یک امت/کل انسانیت می شود که خوب سرعت محاسبه این اعمال و پاداش این اعمال توسط خدا به میلیونیم ثانیه است.

خدای سریع الجزا هست یعنی همین. سریع اوج می گیرد، نامش زبانزد همگان می شود، بعد از فوت نامدارتر از قبل فوت می شود. از آن طرف افرادی هستند خودشان با نادانی و رندی میزان جرائم خود را بالا می برند و از آن بدتر همه اعمال خوب قبل خود را هم حبط و نابود می کنند. از علامه طباطبائی نقل شده است طبق آیات و روایات این

اعمال (اعمال حبط) شامل کفر، شرک، قتل انبیا و اولیا، بی‌حرمتی و انکار آیات انبیا و اولیا از روی عناد، لجاجت، تعصّب، حسد، و انکار آخرت است (تبیان، ۱۳۹۰).

بنابراین حَبِطَ (باطل کننده و بی اثر کننده اعمال) آفت اعمال و محو کننده فرمول فوق است. هرچه آدم در یک عمر می بافد به یکباره پنبه می شود. نبود این افراد بهتر از بودنشان است، مماتشان به نفع جامعه است تا حیاتشان. این افراد در یک کلمه خطای خلقت هستند. محصولات معیوب و مرجوعی صنایع انسان ساز هستند. حقشان در این دنیا اعدام و آن دنیا جهنم است. شاید حقوق بشر در این دنیا بدادشان برسد اما آن دنیا همین قوانین حقوق بشر ایشان را به جهنم هدایت می کند زیرا امثال ایشان با اعمال شنیع خود دنیا را برای مردمان جهنم کرده بودند.

برای اینکه با فرمولهای خلقت و خلق عظیم و انسان خلیفه الله بهتر آشنا بشویم به چند مورد زیر اشاره می شود (اشکال ۴). انتخاب بهترین فرمولها با شماست.

<table>
<tr>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>این ساعت متعلق به کسی است که روزانه اعمال خود، خانواده، جامعه و دنیای پیرامونی خود را رصد می کند و نظر می دهد.</td>
<td>این گوشه ائی از فرمول پیچیده خلقت است. روز تولد و روز وفات ما هم بخشی از این فرمول کلان است.</td>
</tr>
<tr>
<td>
</td>
<td>
</td>
</tr>
</table>

این عاشق ریاضیات همان کسی است که ریاضیاتش ۲۰ است و آنقدر حسابش پاک است که برای محاسبه بی باک است.	این فرمول اعمال ماست که بدست ما نوشته می شود. هر چه پیچیده تر- مصیبت بارتر! هر چه شفاف تر- معظم تر.
	
این فرمول رفتار و گفتار و کردار افرادی است که با خوبی های خود سلولهای خود را جزو بهترین های خلقت می کنند، دنیا را بر خود و دیگران آسان می کنند. دستگیرند تا دست انداز و چنگ انداز.	این مربوط به کسانی است که از بین میلیونها فرمول موجود، بهترین فرمولها را برای آسایش خود و دیگران بر می گزینند. برای بهره مندی از ثواب اعمال خود به فرمولهای مربوط به پاداشهای ۱ به ۱۰، ۱ به ۷۰، ۱ به ۷۰۰، الی آخر توجه دارند. دارای کمترین خطا و بالاترین رکوردها هستند. این بدست نیآمده است الا انتخاب و اختیار فرمولهای سریع الحساب خدا.

اشکال۴. آشنائی با فرمولهای این دنیا و آن دنیا.

- و اتفاقا هفت در جهنم و هفت طبقه جهنم به تناسب نمره ایشان و حاصل جمع اعمال و نیات افراد تعریف و تعیین شده است. حتی نام درها و نام طبقات هم مشخص شده است تا فردا روزی بهانه جویان بهانه تراشی نکنند که ای خدا ما از آینده خطای خود بی خبر بودیم، از ضوابط آن دنیا بی اطلاع بودیم، بیشترین حواسمان به رحمت تو بود تا انتقام تو! ما چه می دانستیم جزو مغضوبین خواهیم بود؟ بهانه جوئی های این قبیل که پایانی ندارد تا آن هنگام که وارد یکی از طبقات جهنم بشوند و حسرت آن روز ایشان نه در قرار نگرفتن در بهشت که در یکی از طبقات جهنم است که بدترین طبقه آن قعر جهنم (درک) در طبقه اول جهنم است.
- ورقه امتحانی ایشان به هیچ وجه قابل بازبینی نیست زیرا نه کرداری مقبول در دنیا داشتند و نه عذری کمتر از گناه! و نه شفیعی برای نجات (اتفاقا شیطان زودتر از همه از ایشان تبری می جوید!). آیات قرآن در این باره صریح است "وقتی اهل جهنم از خازنان جهنم و ملائکه عذاب مایوس می شوند که نمی توانند برای ایشان از جانب پروردگار

یک روز عذاب کمتر و یا تخفیف بگیرند (آیه ۴۹ سوره غافر) به شیطان متمسک می شوند. او را ملامت می کنند! پاسخ شیطان به ایشان شنیدنی است:

مرا ملامت نکنید و خودتان را ملامت کنید. نه من الآن فریاد رس شما هستم نه شما فریاد رس من، و من به آنچه که شما شرک ورزیدید و مرا شریک خدا قرار دادید و به حرف من گوش کردید بیزارم. آیه۲۲ سوره ابراهیم). برعکس مقصرین حداقل دلشان به رحمت خدا و به سفارش شفیعان خدا خوش است. می دانند اولیای ایشان تا آخرین لحظه با ایشان است. مرد است و قولش. ارفاق، کار معلم و کار خداست. دست معلم برای ارفاق باز است اما برای اجحاف نه. دست خدا هم برای رحمت واسعه باز و برای عدالت بسته است بویژه اگر حق الناس باشد، بیت المال باشد.

اما شان انسان بالاتر از اینهاست. استغاثه، التماس دعا و متوسل شدن به این و آن در دنیا و به انبیا و اوصیا در قیامت برای اخذ نمره قبولی به نظر من یک مردودی محترمانه است. باید خودمان را آنچنان برای آن دنیا آماده کنیم که جز سلام نشنویم و جز سلام نگوئیم.

این سلام ها حکم جواب سلام در حال نماز را دارد (جواب سلام به سلام کننده واجب است).

کل آستان بهشت سلام است. اما همه ما خطاکار هستیم. همه بهشتیان هم از راه جهنم وارد بهشت می شوند (وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيا.... همه شما بدون استثنا وارد جهنم می‌شوید. سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم و ظالمان را در حالی که از ضعف و ذلت به زانو درآمده‌اند در آن رها می‌سازیم، آیات۷۱-۷۰ سوره مریم). تحمل یک ثانیه مکافات هم از شان انسان می کاهد، از مرتبت انسان می کاهد، مگر خدا ستاری کند و این عیب مکافات دیدن ما را بر دیگران برملا نکند.

حساب خدا با خلق خدا متفاوت است. نزد خدا مقصر دیده شدن بهتر است از بی تقصیر دیده شدن توسط دیگران. همچنانکه فرق می کند رفتن و دیدن جهنم توسط همه آحاد بشر با رفتن و ماندن در جهنم.

لذا همچنانکه دانش آموز و دانشجو داریم دانش آموز و دانشجو، به همین نسبت مومن داریم تا مومن، بهشت داریم تا بهشت و نیز جهنم داریم تا جهنم. **نه عذاب جهنم برای همه یکسان است و نه برخوداری از انواع بهشت ها یکسان است.** مباد جزو بهشتیان زمین تا برین باشیم. اما کار با بهشتیان برای خدا آسان و مسرت بخش است.

مثل یک دانش آموز و دانشجو خوب برای معلم و استاد که او را یک گل از گلهای کلاس می شناسد. به اسم می شناسد. این گروه اهل رضا هستند. ورد زبانشان در همه حالات رِضاً بِرِضاکَ است (فرمایش امام حسین درهنگام شهادت). روز قیامت بهشت هم ندهند گلایه نمی کنند. ممکن است متاثر بشوند اما متاسف نمی شوند. بقول خواجه عبدالله انصاری آنکس که تو را شناخت جان را چه کند/ فرزند و عیال و خانمان را چه کند/دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی/ دیوانه تو هر دو جهان را چه کند.

- چون هنوز در فضای امتحانات هستیم و مقایسه امتحان دنیا با آخرت، دو مورد دیگر نیز بر فوق اضافه می کنم. در یکی از نظرات خود در سایت بینانیوز (مورخ ۲۲ مرداد۱۳۹۴/فایل ۲۰۲) در توصیف واکنش نسل جدید به شرایط فعلی جامعه با اندکی تغییر آورده بودم:

در مورد نسل فعلی و شاید نسل بعدی دست ما خالی است. با دست خالی هم نه حکمی جاری و نه حکمی نافذ است. نه آن موقع که با یک دست دو هندوانه داشتیم ونه الان که دستمان خالی است. علت مشخص است. گرفتار کردند، انرژی گرفتند، جبهه درست کردند، جبهه درست کردیم. در جبهه ها مخلصین را از دست دادیم. جامعه جلو رفت، ما جلو نرفتیم. جامعه چاق شد ما لاغر ماندیم. فقط فرصت داشتیم برنامه روزی بکنیم. هرکسی به کاری گمارده شد. از مسئول نان گرفته تا مسئول بحران. کسی آن اوائل جرات تخلف را نداشت. تخلف کوچک هم مجازات داشت. حکم دزدی یک حلب روغن نباتی ۴/۵ کیلو دست بریدن بود. اما آنهائی که ما را و فرهنگ ما را می شناختند صبورتر از ما بودند. با موج آمدند. بر موج سوار شدند. موج خود را بلند کردند و با موج خود ما را بردند! مغرور بودن و بی خیال شدن این مصائب را هم دارد. موفقیتهای خدا و مردان خدا را به حساب خود گذاشتیم. باید بعد از یک جنگ طولانی و نفس گیر قدری هم استراحت می کردیم! به خود می رسیدیم! ویلا می رفتیم! موج سواری می کردیم! اسب سواری می کردیم! زمینهای مرغوب می خریدیم! خارج از کشور می رفتیم! سرمایه گذاری بین المللی می کردیم! اقتصاد را سامان می دادیم! خوب چه کسی باید به ما در این امور کمک می کرد؟ واسطه ها! آنهائی را که روزی به دم در دفتر خود راه نمی دادیم! اما می شنیدیم این روزها در دفاتر همه مدیران حضور فعال دارند! باید از قافله عقب نمی ماندیم. یک تماس و یک قرار همین! **اینجا بود که دیگر نه حب دین بر دل داشتیم و نه حب وطن که هر دو از ایمان است.**

چنگی به دل نمی زد

چون بر دلم نمی زد

دل را به خود سپردم

چون با خدا نمی زد

مدیریت ها مشخص بود. صندلی ها خریداری شده بود. بیمه صندلی ها هم پیشاپیش پرداخت شده بود. با شرکا روز اول نصف نصف قرارداد می بستیم. بعدها از ترس آبرو به کمتر از نصف هم راضی شدیم. شدیم یک پا اصحاب تخلف. این کی اتفاق افتاد؟ آن موقع که هنوز به نیمه راه نرسیده بودیم. یکی پروژه فروش تراکم را جلو برد! یکی تغییر کاربری زمینهای زراعی را! یکی ویلاسازی در منابع خوش منظر طبیعی حیران و گیلان و گرگان را! یکی تهران فروخت! دیگری زندان فروخت! یکی چند شغله شد! دیگری بیکاره شد. یکی از فروش آب میلیاردر شد. دیگری از فروش آرد! یکی از واردات میوه شب عید! آن دیگری از فروش دلارهای بی زبان نفتی در بانک های کشور! یکی وطن ماند وطن فروشی کرد. دیگری جلای وطن کرد مردم فروخت. یکی رشوه را باب کرد! یکی باب را رشوه کرد. موج ها بلند و بلندتر شدند. خبر آمد که خبری هست. دزدان به همه چیز و همه جا حمله کرده اند. باید دزدان دست بکار می شدند. وکیل می گرفتند. من نبودم دستم بود را ساز می کردند. یکی می گفت من احیای زمین کرده ام! دومی می گفت من در روزهای تحریم پشت ملت بی دفاع بودم! سومی می گفت من برای این نظام آبرو گذاشتم! چهارمی می گفت من انگشت کوچکه این دزدان قهار بودم! پنجمی می گفت من پاک پاکم! باید کاری می کردم و

گرنه گنهکار، مردم مالباخته و دنیا باخته بودند. باید صحنه امتحان را ترسیم می کردم تا معلوم بشود در این انقلاب کی چکاره بوده است.

ساعت امتحان فرا رسیده است. مدت زمان امتحان مشخص است. توزیع ورقه های امتحانی، طراحی سئوالات امتحانی، زمان ترک جلسه امتحان برای هر فردی متفاوت است. مجری امتحانات صدرنشینان عالم ملکوت و ناظرین ایشان خلق یک لاقبا هستند. تقلب در این امتحانات بدلیل سئوالات منحصر بفرد آن عملا غیرممکن است. فرصت کافی به هر نفر داده شده است. اوراق پس از مدتی تصحیح می شود.

سه نوع کارنامه برای ایشان صادر می شود:

گروه اول برگزیدگان: به همه سئوالات به یک اندازه پاسخ داده اند. به یک سئوال پاسخ کامل، به سئوال دیگر نصفه و نیمه و سئوال دیگر فقط یک خط جواب نداده اند. اگر ورقه امتحانی دارای ۱۰ سئوال بود، از هر سئوال نمره کامل گرفته اند. مثل بعضی از مسلمانان نبودند که مثلا حجاب اسلامی را کاملا رعایت بکنند، ریش را عین دین بدانند، مو را موی دین ببینند اما به زنا، قمار، ارث، مال یتیم، رفاه، انحصار و بیت المال و..که برسند نمره صفر و نزدیک به آن بگیرند. این گروه برگزیده ضمن پاسخ های دقیق و کامل زودتر از موعد ورقه امتحانی خود را به ناظر جلسه تسلیم کرده اند. چرا که امتحان دیده و امتحان برگزیده بودند. ترس از امتحان برای ایشان نامفهوم بود. در نظر ایشان اسلام بی دستور، اسلام بی انسان است. سئوالات مطابق با فطرت انسانی است. اینجور نیست که ما کلاس دومی باشیم و سئوالات از منابع دانشگاهی باشد که این دور از عدالت و دانائیت خداوندی است. اغلب ایشان با عجله ورقه امتحانی خود را تسلیم کرده بودند چون می دانستند وقت طلا است. می دانستند رسالت فردی- اجتماعی چیست؟ قربانگاه نزدیک است! و.. البته این افراد اگر بیشتر می ماندند بیشتر آسیب می دیدند. لذا به مصلحت دوست، سرنوشت ایشان گذاشتن نام نیک از خود و رفتن به موقع از صحنه بود. می شود گفت ایشان از فجرآفرینان خط شکن بودند.

دسته دوم خودگزیدگان یا قبول شدگان با نمره عادی بودند. این گروه تا در قید حیات اند خدمت متعارف می کنند. حرام و حلال در دستور کار زندگیشان است. بیشتر تمایل دارند اجل به سراغ ایشان بیاید تا خود به استقبال عجل بروند. جزو افرادی هستند که از ناظر امتحان وقت بیشتری را درخواست می کنند به این امید که مطلب فراموش شده ای به یادشان بیفتد و شاید هم نیم مددی به ایشان برسد. صواب و خطای ایشان در این دنیا بینابین است. ظاهرا اکثریت آحاد بهشت را این گروه تشکیل می دهند. اگر عمر بیشتری بکنند آخر عمری تعبد و خدمت به خلق را پیشه خود می کنند با این امید که اندکی جبران مافات بشود. این گروه از فخر آفرینان خط نگهدار هستند.

گروه سوم خود رفوزه گان یا مردودین بودند با ورقه های سفید، پاسخ های غلط و بعضا با عذر نوشته های بدتر از گناه. این افراد اگر هزار سال هم عمر بکنند نتیجه امتحان جامع ایشان در هر سال نمره مردودی است. عمر طولانی، رفاهمندی، خوب مانی و دیگر مظاهر دنیوی برای ایشان به منزله یک سم مهلک است. اما این حقیقت تلخ را نه خود می دانند و نه اطرافیان مبهوت در زندگی ایشان! عمر می گیرند و آتش می خرند! طلا می فروشند مفرغ می خرند! گروه آخر از زجرآفرینان خط خور هستند".

- **نامه اعمال (و نه نامه عمل) کارنامه ده ها هزار عمل ریز و درشت ما در طول زندگی است. هر کدام در فایل جداگانه و با بارم (نمره) جداگانه.**

ممکنست این حرف درست باشد که فلان عمل مثلا غیبت دو ماه از نماز را تباه می سازد. آیات مختلفی از جمله سوره محمد آیات۹ (فاحبط اعمالهم)،۳۲ (وسیحبط اعمالهم)، احزاب ۱۹ (فاحبط الله) و ۳۳ (ولاتبطلوا اعماکم) در باب باطل شدن و ضایع شدن اعمال آمده است. این تباهی ها بیشتر به خاطر نیات بد افراد و اعمال ریاکارانه ایشان است.

اما نامه اعمال به مثابه سئوالات ورقه امتحانی است. هر درسی ورقه جدا و هر سئوالی نمره جدا دارد. پاسخ یک سئوال هر چه قدر هم کامل باشد نمره ای برای سئوال نانوشته نمی شود. اگر در امتحان ۱۰ سئوال داده باشند که نمره هر سئوال ۲ باشد ورقه ائی که یک پاسخ داده شده باشد نمره اش ۲ خواهد بود! یعنی در آن درس مردودی! هکذا اگر در درسی نمره قبولی گرفتیم موجب نمی شود از درسهای دیگر که خوب امتحان نداده ایم قبول بشویم. اینکه می گویند هزار کار خیر یک نماز نمی شود و یا یک هزار نماز بی زکات یک نماز با زکات نمی شود و...حکایت از استقلال اعمال و در عین حال ارتباط اعمال دارد.

پس امتحانات خدا را جدی بگیریم. سئوالات را کامل بنویسیم، هیچ عملی را سبک نشماریم تا نمره قبولی را احراز نمائیم. نمره قبولی و یا ردی هم با هم تفاوت ها دارند. بنده خوب آن بنده ای است که برای نمره قبولی امتحان می دهد و نمره قبولی بالای ۱۵ را اخذ می کند. انسان بزرگ آن انسانی است که از ۲۰ نمره ۲۰ را بگیرد و انسان کامل آن انسانی است که چنان ورقه ائی می نویسد که اگر مقدور بود معلم به او نمره بالاتر از ۲۰ می داد!

خوب بسیاری در امتحانات مردود و تعدادی با ارفاق معلم قبول می شوند. اعمال ما هم در بسیاری از موارد نیازمند رحمت واسعه خداست. منتها یک معلم وقتی به یک دانش آموز ارفاق می کند که رفتار کلی آن فرد در طول سال برای معلم قابل قبول باشد. پس بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به نمره ارفاقی خدا نیاز ندارند! اگر برای هر عمل خوب یک امتیاز هم می دادند دلواپسی ما از مرگ و بعد از آن بی مورد بود! تا برسد به اینکه برای هر خوبی ۱۰ امتیاز و برای هر بدی امتیاز خود را بدهند (مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَلاَ يُجْزَى إِلاَّ مِثْلَهَا وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ –آیه ۱۶۰ سوره انعام).

- حکم دادن ما به بهشتی و جهنمی بودن افراد کار ناشایست و نشانه جهل و خودبینی ماست. ما در مقام معلم وقتی ۱۰ سئوال امتحانی را طرح می کنیم و برای هر سئوال ۲ نمره تعریف می کنیم و جمع نمرات را از ۲۰ می گیریم. در هنگام تصحیح ورقه ها علاوه بر میزان درستی پاسخ به موارد دیگری چون ادب، اخلاق، حضور مرتب در کلاس، کوشائی طول ترم، مشکلات خانوادگی و...هم توجه داریم و دست این افراد هم درحد معقول می گیریم و سعی نمی کنیم افتاده را افتاده تر کنیم. البته به بهترین ها هم علاوه بر دادن نمره ۲۰ آفرین هم می نویسیم. پس بگیر از این مجمل حساب خدای الرحم الراحمین را.

انواع بهشت و اقسام نام ها:

- قبل از پرداختن به انواع بهشت ها ذکر مجدد این مهم ضروری است که ۱) بهشت طبقه ندارد، ۲) جای بد و خوب ندارد، ۳) همه از برگزیدگان هستند. غیر از این بود، خدای ناکرده چشم هم چشمی بود، تفاخر بود، تفوق بود، بهشت یک جهنم زیبا بود. خوشایند جهنمیان و بدآیند بهشتیان بود. از این رو در سوره زمر آیه ۷۴، بهشتیان که برای ورود به بهشت سر از پا نمی شناسند و بوی بهشت قبل از ورود ایشان به بهشت مطهر و مقرب کرده است با همان شور و شوق غیر قابل وصف خود می گویند":

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ- سپاس خدایی را که وعده اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می گزینیم چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان".

پرسش: پس درجات بهشت چه می شود؟ پاسخ ساده است یا هر کس جایگاه خود را می شناسد و به حق خود قانع و بلکه شاکر است که اتفاقا این صفت مومنین است، یا مواهب یکیست لذات بهره مندی آنها برای هر فردی متفاوت است، یا درجات از نوع نامرئی است و یا هزاران گزینه دیگر که بقول مولانا گفتن از آن پرده دیگر بر او بستن است.

- **بهشت طبقات طبق منابع موجود اسامی متعددی برای انواع بهشت ها اعلام شده است. اسامی مشهور به شرح زیر می باشد:**

۱. جنت فردوس (۲ بار در قرآن تکرار شده است):

فردوس به معنای بالای بهشت، خلود و همیشگی و بستان آمده است. از رسول خدا (ص)نقل است که فردوس را بالاترین درجه بهشت است که چشمه های چهارگانه (کوثر، رنجبیل، سلسبیل و کافور) از آن می جوشد. در این جنت باغ انگور فراوان موجود است.

۲. جنت عالیه (۲ بار در قرآن تکرار شده است):

این کلمه به معنای بلند مرتبه، بهترین مکان و بهشتی است که دارای مقامی عالی است. انسان در آن بهشت لذاتی دارد که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده است، و نه بر قلب کسی خطور کرده است. میوه های این بهشت همیشه در دسترس است و به سهولت می توان از آن استفاده کرد و خوردن و نوشیدن در آنجا مبارک و گوارا است و هیچگاه حالت تهوع و خستگی از آن بوجود نمی آید.

۳. جنت نعیم (۱۲ بار در قرآن تکرار شده است):

این کلمه به معنای نعمت و سرخوشی است. جائی که پر از نعمت است. در این جنت خیال آدمی از هر گونه نگرانی بدور است. این همان جنتی است که در احتجاج و گفتگویی که بین حضرت ابراهیم و عمویش آذر و قومش درمی گیرد بر زبان حضرت ابراهیم جاری می شود. وَاجْعَلْنِی مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ- بارخدایا مرا از دارندگان بهشت نعیم قرار بده (سوره شعراء آیه ۸۵).

۴. جنت عدن (۱۱ بار در قرآن تکرار شده است):

کلمه عدن مصدر و به معنای اقامت و استواری است یعنی در جایی ماندگار شدن و جنات عدن به بهشت هایی اطلاق می شود که دارای استواری و ایمنی و از بین نرفتنی باشد. حضرت علی (ع) درباره این جنت می فرماید:

منزل و مقام رسول الله محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم در بهشت عدن است، و آن بهشت در میان همه بهشت ها است و از همه آنها به عرش خداوند رحمن جلّ جلالُه نزدیکتر است.

۵. جنت دارالسلام (۲ بار در قرآن تکرار شده است):

دار السلام به معنای مکان و خانه سلامت و ایمنی است و هر نعمت و جذابیتی که در خیال گنجد، در این بهشت یافت می شود زیرا در اینجا سلامت و ایمنی و راحتی بطور کامل، برای بندگان نیک خدا فراهم شده است. دارالسلام به معنای آن محلی است که در آن هیچ آفتی از قبیل مرگ ، مرض و فقر و هیچ عدم و فقدانی دیگر و هیچ غم و اندوهی آن افراد را تهدید نمی کند، و چنین محلی همان بهشت موعود است و جز آن نمی تواند باشد (در مقاله فلسفه و اسرار نماز و تکمله آن من سلامهای نماز را دارالسلام اعلام کردم که ظاهر با تعاریف فوق هم خوانی دارد).

۶. جنت دارالخلد (۱ بار در قرآن تکرار شده است):

منزلگاه همیشگی برای مومنین و نیکوکاران است. قُلْ أَذَلِکَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيراً – بگو آیا این عقوبت بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است. هر چند بین مفهوم عدن و خلد چندان فرقی وجود ندارد و هر دو به معنای توقف طولانی و استقرار و ثبات و ابدیت است، ولی از روایات و قرائن چنین استفاده می شود که جنات عدن محل خاصی از بهشت خداوند متعال است که بر دیگر باغ های بهشت امتیاز دارد و تنها سه گروه در آن ساکن می شوند: پیامبران، صدیقان و شهدا (پرسمان قرآنی معاد–نویسنده و تدوین سید علی هاشمی).

۷. جنت الماوی (۲ بار در قرآن تکرار شده است):

ماوی به معنی جایگاه است. اسم مکان است. جایگاه ویژه افراد است. سرای جاودانی؛ قراری در عمر و جسم و حال؛ عمری که مرگش به دنبال نیست؛ سلامتی ای که بیماری ندارد؛ بی نیازی ای که تهیدستی آن را تباه نمی کند؛ شادمانی ای که غمی به دنبالش نیست؛ جوانی که کهولت را در پی ندارد؛ لبخندی که اشک، او را نمی پوشاند

۸. جنت دارالمقام (۱ بار در قرآن تکرار شده است):

این منزلگاه یکبار در آیه ۳۵ سوره فاطر آمده است: الَّذِی أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ – همان خدایی که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد در اینجا رنجی به ما نمی رسد و در اینجا درماندگی به ما دست نمی دهد.

مهم: از اسامی و تعاریف هشت جنت فوق چنین پیداست که هر چه قرآن از جنت فردوس فاصله می گیرد و به سمت جنت دارالمقام نزدیک تر می شود جنت های وعده شده از حالت و مقام مادی و جسمانی به سر منزل و

جایگاه معنوی و روحانی تغییر ماهیت می دهند. جایگاه حضرت رسول (ص) در جنت عدن و تعریف جنتان در این سلسله مراتب های هشتگانه و بلکه بیشتر قابل تفسیر و توجیه است.

تعداد بهشت های اختصاص داده شده به اهل بهشت: جنتان

- دو جنت (جنتان) حق مسلم هر فرد راه یافته به بهشت است! درست است این کلمه در سه جای قرآن آمده است اما یک تک اشاره هم در این باب برای اهل بهشت کفایت می کرد. آیات قرآنی هم محکمات دارد و هم متشابهات و از آن مهمتر بعضی آیات تک و بعضی تکراری اند. برای اهل تفکر و تدبر هر دو آیات مبارک اند. اما رمز آیات تکی یک دنیا قیامت است (مراجعه شود به مقاله من تحت عنوان دابه الارض در همین سایت). اما این واژه دو جنت در کدام آیات تکرار شده است:

❖ لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ – برای مردم سبا در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید شهری است خوش و خدایی آمرزنده (آیه ۱۵سوره سبأ).

❖ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ– و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشت است (آیه ۴۶ سوره الرحمن). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه فرمودند مراد از جنتان، دو بهشت است که بهشت اول به سبب پاداش اعمال و بهشت دوم به خاطر تفضل به بهشتیان داده می شود (ماخذ: پرسمان قرآنی معاد–نویسنده و تدوین سید علی هاشمی). آدم را یاد عنوان و محتوای دو کتاب گلستان و بوستان سعدی می اندازد.

❖ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ– و پایین تر از آنها دو بهشت دیگر است (آیه ۶۲ سوره الرحمن). اینجا صحبت از ۴ بهشت است. دو بهشت افضل و دو بهشت احسن.

از پیامبر (ص) نقل است که فرمود: جنتان من ذهب للمقربین، و جنتان من ورق لاصحاب الیمین– **دو بهشت از طلا است برای مقربان، و دو بهشت از نقره برای اصحاب الیمین.**

هرکس صاحب دو بهشت از بهشت های هشتگانه و یا چندگانه است:

بهشت نعیم

بهشت فهیم

بهشت نصیب

بهشت نسیم

بهشت فریق

بهشت غریق

بهشت وزین

بهشت برین.

چقدر بهشت است و چقدر بهشت در بهشت؟ خدا داند و بس. بفرمایش امام صادق (ع) نه اعمال افراد یکی است، نه بهشت افراد یکی است و نه درجات بهشت یکی است. ترجمه جنات به زبان فارسی هم قابل تعمق

است: وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ- و غیر از آن دو [باغ] دو باغ [دیگر نیز] هست. اگر چنین باشد باغ در رده بندی جنات در مرحله پائین تر قرار می گیرد. بر کسی پوشیده نیست این آیات همه اشارت است و فهم و تفسیر آن جز بر معصوم حکایت است.

❖ همانطوریکه در بالا آمد حضور حوریان (زنان بهشتی)، غِلْمان (غلامان خدمتکار) و وِلْدان (خدمتکاران نوجوان) و وجود باغهای میوه، تاکستانها، چشمه ها و میوه های متعدد مربوط به بهشت های فردوس، عالیه و نعیم است که ظاهرا تامین کننده لذات جسمانی انسان و دسترنج مستقیم اعمال صالحه اوست.

بدیهی است نوع تغذیه جسمانی انسان در بهشت بمانند غذای جنینی انسان در رحم مادر قابل فهم و ادراک نیست. اما ظاهرا انسان به آن تغذیه و رژیم غذائی هم نیاز دارد زیرا یک عمر در روی زمین تغذیه زمینی کرده است! نقش زن در این دنیا و آن دنیا برجسته است. بدون زن زندگی نیست. زندگی هم نباشد زن نیست. در همین دنیا، زن مرکز توجه قصه های هزار و یکشب پادشاهان است.

زنان زیباترین موجودات روی زمین هستند. همین نقش و قالب برای بهشت هم طراحی شده است: حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِی الْخِیَامِ- حورانی پرده نشین (الرحمن/۷۲)، فِیهِنَّ خَیْرَاتٌ حِسَانٌ- خوش صورت و خوش سیرت (الرحمن/۷۰)، کَذَلِکَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِینٍ- با چشمان درشت (دخان/۵۴)، کَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُونِ - همچون مروارید در صدف پنهان (واقعه/۲۳)، کَأَنَّهُنَّ الْیَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ- گویی که آنها یاقوت و مرجانند (الرحمن/۵۸)، کَأَنَّهُنَّ بَیْضٌ مَکْنُونٌ- (از شدت سپیدی) شبیه تخم مرغ هائی هستند که زیر بال و پر مرغ پنهان مانده اند (صافات/۴۹)، وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ- همسرانی گرانقدر، إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً- ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْکَارًا و همه را بکر قرار داده ایم، عُرُبًا أَتْرَابًا- همسرانی که به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند (واقعه/۳۷-۳۴).

آیات سوره الرحمن تمام کننده است: حوریان زنانی هستند که خوش صورت اند، خوش نگاهند، پرده نشین اند، جذابیت تمام دارند، بی بدیل و بکر هستند، هنوز دست آدمی به ایشان نرسیده است، ماهیت زمینی ندارند. زنان زمین، وصف العیش – نصف العیش حوریان آسمان هستند. اما به پای همسران گرانقدر که آفرینش ویژه دارند نمی رسند. این یعنی افزودن اجزا و عناصر جدید به مخلوقات زمین، به بهشت رفتگان زمین، به باغهای زمین، به نهرها و چشمه ساران زمین. تغییرات ماهوی از دو بعد کمی و کیفی است.

همچنانکه انسان در زمین از یک آب ساده چندین نوشابه خوش مزه و خوش طعم تهیه می کند در قیامت هم خدا دست به نوآفرینی همه نعمات و مخلوقات خود می زند. عناصر جدید و بکری که جنس زن بهشت را از جنس زن زمین متمایز می سازد، به عسل ماهیت دیگر می بخشد، نهرهای شیر متمایز از شیر سفید زمین می شوند.

اسم میوه ها بظاهر زیتون و خرما و انجیر است اما رنگ و بوی دیگر دارند. هکذا اگر کل کره زمین تبدیل به بهشت موعود بشود آن روز آن زمین قابل شناخت برای انسان زمینی خواهد بود. زیرا انسان بهشت رفته، دیگر آن انسان زمینی معمولی نیست. سوپرمن ایمان است. ابرمرد خدا است. ابر زن خدا است. برگزیده است. سهم

بهشت دارد. سهم لذت بردن از همه مواهب را دارد. از خوردن تا دیدن (چقدر برای جهنمیان آن روز دردناک خواهد بود. من که خودم اهل جهنم ام دوست نمی دارم از بغل جهنم هم رد بشوم! تا برسد داخل بشوم! هرچند که گذر همه از جهنم است.

در هنگام نوشتن این سطور به ایشان رشک و غبطه می خورم. منکرین و بد دهانان هرزه گوی که جای خود دارند)، تا هر حسی که در آنجا هست و اینجا قابل لمس نیست. ایشان چشمان باز و گشاده دارند. حس لامسه قوی دارند. حس سامعه قوی دارند. تازه در بهشت می فهمند که در زمین موجودی نیمه کور بودند! کم شنوا بودند! چقدر خدا ایشان را در زمین گول زده است! وعده ها را کامل توصیف نکرده است. زیرا با کلمات صفات قابل توصیف نیست.

تنها به یک طیفی از انوار اشاره کرده است. زیرا او را در زمین حس اندک است. دنیای رحم را که ۹ ماه در آن مستقر بوده است به یاد نمی آورد! وقتی هم بدنیا آمده است چشم او قادر به دیدن همه طیف های نور و اجرام نبوده است. او کوشید ببیند اما نه جن را دید و نه نور مادون قرمز–ماورای بنفش را (چشمان ما تنها می توانند تشعشعات با طول موج بین ۳۸۰ تا ۷۴۰ نانومتر را ببینند. در زبان انگلیسی به این بازه طیف مرئی نور، visible spectrum of light گفته می شود)، نه ذرات ریز را دید، و نه همه امواج صوتی را شنید (گوش انسان امواجی را می‌تواند بشنود که فرکانس آنها بین ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ هرتز ارتعاش در ثانیه باشد. این محدوده را امواج صوتی گویند) او در محدوده ادراکات خود را دنیای پیرامونی خود را دید. گوئی یک عمر در خیال زندگی زیست. در زمین بود اما کویر را دید و چون حقیقت را ندید منکر شد و جمع منکرات جهنم شد. جهنم هم جای محرومیت از همه مواهب خدائی است. ندیدن این مواهب و متنعم نشدن از این مواهب اگر سوختن ندارد چه دارد؟

حس مردن بدترین

حس سوختن کمترین

کم نگفتند برترین

جای آدم بهترین

- از سه بهشت فوق (رضوان، نعیم و عالیه) که فاصله بگیریم می رسیم به بهشت ها/باغ ها/قصرهای معنوی و روحانی (دارالخلد، دارالماوی، دارالسلام، دارالمقام) که اهدائی خدا بر بهشتیان به تناسب درجه ایمان ایشان است. آیا انسان در بهشت مخلد شاهد دو زیست، دو لذت و دو جایگاه متفاوت است؟ آیا انسان در بهشت هم ییلاق و قشلاق سماوی دارد؟ این دو قریب و قرین هم هستند؟ همسایه دیوار به دیوار هم هستند؟ اعیانی–حیاط خلوت هم هستند؟ آیا با این دو بهشت یک فرد مومن راضی می شود؟ یا باز در دل آرزوی دیدن جنت خاص خدا (جنتی) را دارد؟ و هزاران پرسش و منظر دیگر در قیامت از آنها رونمائی می شود.
- اما شاید بشود برای تقریب افکار به جایگاه و موقعیت برخی امکان مقدسه اسلامی اشاره کرد که در همین دنیا مظهر جنت مکانی/جنت نشان هستند! پیش از معرفی این امکان ابتدا به سه روایات زیر اشاره می شود:

- پیامبر اسلام (ص): همانا خداوند چهار شهر را برگزیده است (وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِینِینَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ. سوره تین آیات ۳-۱) منظور از تین مدینه، زیتون بیت المقدس، طور سنین کوفه و بلد امین مکه است.
- امام علی (ع): چهار قصر بهشتی در این دنیا وجود دارد: مسجد الحرام، مسجد النبی، بیت المقدس، مسجد کوفه.
- امام باقر (ع): نماز واجب در مسجد الحرام، مسجد النبی، بیت المقدس و مسجد کوفه با ثواب یک حج و نافله در این مساجد با ثواب یک عمره برابری می‌کند.

در هر سه روایت آنچه که قابل تردید است اطلاق طور سینین به مسجد کوفه است. و چون بحث اینجا بحث ارزش گذاری به امکان مقدسه است یک اشتباه کوچک، یک خدشه بزرگ به روح آیات و روایات است. آیا مسجد کوفه قطعه بهشتی بر روی زمین است؟ یا نه تفسیر روشنی از آیات و روایات نیست؟

احتمال سوم اینکه این مسجد در مقایسه با دیگر مساجد دارای برتری های نسبی زیادی است و در آخر عرق مذهبی در این برداشت ها موثر بوده است. آنچه مسلم است هر مسجدی مسجد خداست. قدمت آن هرچه بیشتر تجلیل از آن بیشتر، همچنانکه نمازگزار هر مسجد بیشتر نورانیت آن بیشتر.

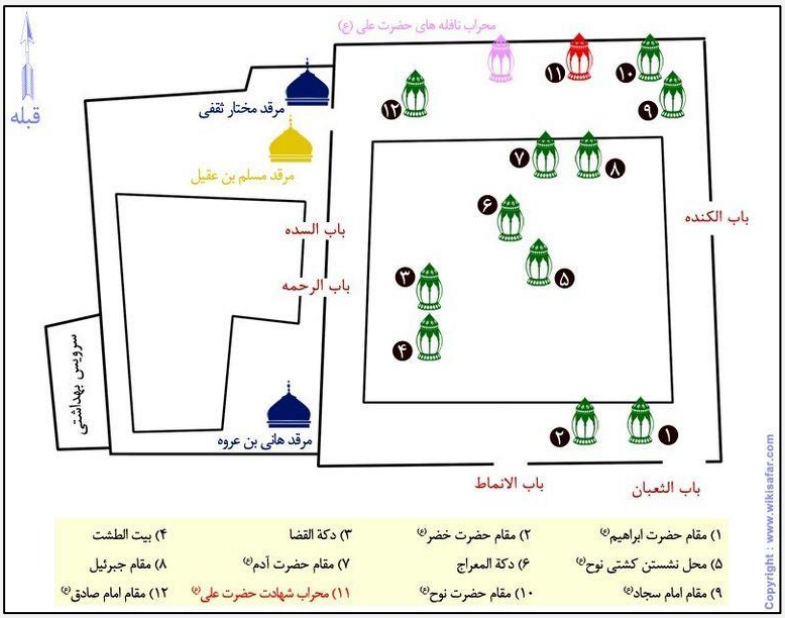
اما وقتی تفسیر دو سایت شیعی "دانشنامه اسلامی موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام" و "موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت" با تفسیر المیزان علامه طباطبائی با هم مقایسه می شود تفاوت دیدگاه ها بسیار فاحش است. به طور مثال دانشنامه اسلامی موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام به نقل از بحارالانوار تاکید دارد که "مسجد کوفه یکی از چهار مسجد بنام اسلام است".

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت از سوی دیگر می نویسد: "مسجد جامع کوفه، از مساجد بزرگ جهان اسلام و نزد شیعیان چهارمین مسجد مهم بعد از مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالاقصی و یکی از قدیمی ترین و مهمترین آثار زیارتی شهر کوفه است"(شکل ۵). مرحوم علامه می فرماید "مراد از کلمه تین (انجیر) و زیتون و میوه معروف است، که خدای تعالی به آنها سوگند یاد کرده، به خاطر اینکه در آنها فواید بسیار زیادی و خواص و منافعی سراغ داشته ولی بعضی دیگر گفته اند: منظور از تین، کوهستانی است که دمشق بر بلندی آن واقع شده، و منظور از زیتون کوهستانی است که بیت المقدس بر بالای یکی از کوه هایش بنا شده، و اطلاق نام دو میوه انجیر و زیتون بر این دو کوه شاید برای این بوده که این دو میوه در این دو منطقه می روید، و سوگند خوردن به این دو منطقه هم شاید به خاطر این بوده که عده بسیاری از انبیا در این دو نقطه مبعوث شده اند. و بعضی دیگر احتمال هایی دیگر داده اند و مراد از طور سینین، کوهی است که در آن خدای تعالی با موسی بن عمران تکلم کرد، که طور سیناء هم نامیده می شود، و مراد از هذا البلد الامین مکه مشرفه است".

اما چرا شیعیان به این مسجد دلبستگی دارند؟ زیرا معتقدند ۱) قبور مبارک حضرت نوح و حضرت ابراهیم اینجا قرار دارد، ۲) مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهر کوفه است، ۳)

مرقد سید الاوصیاء علی (ع) در آن قرار دارد. شایان ذکر است جسم مطهر آن حضرت دور از دسترس و در پشت شهر کوفه دفن شد. تا اینکه پس از سقوط دولت بنی‌امیه و متفرق گشتن خوارج در قرن دوم هجری و در عصر هارون‌الرشید، محل قبر آن حضرت علنی شد. اولین بارگاه و ساختمان مرقد علوی را هارون بنا نهاد. امروز فاصله بین نجف تا کوفه ۱۰ کیلومتر است. حضرت امیر هم چون همسرش حضرت زهرا وصیت کرد قبر او از چشم اغیار مخفی بماند. قبر او پس از ۱۵۰ سال آشکار شد اما قبر حضرت فاطمه برای همیشه مخفی ماند تا درس عبرتی برای نامسلمانی مسلمانان نادان باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه حساب کوفه/مسجد کوفه با اسرای کوفه باید مشخص و متمایز بشود. طبق منابع موجود سخنرانی های حضرت زینب کبرا، فاطمه صغرا و ام کلثوم در بیرون شهر و نه در مسجد کوفه بوده است. زیرا مردم کوفه وقتی فهمیدند اسیران کربلا وارد کوفه می شوند همه از کوفه بیرون رفتند تا اسیران را ببینند که مواجهه با سخنرانی های افشاگرانه آن بزرگواران خسته از رنج و زخم مسلمان- نماها شدند و وقتی عبیدالله بن زیاد والی کوفه سخنرانی حضرت زینب را برای خلافت یزیدی بسیار خطرناک دید دستور داد اسرا را در کوفه زیاد نگه ندارند و روانه شام بکنند.



شکل ۵ . مقامات مسجد کوفه. نام باب های این مسجد کمترین شباهت به باب های سه مسجد برتر دیگر دارد. پنج درب این مسجد عبارتند از باب الحجه (باب الرئیسی)، باب الثعبان، باب الرحمه، باب مسلم ابن عقیل و باب هانی ابن عروه.

بدین ترتیب، ۴ مکان مقدس و ۴ قطعه بهشتی روی زمین با در نظرگرفتن جمیع جهات از جمله علایق قلبی و فردی همه مسلمان به این امکان، همانا مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی و کوه سینا در شبه جزیره سینا می باشد.

اگر چنین باشد همه مسلمانان همچنانکه در نام ۴ بانوی برتر عالم (مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه) تردیدی به خود راه نمی دهند در مورد این چهار مکان مقدس هم باید به یقین کامل برسند و آرزو کنند از زائرین این امکان مقدسه باشند

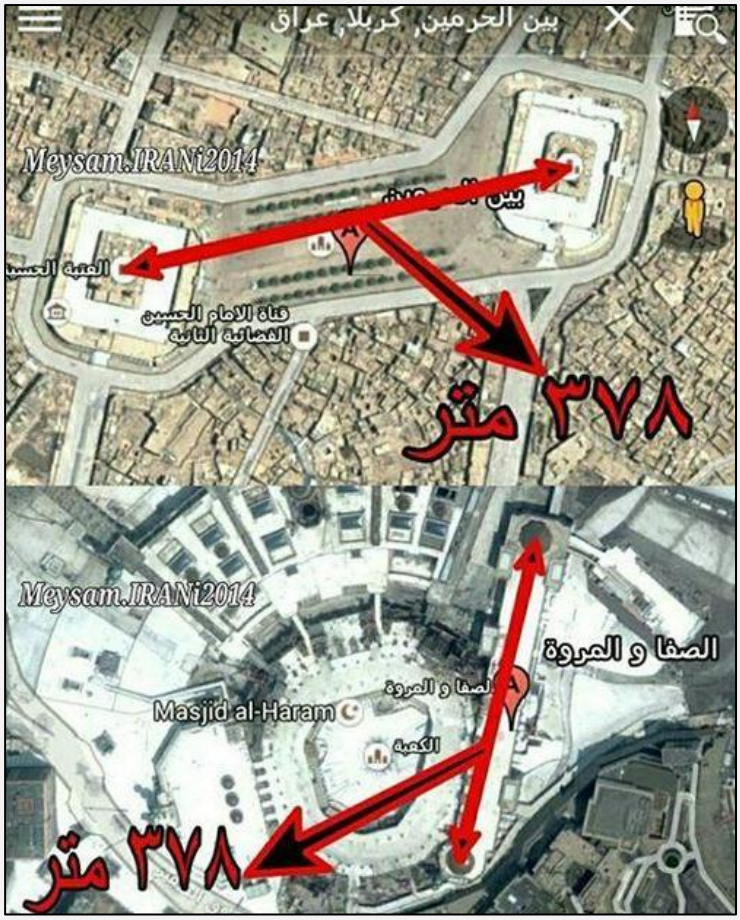
(اسلام دین جهانی یعنی همین). جالب است در بین زنان برتر عالم، آسیه متفاوت است و در بین امکان مقدسه عالم کوه طورا! و این یک امر اتفاقی و بر حسب تصادف نیست.

❖ جای دارد با آشکار شدن نام ۴ مکان مقدس به جنتان زمین هم اشاره شود. بعضی عکسها در این مورد بسیار گویا هستند. بطور مثال، عکس مسجد الاقصی و مسجد (قبه) الصخره در شهر بیت المقدس (شکل ۵):



شکل ۶. دو بنای بهشتی بیت شریف در شهر بیت المقدس: ۱) مسجد الاقصی که قدیم ترین مکان مقدس و قبله اول ادیان ابراهیمی است. این مسجد گنبد طلائی ندارد اما تاریخ طلائی دارد. ۲) قبه الصخره که غالبا با بنای مسجد الاقصی اشتباه گرفته می شود. اتفاقا گنبد طلائی دارد. قبلا به صورت یک ثپه صخره ائی بود. با فتح بیت المقدس توسط مسلمانان، مسجد الصخره روی آن ساخته شد و صخره ائی که شب معراج حضرت رسول (ص) از روی آن به معراج رفته بود در داخل مسجد قرار گرفت (مراجعه شود به مقاله شرح معراج نبی اکرم و مکرم (ص)-حوادث قبل و بعد از آن در همین سایت).

❖ خود کعبه که به تنهائی جنتان است. با هریک از امکان مقدسه جنتان است. بطور مثال با حجر الاسود، با صفا و مروه (شکل ۵)، با عرفات، با مسجدنبی، با حرمین شریفین و بین الحرمین.



شکل۷. موقعیت جغرافیائی کعبه با صفا و مروه و مقایسه فاصله مشترک آنها با بین الحرمین در کربلا. صفا و مروه، علم برای دو کوهی است که در ضلع شرقی مسجدالحرام در محلی به نام مسعی و با فاصلهای حدود ۳۹۵ متر رو در روی یکدیگر قرار گرفته است.

❖ مسجد النبی و قبرستان بقیع (شکل ۸) :



شکل ۸. بقیع یا جنت البقیع نخستین و کهن ترین گورستان اسلامی مدینه که در ناحیه شرقی مسجد النبی و تقریبا در فاصله ۲۰۰ متری آن قرار دارد. این جنت زمین محل دفن بزرگ بزرگان است. از ۴ امام معصوم (حسن مجتبی، علی بن حسین، محمد باقر و جعفر صادق)گرفته تا

فاطمه بنت اسد مادر علی و عباس عموی پیامبر. ام‌البنین همسر علی و مادر ابوالفضل، صفیه و عاتکه عمه‌های پیامبر، تمامی همسران پیامبر به استثنای حضرت خدیجه که در قبرستان ابیطالب مکه دفن است (سلام بر این بانو بزرگوار که کارش تک بود. محل دفن اش هم تک است)، ابراهیم پسر و دختران پیامبر زینب، رقیه و ام‌کلثوم (قبر حضرت فاطمه زهرا نامشخص است اما ته دل من می گوید در جوار پدر است)، تعدادی از شهدای احد، و بسیاری از صحابه پیامبر اسلام.

- در روایت شیخ قرطبی از حضرت علی (ع) آمده است که خداوند بهشت را بر روی زمین (یعنی یک سطح) قرار داده است.

متاسفم بنویسم هر چقدر هم که ماکت امروز مسجدالحرام زیبا و مهندسی ساز باشد و هزینه بازسازی حرم امن الهی به میلیاردها دلار برسد طراحی جدید آن را نه مسطح که به صورت طبقات است! **از این رو خجالت می کشم بنویسم مهندسی طرح و توسعه بنای مسجدالحرام که حریم خانه خداست با مهندسی بهشت و فضای بهشتی ساخته نشده است!!** عکس هائی برای این منظور انتخاب کردم اما فعلا برای این مقاله درج نکردم تا بیش از این رنجور این نگاه نباشم. انشاءالله در فایل"سفر روحانی من به حج تمتع ۱۳۹۳- قسمت دوم"مفصل تر از قسمت اول به آن خواهم پرداخت.

در فایل "سفر روحانی من به حج تمتع ۱۳۹۳- قسمت اول آوردم که"خانه خدا آپارتمان چند طبقه شده است! درحالیکه می توانستند یک بهشت زمینی با تاسسیات مدرن گلخانه ائی بوجود بیآورند.." منتها همه چیز هنر می خواهد و فعلا مسلمانان/حکام مسلمان از آن محروم اند.

- بهشت دارای درجه ها و رتبه هایی است که برخی بر برخی دیگر برتری دارد و دارای جایگاه هایی است که از یکدیگر متمایزند (خطبه ۸۵ نهج البلاغه).
- پس اگر با دیده دل به آنچه از بهشت برای تو وصف شده است، نگاهت را بدوزی، جان تو از آنچه از دنیا همچون شهوت ها و خوشی ها و زیورها و منظره های دل انگیز و زیبای آن که برای تو آفریده شده است، بیزاری جسته و با اندیشیدن در صدای برگ های درختانی که در اثر وزش نسیم پدید می آید و ریشه های آن درختان در درون تپه هایی از مشک بر ساحل جوی های بهشت پنهان گردیده است، و نیز با اندیشیدن در خوشه های مروارید و شاخه های تر و تازه آن و ظاهر شدن آن میوه ها به صورت های گوناگون، در پوست شکوفه های آن درختان، جان تو حیران و سرگردان و از خود بیخود می‌گردد. اندیشیدن در آن میوه هایی که بدون زحمت چیده شده و به آن گونه که چیننده بخواهد، حاضر می شود و برای ساکنان آن در گرداگرد کاخ های آن، عسل های صاف و خالص و شراب های تصفیه شده به چرخش در می آید.

اهل بهشت گروهی هستند که همواره بزرگواری شامل آنان شده تا اینکه به سرای آرامش بهشت جاوید رسیده و از نقل مکان ها و سفرها آسوده گردند.

پس ای شنونده! اگر دل خود را از هر چیزی بازداشته و به رسیدن به آن منظره های شگفت انگیز مشغول گردانی، جان تو در اشتیاق بهشت پرواز نموده و برای تعجیل در رسیدن به آن، مجلس سخنرانی مرا رها نموده و همسایگی به گور خوابیدگان را برخواهی گزید. خداوند ما و شما را از کسانی قرار بدهد که با رحمت خداوند و با تمام وجود برای رسیدن به جایگاه نیکان، تلاش می نمایند (خطبه ۱۶۵ نهج البلاغه).

- حاضر شدن میوه در برابر مومن بدون دست بردن به سوی آن حکایت از جاذبه دیگر دارد. گوئی خود مومن در بهشت یک جاذب کامل است. یک جاذبه کوچک است. جاذبه بزرگ خداست. میقات، گرفتن همه پیام ها، همه سروش ها و همه نعمات بهشتی است. میقات بزرگترین جاذبه روز قیامت است.

غار ندارد آب دارد

خاک ندارد تاک دارد

خواب ندارد نای دارد

جان جانان دارد

یار یاران دارد

جنت جهان دارد

جنت جوان دارد

روز از نو روزی نو دارد

کیوان و عطارد دارد

هر خوان سرخوان خود دارد

سرکار خود دارد

این زمان کجا دارد

روح اعظم خدا دارد

کل امر بجا دارد

- و هیچ نیکی بهتر از نیکی دیگر نیست، جز پاداش خداوند و هر چیزی از نعمت های دنیا شنیدنش بزرگتر، مهم تر و با عظمت تر از دیدن آن و هر چیزی از آخرت، دیدن آن، بزرگتر از شنیدنش است. **نعمت های دنیا وصفشان بهتر از دیدنشان، ولی نعمت های آخرت دیدنشان بهتر از وصفشان است**؛ پس هم اکنون که در دنیا زندگی می کنید و شما را یارای دیدن نعمت های آخرت نیست، به شنیدن نعمت های آخرت به جای دیدن نعمت های آن و نیز به خبرهای غیبی از جهان رستاخیز به جای دیدن آنچه که اکنون از دیدگان شما پنهان است، بسنده کنید و بدانید آنچه از دنیا کاهش یافته و بر آخرت افزوده گردد، بهتر است از آنچه که از آخرت کاهش یافته و بر دنیا افزوده گردد (خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه).

❖ بطور قطع یقین بالاتر از سخنان فوق سخنی نیست. همه گفته های آن حضرت از محکمات است. بهشت طبقات ندارد. جنات همسطح هستند و آنچه بهشتیان را متمایز می کند بهشت های متفاوت ایشان است.

❖ نعمت های دنیا وصفشان بهتر از دیدنشان، ولی نعمت های آخرت دیدنشان بهتر از وصفشان است. گوئی علی (ع) در همین زمین آنها را می دیده و می بوئیده است.

❖ اگر چنین به قرآن نزدیک نمی شد چنین فرمایشات گوهرباری نداشت.

❖ شکر نعمت علی، خواندن نهج البلاغه علی و عمل به تک تک دستورات ایشان است.

- اجمالا بهشت ده ها نام، ده ها درب، ده ها درجه و ده ها گروه مشمول دارد. انبیا و اوصیا اگر هم مستند نباشد مستدل هست، مشهود است بعنوان پاک ترین افراد در مقرب ترین مکانها و جنات قرار دارند. قسمت بشود بهشتیان با ایشان در مناسبت هائی ویژه متفاوت از آنچه در دنیا برگزار می شود ملاقات کنند و با هم در مواقعی به دیدار خدا بروند و یا در محضر خدا حضور بهم برسانند و با نور اخذ شده مدتها از لذت دیدار مشعوف بشوند (نظر شخصی). چرا که بهشت بی دیدار خدا (لقاءالله) و بندگان خاص او معنائی ندارد. لقاءالله به فرمایش علامه طباطبایی قرار گرفتن بنده در موقف و جایگاهی است که میان او و پروردگارش حجاب و پرده ای نباشد، چنان که شأن روز قیامت چنین است؛ زیرا قیامت، ظرف ظهور حقایق است.

اما چرا فرق اسلامی در این موارد اینقدر اختلاف نظر دارند زیرا ردپای آن را در خود و در کتاب خود و در قرآن خود پیدا نمی کنند. طبق جدول ۳ مشترکات اسامی جنات و ابواب آن در بین فرق و مذاهب معنی دار است. بطور مثال در مورد شیعیان روایات ما حداقل ۵۰٪ اختلاف با نقشبندیه و ۶۰٪ اختلاف با روایت بلال به نقل از پیامبر (ص) دارد. البته بعید است اسامی منابع شیعی مورد پذیرش مسلمانان دیگر نباشد چرا که اساس مسلمانی ما وجود همین اسماء است.

اما برای من بابهای ذکر شده توسط بلال وجدآفرین است. خیلی راحت نمی توان از اسامی چون باب الرحمه و باب الاعظم گذشت. این درها آسمانی ترند، قابل دسترسی ترند. جامع ترند، هرکس با کمترین عمل خوب می تواند از این دو در سبز خدا بدون بازرسی بگذرد.

در صبر و در شکر دو درب امید و آرزوهاست. حتما و حتما این اسماء آسمانی از زبان مبارک رسول الله اعظم جاری شده است. درب بلا برای من نامفهوم است زیرا بیشتر به درد ابواب جهنم می خورد! مگر این در مختص سخت عبور کنندگان باشد!

ردیف	ابواب هشتگانهٔ بهشت از دید اهل تشیع	ابواب هشتگانهٔ بهشت از دید طریقه نقشبندیه (اهل سنت)	ابواب متفاوت بهشت از دید دیگر فرق اهل سنت	ابواب چندگانه بهشت به نقل از بلال

۱	**باب المجاهدین (مجاهدین فی سبیل الله)** در نهج البلاغه: فَإِنَّ الجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ- پس به راستی که پیکار در راه خدا، دروازه ای از دروازه های بهشت است که خداوند آن را برای دوستان مخصوص خود گشوده است.	**باب الجهاد** (مشترک با اهل شیعه)	بسیاری از این باب ها مورد تائید ایشان هم هست (اسلام کوئست نت)	**باب الرحمة**
۲	**باب المصلین** (برای نماز گزاران)	**باب الصلاة** (مشترک با اهل شیعه)	**باب ضحی** (نماز بعد از طلوع آفتاب تا قبل از زوال خورشید. متفاوت از همه)	**باب الاعظم** (در بندگان صالح، اهل زهد و ورع و راغب و مانوس با خدا)
۳	**باب الصائمین** (برای روزه داران)	**باب الریان** (سیراب کننده روزه داران) (مشترک با اهل شیعه)		
۴	**باب الصابرین** (صبر کنندگان)	**باب الصدقه**		**باب الصبر** (مشترک با اهل شیعه)
۵	**باب الشاکرین** (شکر گزاران)	**باب الراضین** (راضی به رضای خدا)		**باب الشکر** (مشترک با اهل شیعه)
۶	**باب الذاکرین** (یاد آوران خدا)	**باب الکاظمین الغیظ** (آنان که خشم خود را فرو می برند)		**باب البلاء** درب مصیبت ها و مرض ها)
۷	**باب الحاجین** حج کنندگان)	**باب التوبه**		
۸	**باب اهل المعروف** (نیکوکاران)	**باب الأیمن**		

جدول ۳. ابواب بهشت طبق احادیث و روایات (در قرآن این اسامی بعنوان دربهای بهشت نیآمده است).

توصیف جهنم و ابواب آن از منظر قرآن و روایات:

- دست مسلمان و کافر در این باره باز است. از بس آمار و ارقام آن دقیق است و از بس دلواپسی ها از ناحیه جهنم زیاد است! **باید هم چنین باشد زیرا قهر خدا جدی است و شدت عقاب کاری است. کافران تا می بینند آنها را نه با سلام و صلوات که با راندن فوج فوج به سوی جهنم می برند (زمر/۷۱) حساب کار خودشان را می کنند و آنی مومن (غافر/۸۴) می شوند. اما چه سود که این ایمان، ایمان روز اضطرار است و نه ایمان اعتقاد.**

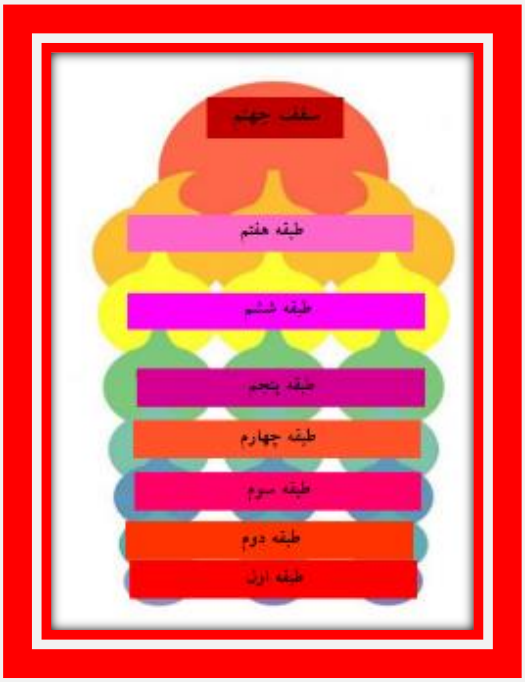
- اگر بهشت یکی نیست، جهنم هم یکی نیست. زیرا اعمال افراد یکی نیست. جهنم یکی از معروف‌ترین نام‌های دوزخ است که ۷۷ بار در قرآن مجید تکرار شده است.

- جهنم مکانی است که هفت طبقه یا هفت در دارد (آیه۴۴ سورهٔ مبارکهٔ حجر لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ- که برای آنجا هفت در است). به این موضوع در سوره‌های حجر آیه ۴۴، نحل آیه ۲۹، زمر آیه‌های

۷۱-۷۳ و مومن آیه ۷۶ اشاره شده است. اما در هیچ کدام از آنها بیان نشده که مراد از ابواب چیست؟ شاید دلیل آن این باشد که در بسته ندارد. در گشوده اما از جهنم گریزان ها دوباره به جهنم برگردانده می شوند:

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ- و اما آنان که سر از طاعت حق کشیده و فاسق شدند منزلگاهشان در آتش دوزخ است و هر چه کوشند و خواهند که از آن آتش بیرون آیند باز (فرشتگان عذاب) بدان دوزخ برگردانندشان و گویند: عذاب آتشی را که (در دنیا) تکذیب می‌کردید اینک بچشید (سجده/۲۰).

- اما چرا اطلاق طبقه به جهنم واردتر و مقبول تر است؟ از قول علامه طباطبائی نوشته اند وقتی معنای صحیح می‌دهد که "باب" به معنای طبقه باشد نه در ورودی (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۵۱). یا از امام فخر رازی در تفسیر آیه ان المنافقین فی... آمده است ظاهر این تعبیر قرآنی این است که جهنم دارای طبقاتی است و ظاهر این است که سخت‌ترین طبقات جهنم همان طبقه پایین است.
- باز آورده اند درهای جهنّم در عرض هم نیست بلکه در طول هم است، بعضی بالای دیگری قرار دارد (شکل ۹).



شکل ۹. طبقات فرضی دوزخ در ابعاد مینیاتوری. الگو برداری شده از اشکال مربوط به رده بندی موجودات! این برج هفت طبقه با چه وسعت ضامن بهشت افراد است. کار خدا هل دادن افراد به این مکان نیست. دور کردن از آن و هدایت به بهشت است. مگر گمراهان قسم خورده که لایق آن هستند. اگر قرار بود جهنمیان با درجاتی از مجازات های مختلف چون بهشتیان روبروی هم می نشستند و شاهد زجر کشیدن هم بودند آن جهنم برای جهنمیان کم گناه آرامش بخش تر و برای مخلدین فی عذاب الله الی الابد دردناک تر بود.

- بنظر من ساخت جهنم با هفت در و هفت طبقه در یک سانتیمتر مربع هم امکان پذیر است. تمام ارواح خبیثه را می توان در چنین مکانی جا کرد. آتش را هم که با خود می برند! همچنانکه بهشتیان نور را با خود به آن دنیا می برند. یک تدارکی از مجازاتهای مختلف طلب می کند که آنهم سخت نیست. زیرا مجازات کردن سخت نیست. متنعم کردن سخت تر است. بهشت ساختن هنر است. جهنم ساختن بی –هنری جهنمیان است.

- در فایل نقشبندیه آمده است: مفسرّان بر اساس قولی از حضرت علی ابن ابی‌طالب ـ کرّم الله وجهه ـ در تفسیر این آیه، مراد از ابواب را طبقات دانسته‌اند و بنابر این جهنم دارای هفت طبقه است. بر پایهٔ روایت دیگری که شیخ قرطبی آن را در تفسیر خود نقل کرده، حضرت علی (رض) فرموده است: ابواب جهنّم بر روی همدیگر قرار گرفته‌اند و یکی از دستهای خود را بر روی دست دیگر قرار داده تا نشان دهد که طبقات جهنّم (که از آنها به عنوان ابواب یاد شده) روی هم قرار گرفته‌اند. در حدیث دیگری از امام علی (ع) آمده است: جهنم هفت در دارد؛ بعضی فوق بعضی دیگر قرار دارد وقتی اولی پر شد، دومی را پر می‌کنند، آن گاه سومی را تا همه‌اش پر شود.

- نظر علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل آیه۴۴ سورهٔ مبارکهٔ حجر لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ– که برای آنجا هفت در است و برای هر دری بخشی معین از آنها اختصاص یافته): معنای آیه که خداوند به آن داناتر است این است که جهنم دارای هفت نوع عذاب است و هر نوع آن به مقتضای وارد شوندگان، برای خود چند قسم دارد و این مطلب خالی از دلالت بر این نیست که گناهانی که مستوجب آتش است هفت قسم هستند، و طرقی نیز که آدمی را به گناه می کشاند نیز هفت قسم است و در تأیید این معنا گفتیم، مراد از هفت باب، هفت نوع و هفت درجه از عذاب است.

- مرحوم ملاصدرا در کتاب نفیس حکمت متعالی ج ۹ در فصل ۲۶ ص ۳۳۰ در خصوص ابواب بهشت و جهنم می نویسد نظرات مختلفی وجود دارد و او این قول را ترجیح می دهد: این ابواب مربوط به خود انسان و ادراکات هفت گانه اوست که شامل: حواس پنج گانه و دو حس باطنی، یعنی خیال و وهم، که یکی از آنها مدرک صورت و دیگری مدرک معانی جزتبه است. این ابواب اگر در اطاعت و بندگی خدا به کار گرفته شود ابواب دخول به بهشتند و اگر در انقیاد نفس و اطاعت شیطان باشد ابواب دخول به جهنم اند. بهشت اختصاصا باب هشتمی نیز دارد و آن باب قلب است (وبسایت معارف).

طبقات/درجات/نام های جهنم:

- در قرآن نامهایی برای جهنم گفته شده است از جمله: سَقَر، سَعیر، حَجیم، حُطَمهٔ، هاوِیه، لظی، أثام، سجّین.

- جهنم هم اسم دیگر دوزخ است و هم طبقه ائی از طبقات دوزخ.

- دو نظر متفاوت در مورد قرار گرفتن طبقات آن ارائه شده است (مشکلات آپارتمانی آن دنیا!! مشکلات حل جداول سرگرمی این دنیا!!). در روایات اهل تشیع ترتیب اسامی طبقات متفاوت و متباین است. ظاهرا تاکید اهل تسنن بر درجات جهنم است. دو نقل قول معتبر از طبقات جهنم در منابع شیعی:

۱. طبقه نخست جهیم، بالای آن لظّی، فوق آن سَقَر، فوق آن حُطَمه، فوق آن هاویه، فوق آن سعیر و فوق سعیر، جهنم است (به نقل از امام باقر (ع).

۲. طبقه زیرین همه جهنم، بالای آن لظّی، روی آن حُطَمه، بالای آن سَقَر، و فوق آن جحیم، فوق آن سعیر و فوق سعیر، هاویه است (به نقل از امام علی (ع).

- از آنجائیکه طبق روایات از امام علی (ع) و امام باقر (ع) جهنم هم اسم دیگر دوزخ و هم طبقه ائی از دوزخ است پس جهنمی ترین طبقه دوزخ همین طبقه جهنم است که در قعر جهنم قرار دارد و راه نجاتی بر آن نیست.

- مشکل مردان و زنان منافق در این دنیا و آن دنیا چند جانبه است. از یک طرف ظاهری مسلمان و مومن دارند اما در باطن دلی مملو از کفر و الحاد دارند. لذا هم این دنیا و هم آن دنیا قابل تشخیص اند. روز قیامت این تمییز بسیار مشهود است زیرا به چشم می بینند **مردان و زنان با ایمان را نورشان پیش رو و از جانب راستشان شتابان حرکت می کند (حدید/۱۲) وچون وجود خود را در ظلمت کامل می بینند از مومنین می خواهند: در رفتن به سمت بهشت زیاد شتاب نکنند تا ایشان هم فرصتی پیدا کنند تا از نور مومنین پرتوی برگیرند. اما پاسخ مومنین به آنها صریح است: واپس گردید (یعنی اگر می‌توانید به دنیا بازگردید) و از آنجا نور طلبید** (معلوم می شود نور به یکباره زاده نمی شود. بلکه در خود دنیا و با اعمال درست هر فرد ساخته می شود: ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و برای شما نوری قرار دهد که به برکت آن راه سپرید و بر شما ببخشاید و خدا آمرزنده مهربان است (حدید/۲۸). **پس از این مکالمه، میان آنان دیواری کشیده می شود که دارای دری است، درونش [که مؤمنان در آن درآیند] رحمت است و بیرونش که پیش روی منافقان قرار دارد عذاب است (حدید/۱۳). دو رویان ندا سر می دهند: آیا ما با شما نبودیم؟ می‌گویند: چرا، ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما را غرّه کرد و فریب شیطان را خوردید (حدید/۱۴).** در آیه ۸ سوره تحریم خداوند متعال تصویر کامل تری از نورانیت آن روز نبی اکرم (ص) و مومنین می دهد. در آن روز هم پیامبر (ص) و هم مومنین وی صاحب نور از جلو و از کنار سمت راست خود می شوند و به همین هم رضایت نمی دهند و از خدا می خواهند آن نور را برای ایشان کامل کند.

.....يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ– آن روز (قیامت) خدا پیامبر [خود] و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی گرداند

نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است می گویند پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای که تو بر هر چیز توانایی (۸).

این درخواست کجا و درخواست منافقین کجا؟

آنها یک چند ثانیه زیر سایه نور مومنین می خواهند و اینان نور نصف و نیمه خود را کامل می خواهند که از هر جهت و بر هر جهت کامل بدرخشند.

بدرخشند و بگویند که ما هستیم

ما زیر سایه وعده خدا هستیم

نور را بر ما تابانده ما نور هستیم

نور کامل او، ما هستیم

ما در خانه او نوران هستیم

من از خانه خود خانه خدا هستیم

خانه تابنده به ما ما هستیم

ما نداریم جز نور خدا ما هستیم

توصیف طبقات جهنم بودن با در نظرگرفتن ترتیب آنها:

طبقه جهنم: جائی است که فلق در آن جای دارد و آن چاهی در جهنم است که وقتی گشوده شود، آتش شعله ور می‌گردد و آن شدیدترین درجه عذاب آتشین است.

طبقه لظی: حرارت آتش در این درجه، دست و پا و پوست سر را می‌کند و می‌برد و کسانی را که به فرمان خداوند پشت کرده و اموال را جمع و ذخیره کرده بودند به سوی خود می‌خواند.

طبقه حُطَمَه: آتشی خرد کننده است و از آن شراره‌هایی به بزرگی کاخ، پرتاب می‌شود که گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زرد رنگی هستند که به هر سو پراکنده می‌شوند! هر کسی که به سویش روانه شود مانند سرمه سیاه می‌گردد.

طبقه سَعیر: در آن سیصد خیمه از آتش است و هر خیمه‌ای دارای سیصد قصر از آتش است و در هر قصری سیصد خانه از آتش است و هر خانه‌ای سیصد نوع از عذاب آتش است که در میان آن خانه‌ها، مارها و عقرب‌هایی از آتش و نیز غل‌ها و زنجیرها و طوق‌هایی از آتش است.

طبقه سَقَر: در آن آتشی است که نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه چیزی را رها می‌کند؛ پوست تن را به کلّی دگرگون می‌سازد؛ نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده‌اند.

طبقه جحیم: ساکنان دوزخ در این طبقه روی سنگ‌هایی سخت می‌ایستند و جمجمه و مغز آنان از شدّت حرارت به جوش می‌آید.

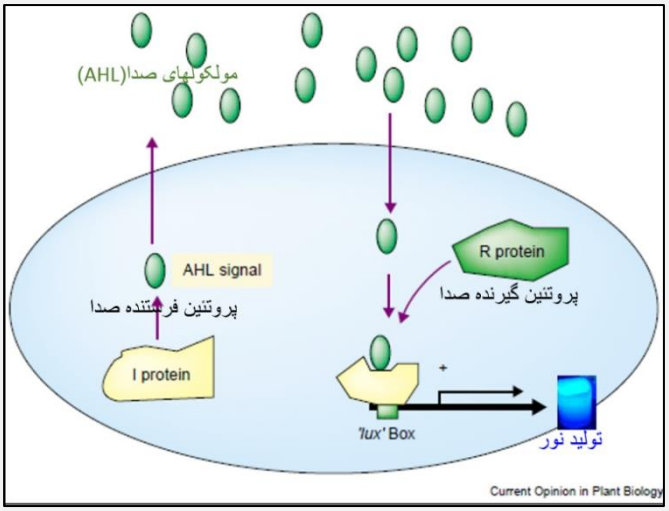
طبقه هاویه: جهنّم و سقوط به اسفل سافلین است که در آن گروهی ندا می‌دهند: ای مالک (نام فرشته ائی از فرشتگان نگهبان جهنم)، به فریادمان برس. هنگامی که مالک برای فریاد رسی آنان می‌آید، ظرف‌های زردی از آتش پیش رویشان قرار می‌دهد که در آن، آب بد بوی متعفّنی است که پوست‌های بدنشان از گرمای زیاد آن همچون فلز گداخته می‌شود، به محض این که ظرف آتشین را بلند می‌کنند تا از آن بیاشامند، گوشت صورتشان از شدت گرمای آن در آن ظرف می‌ریزد.. مصداق عینی این آیه (سوره کهف آیه ۲۹): وَ إِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغاثُوا بِماءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرابُ وَ ساءَتْ مُرْتَفَقاً– و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می‌آورند که همچون فلز گداخته، صورت‌ها را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی و چه بد محل اجتماعی است. کسی که در آن بیفتد هفتاد سال در آتش فرو می‌رود و هر قدر پوستش که بسوزد پوست دیگری جایگزین آن می‌شود.

انطباق مفاهیم علمی با موضوع جهنم و بهشت:

- دو پدیده حدنصاب حسگری (quorum sensing) و بیوفیلم (biofilm) از پدیده های شگفت آوری هستند که برای من در درک مفاهیم مختلف از جمله مسائل فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی و در این مقاله ادراک معنای بهشت و جهنم الهام بخش بوده اند. در اینجا ضمن تعریف این دو پدیده و پدیده های مشابه به مقایسه های مختلف خود برای نزدیک کردن دنیا و آخرت می پردازم.

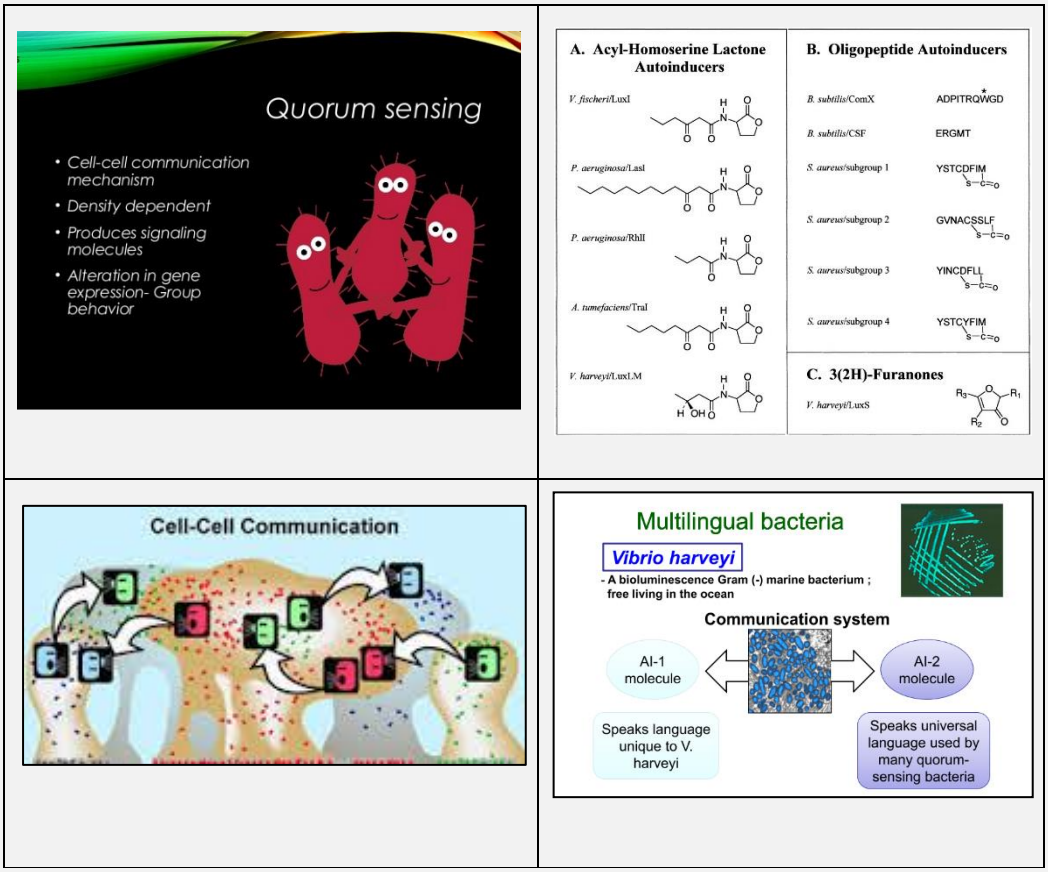
۱. حدنصاب (quorum) چیست؟حدنصاب حسگری (quorum sensing)چیست؟

- در بین انواع مختلف باکتریها معدود باکتریهای دریائی هستند که با حدنصاب حسگری خود که با هم صحبتی سلولهای منفرد با هم بدست می آید و با پیغام و پسغام های بین خود متوجه حدنصاب جمعیت مطلوب و به اندازه کافی خود می شوند تولید نور می کنند (نورزائی جمعی و نه فردی). باکتریهای همزیست از آن برای تثبیت ازت در گیاه و باکتریهای بیماریزا از آن برای ایجاد بیماری استفاده می کنند. اگر به هر دلیلی سیگنال فرستنده (پروتئین I) به گیرنده سیگنال (پروتئینR) سلول نرسد، پروتئینR سلول تغییر ساختار داده و تجزیه می شود. خود سلول هم که فاقد سیگنال است محکوم به مرگ است (شکل ۱۰).



شکل ۱۰. تولید نور با مکانیسم عمل حدنصاب حسگری (جنبه مثبت این پدیده):
تعامل دو پروتئین I (فرستنده صدا) و R (گیرنده صدا) بر روی لوکس باکس مولد نور (lux box) دی ان آی سلول موجب تولید نور در باکتریهای مولد نور می شود.

- این مطلب در مقاله "نماز جعبه نور lux box نماد اسلام"و مقالات متعدد دیگر من در همین سایت بارها تکرار و از ابعاد مختلف تشریح شده است.
- البته پدیده های جایگزین جدیدی هم برای این پدیده تعریف کردند از جمله پدیده حس انتشار (diffusion sensing) و حس تاثیر (efficiency sensing) که تلفیق دو مدل حدنصاب حسگری و حس انتشار (diffusion sensing) است که از تشریح موارد جدید احتراز می شود.
- اجمالا حدنصاب حسگری (quorum sensing) شیوه ساده همصحبتی تک تک سلولهای ابتدائی (غالبا باکتریها) با هم برای درک محیط اطراف خود، شمردن جمعیت خود و همکاریهای مشترک است. با این مکانیسم تک تک سلول هائی باکتریائی این توانائی را پیدا می کنند که با هم، هم صحبت بشوند. و با اینکه در طبیعت به صورت سلولهای منفرد زندگی می کنند اما برای همکاریهای مشترک (ایجاد بیماری، همزیستی و غیره) از وسیله زبان که به صورت سیگنالهای کوچک مولکولی هستند استفاده می کنند.
- بعضی گونه ها بیش از یک زبان بلد نیستند اما تعدادی مسلط به چند زبان اختصاصی (خودی) و غیر اختصاصی (غیرخودی/عمومی) هستند. هرچه اعضای یک گونه زبان بیشتری بدانند کارآئی جمعیت آن گونه بیشتر می شود (مجموعه اشکال ۱۱). تا دیروز حضرت سلیمان زبان مورچگان و پرندگان را می دانست امروز دانشمندان با شناخت از ماهیت صدا/زبان باکتریها و قارچها و دیگر موجودات بفکر کنترل بیماریهای باکتریائی هستند. شاید هم فردا دانشمندان بتوانند از طریق صدا شبیه سازی صورت افراد متوفی بکنند!



اشکال۱۱. نحوه هم صحبتی چند سلول باکتری با هم. در شکل بالا سمت چپ سه باکتری دست در دست در فکر کار مشترک هستند. این شراکت بوجود نمی آید مگر سیگنالهای مشابه (صدای واحد) بین باکتریها رد و بدل بشود(شکل پائین سمت چپ). در شکل بالا سمت راست ساختمان مولکولی انواع سیگنالها یا صداهای باکتریائی را نشان داده شده است. شکل پائین سمت راست یک باکتری دریائی را نشان می دهد (*Vibrio harveyi*) که مسلط به چند زبان باکتریائی است (دو زبان معروف او AI-1 و AI-2 است).

- همانطوریکه در بالا آمد در بین باکتریهای مولد نور اگر به هر دلیلی سیگنال یا صدای فرستنده (پروتئین I) یک سلول باکتری به گیرنده سیگنال(پروتئینR) سلول باکتری مجاور نرسد ارتباط بین آن دو سلول قطع و پروتئین R سلول، تغییر ساختار داده و تجزیه می شود.

چنین باکتریهائی بدلیل قطع رابطه و عدم تبادل سیگنال قادر به ادامه حیات و انجام کارهای مشترک نخواهند بود و سرنوشت محتوم آنها هلاکت و از بین رفتن است. این در مورد رابطه انسان با خدا هم صدق می کند. قابل توجه کسانی که رابطه خود را با خدا کاملا قطع می کنند و یک پرده نازک هم باقی نمی گذارند بماند تا در روز مبادا راه اتصال و رابطه سیگنالی برقرار شود.

یک انسان مومن کسی است که نه با یک زبان بلکه با چند زبان (زبان مادری، زبان دعا، زبان عبادت، زبان اخلاص، زبان ایثار، زبان خدمت، زبان محبت و از همه مهمتر زبان نماز) با خدای خود رابطه برقرار بکند و در همه مواقع به کمتر از تولید نور در زبان و عمل خود رضایت ندهد.

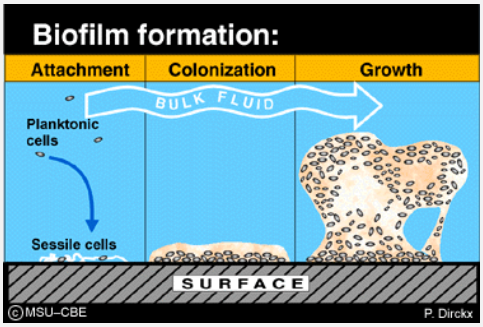
بدانیم تولید نور در خدمات اجتماعی و عبادات جمعی ویژه است. حضور جمع ضامن تولید نور و نور بیشتر است. ارکان تولید نور عبارتند از: ۱) داشتن یک سیگنال دهنده و یک سیگنال گیرنده، ۲) وجود فضای معنوی، محبت و برادری (اکسیژن)، ۳) سالم بودن و فعال نگهداشتن فرستنده ها و گیرنده ها، ۴) نفرستادن سیگنال های معیوب و فرستادن سیگنالهای سبز، ۵) نظارت دقیق بر عملکرد هوشمند این مدارسیگنالی، ۵) بازبینی ارکان آن بطور روزانه، ۶) فرستادن سیگنالهای اختصاصی (من و خدا به جای من ها و ماهای زیاد بعنوان خدایگان آشکار و پنهان خود در برابر خدای خود)، ۷) ارسال سیگنالهای فردی و جمعی بطور مرتب و در خفا و آشکار در هر موقعی از روز و شب، ۸) و بالاخره در صورت علاقمندی به برگزیده شدن در بین مردم، داشتن کلام خدا و تولید نور جاویدانی برقراری رابطه دائمی و مستمر با خدا از طریق ذکر است "وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُون- یاد و ذکرخدا بالاترین است چرا که او می داند شما با این کار چه می کنید (سوره عنکبوت آیه ۴۵).

ذکر اخیر از باب تذکر است که در مکاتبات روزانه از آن به صورت "قابل ذکر است یا شایان ذکر است" استفاده می کنیم. محدود به اذکار مربوط به نماز نمی شود، اما آبشخورش نماز و ریشه اش قرآن است. بنابراین ذکر به معنی واقعی با نماز و نه بدون نماز است. در قرآن و نه خارج از قرآن است.

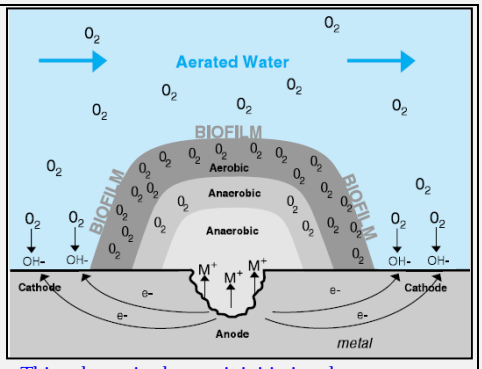
کل قرآن ذکر و خود پیامبرگرامی مذکر است (فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنت مُذَكِّرٌ). دو طرفه است (ذکر ما-ذکر خداست/ یاد من- یاد تو است). شامل قلم و قدم می شود. رو به تکامل است. ظهور و بروز درونی و بیرونی دارد. متاسفانه در این مورد بخصوص هم وضع ما مسلمانها بسیار دراماتیک است. درحالیکه باکتریها از این سیگنالهای کوچک و نادیدنی و در حد مولکول در اشکال مختلف از جمله مکالمه های یک طرفه، دو طرفه، چند طرفه، برای مسافت های نزدیک و دوردست ها استفاده می کنند. بعضا هم از این سیگنالها برای رساندن خبر تاسف بار و یا برای فریب و گمراهی دیگران استفاده می کنند که این مورد آخر خیلی شبیه به انسانها است.

۲. بیوفیلم چیست؟

- پدیده بیوفیلم و پدیده حدنصاب حسگری دو روی یک سکه اند. اسم شهری مخفی میکروبها (city of microbes) است که از لایه یا پوشش لعابی شبیه به ژل متشکل از مواد قندی، پروتئینی، آب، مواد ژنتیکی و یونها ساخته شده است. این شهر با سازه های ژله ائی دوکی شکل برای حفاظت میکروبها از گزند آنتی بیوتیکها و سموم شیمیائی و یا پیدایش شرایط نامساعد است. ساختن این بیوفیلم ها منوط به هم صحبتی سلولهای باکتریائی (quorum sensing) و اتخاذ تصمیم مشترک برای شروع یک زندگی مخفی تا مساعد شدن شرایط زندگی در هوای آزاد است! این شهر یک شبه ساخته نمی شود بلکه طی چند مرحله متکامل و قابل زیست می شود (مجموعه اشکال ۱۲).



Bacteria that are attached to a surface and form a 3-dimensional structure, held together by an extracellular polymeric substance.



This schematic shows pit initiation due to oxygen depletion under a biofilm.

اشکال ۱۲. نحوه تشکیل بیوفیلم در باکتریها بعنوان سلولهای ابتدائی روی زمین.

- با این مقدمه به سراغ نوشته های قدیم و جدید خود می روم و صعود و سقوط افراد، جوامع و نظام ها را بر اساس پدیده های علمی چون حدنصاب حسگری، بیوفیلم و آستانه خطر بررسی می کنم:

صبح به صبح به خدا سلام کردم

در نماز صبح به خدا سلام کردم

در نصاب حسگری، هم سماع ام، هم سمیع

با اذان صبح به خدا سلام کردم

در این دو بیتی پدیده حد نصاب حسگری (Quorum sensing) که مکانیسم تبادل سیگنال برای یک تعامل و اقدام مشترک در بین باکتریهاست برای توصیف ارتباط انسان با خدا بکار گرفته شده است. امروزه بطور قطع و یقین ثابت شده است باکتریها اقدام به عمل مهمی چون ایجاد بیماری یا تثبیت ازت در گیاه و.. نمی کنند مگر جمعیت خود را در حد نصاب قابل قبولی ببینند. درک این حدنصاب از طریق انتقال مولکول های سیگنال مشابه (AHLs) در بین سلولها انجام می گیرد. در این دو بیتی که بازتاب برداشت از علم روز و عرفان هر روز است سعی شده است ارتباط تنگاتنگ و دائمی انسان با خدا با زبان روز و با مستندات علمی توصیف بشود. برخلاف نظریه مرسوم در اینجا نشان داده شده است که انسان هم چون خدا سمیع است! و در هر حال انسان و خدا همزمان هم دهنده و هم گیرنده سیگنال هستند. منتها صدا کننده خدا (اذان) و جواب دهنده (نماز) انسان است.

چه زیبا سخنی است که در روزگاران نه چندان دور بر دیوار کوچه ها می نوشتند: اگر می خواهی با خدا سخن بگوئی نماز بخوان و اگر می خواهی خدا با تو سخن بگوید قرآن بخوان.

وقتی پیغام ها به حد نصاب حسگری رسید، انسان از عبادت خود مشعوف و خدا مسرور می شود. و هرچه این عمل تکرار بشود فیوضات بیشتر می شود.

برعکس، هر عمل نادرست، یک Anti-Qs است. ارتکاب به اعمال زشت یعنی تولید ترکیبات ضدحد نصاب حسگری (Anti-Qs compounds) برای تخریب روابط ماورائی و لفظی و غیرلفظی ما با خدا.

ماهیت این ترکیبات ضد حد نصاب حسگری تقلید و یا تخریب صدای طرف مقابل است! انسان وقتی گرفتار و یا تسلیم صداهای تقلیدی و یا تخریبی شد از تبادل سیگنال واقعی با خدا محروم و به مرور به موجودی تبدیل می شود که هر صدای زشتی را صدای خوش آیند می پندارد و به راههائی کشیده می شود که عین ضلالت است.

اگر نمازها و قرآن خواندن های ما انسانهای اکثر بی پاسخ می ماند به این دلیل است که بین ما و خدا ارتباط سیگنالینگ برقرار نیست.

سگینالی که به بالا می فرستیم یا معیوب است و یا از سر استیصال! پاسخ این سیگنال هایspam (بی هدف/بی جواب/اشغال/نامشخص/...)اگر خدا رحم بکند در یک بزنگاه مرگ و زندگی برای نجات ما خواهد داد. اما سیگنالهائی خوب اند که با اسم و رسم باشند، بطور مرتب فرستاده شوند/ برای اهداف بلند فرستاده شوند/ در صندوق خدا (in box) جای گرفته باشند، دسته جمعی فرستاده شوند (نماز/ دعای جماعت)...

ایکاش می شد اینهمه که ما برای تقویت و تحکیم روابط بین خود برای تامین منافع زودگذر خود تلاش می کنیم و با یک تلفن (سیگنال)یک زندگی را خراب یا آباد می کنیم اندکی هم به تقویت و تنظیم سیگنالهای بین خود و خدا، خود و اجتماع و بالاخره خود، اجتماع و خدا می پرداختیم تا مومنین بعد از مرگ، در سلام سوم نماز خود به ما هم سلام (سگینال) می فرستادند.

اما یکسال از سرودن این دوبیتی گذشت تا فهمیدم جنس سیگنال ها از نور است، قدرت، سرعت و نفوذش نور است

(درج نظر در سایت شفقنا ذیل خبر یک تحقیق نشان داد مورچه ها هم حرف می زنند۱۳۹۱. فایل ۵۳+ خلاصه مقاله بکارگیری ترکیبات جدید گیاهان برای مدیریت بیماریهای گیاهی، ارائه شده به نشست تجلیل از پیشکسوتان-وابسته به گیاهان داروئی کشور، مهرماه۱۳۹۰).

- مقامات ارشد هر کشوری نباید از جامعه خود عقب بمانند. اگر جلوتر نباشند. نباید گذاشت افرادی از جامعه به تاسی از خلافکاران و دشمنان راه دیگری را انتخاب کنند که ادامه آن راه به ترکستان است. تعلل همانا و یاس و نومیدی همان. الگوی زندگی همه موجودات یک جورهائی شبیه هم است.
- بطور مثال باکتریها معروف به باکتریهای سیسیل برای حفظ بقای خود در شرایط خاص دور خود بیوفیلم می کشند. بیوفیلم چیست؟ اسم شهری مخفی میکروبها (City of Microbes). از چه ساخته شده است؟ از لایه یا پوشش لعابی شبیه به ژل متشکل از مواد قندی، پروتئینی، آب، مواد ژنتیکی و یونها. برای چه منظوری؟ برای حفاظت خود از گزند آنتی بیوتیکها و سموم شیمیائی. کی به این تصمیم می رسند؟ وقتی که شرایط مناسب فعالیت امروز ولی فردای آنها نیست. چگونه این ساختمانهای دوکی شکل را در شهر زیرزمینی و رو زمینی خود می سازند؟ با خبر دار کردن هم از طریق سیگنالهای خبررسانی. شهر حالت زنده دارد یا مرده؟ بسیار هم زنده است. حرکت دارند، تبادل ژنی انجام می دهند، می دانند جایگاه هر کسی در کجا است! هوازیها به سبب نیاز به اکسیژن در قسمت فوقانی ساختمانها اسکان می یابند.

بی هوازیهای اختیاری در طبقات میانی و بی هوازیهای مطلق که به اکسیژن نیاز ندارند در کف خیابانهای این شهر می خوابند. خطر کدام بیشتر است؟ بی هوازیها جان سخت تر هستند. آخر از همه وارد عمل می شوند اما قانون خود را دارند! چون در شرایط بی اکسیژن فقط و فقط اینها جان سالم بدر می کنند. سایه های قدرتمند!

سئوال:

ساختمانهای این شهرها یک طبقه یا چند طبقه هستند؟ آیا فقط باکتریها ساکن این شهرها هستند؟ پاسخ: جمعیت غالب با باکتریها است اما نخاله های دیگر هم هستند! عموما چند زبانی و چند فرهنگی هستند.

چند پرسش دیگر:

شکل بدوی دارند یا بتدریج تکامل می یابند؟ مثل ساختمانهای شهری بتدریج کامل می شوند و در نهایت به کمال خود می رسند (mature biofilm). کی فعالیت مجدد خود را شروع می کنند؟ وقتی شرایط محیطی مهیای فعالیت مجدد است. وقتی زیرساخت ها آماده شد. همدیگر را خوب شناختند. از توان هم بیشتر با خبر شدند و نیز آموزشهای لازم را از همدیگر فرا گرفتند (مثل روابط آدمهای بزهکار در داخل سلولهای زندان) به کمک همه افراد بیوفیلم متشکل از میلیونها سلول زنده و شاداب خود را به محلهای جدید اما پرحادثه و پر مغذی می رسانند. آثار تخریبی این شهر تکامل یافته چقدر است؟ بینهایت. مصادیق عینی اش؟ جرم دندان، بوی بد گوشت مانده و نیز فرسودگی لوله های آب. راه مبارزه؟ بیش از همه جلوگیری از تشکیل آنها. به کمک پیشگیری، با رصد روزانه، با محروم کردن آنها از آب و غذا. آخر آخر چی؟ جرم گیری یا کشیدن دندان فاسد! در مورد انسانها چی؟ با آموزش، با جلب اعتماد، با اجرای عدالت، با مشارکت، با منطق و با هزار حرف نگفته، کار نکرده و راه نرفته (سایت بینانیوز ذیل خبر نه «آرامش پادگانی» خوب است نه «آرامش قبرستانی. ۲۶ آذر۱۳۹۳. فایل۷۳).

بیوفیلم را همه باید جدی بگیرند. از افراد عادی گرفته تا نظامات دولتی. در بیوفیلم های میکروبی (microbial biofilms) فونداسیون و پایه اصلی بیوفیلم در باکتریها، باکتریهای بیهوازی هستند. این باکتریها به خیلی چیزها نیاز دارند از جمله به اکسیژن این ماده حیاتی. اینها قادرند در بدترین شرایط زندگی بکنند و در فرصت مناسب مهلک ترین ضربات کاری را به طرف مقابل بزنند. برای اینها کجا قرار گرفتم مهم نیست کی وارد عمل بشوم مهم است.

در افساد جامعه و مدیران اینها نقش کلیدی دارند. اینها سنگ زیرین تشکیل یک بیوفیلم هستند.

یک سطح و زمینه ائی می خواهند تا مستقر بشوند. بطور مثال سطح گوشت/سطح جامعه/ سطح کشتی و.. در این سطوح حتما مقداری آب نیاز است که باکتریها بتوانند با اندامکهای ریزخود (تاژک و پیلی) خود را به آن سطح برسانند و کنار هم بطور فشرده ومتراکم مستقر بشوند. نقش پیلی ها پس از استقرار در سطح مهمتر از اندامکهای حرکتی آنها یعنی تاژک ها است. زیرا در سطح نیاز به حرکت های دوردست نیست. حرکتهای بطئی، ناگهانی، سطحی و جزئی لازم است (twitching or surface motility) که باکتریها را بیشتر به هم نزدیک تر بکند.

این مرحله اول یا سیکل اول تشکیل بیوفیلم است. ۵ مرحله برای چرخه زندگی بیوفیلم تعریف می کنند که یکی از مهمترین آنها همین فاز اولیه است.

پس از استقرار این باکتریهای زخمت و سنگلاخی و جان سخت نوبت به پیوستن باکتریهای ظاهر فریب از یک جنس و گونه می رسد (monospecies films). شایان ذکر است که یک بیوفیلم لزوما از یک گونه خاص تشکیل نمی شود بلکه ممکنست درصدی از جمعیت داخل آن از گونه های مختلف (multiple species) و حتی از عناصر بیگانه باشد(multiple microorganisms). هرچه شرایط طبیعی باشد ناخالصی ها و خودی و غیرخودیها افزون تر می شود. طبیعی است وجود ناخالصی ها در جمعیت های میکروبی (mixed-species interactions) موجب تشکیل بیوفیلم های مختلط (mixed biofilm) و به تبع آن سبب تغییر شکل محسوس در ساختمان بیوفیلم ها و از آن مهمتر موجب رقابت های بین گونه ائی برای غذا و فضا و بعضا سبب همزیستی می شود (ائتلاف احزاب بد سو تا کم سو).

اما اگر گونه های مختلف همراه و همکار هم باشند بیوفیلمی که ساخته می شود جزو مقاومت ترین بیوفیلم ها است (ائتلاف احزاب هم سو). تشکیل بیوفیلم به صورت تارهای عنکبوتی است.

زمان تشکیل آن زمانی است که باکتریها با هم هم صحبت بشوند (quorum sensing) و مواد پلی ساکاریدی (EPS) یکدیکر را به مشارکت بگذارند. این مرحله پیوست و یارگیری دیگر غیر قابل بازگشت است (irreversible attachment). زیرا بیوفیلم در حال شکل گرفتن است. تبدیل حرف به عمل است. هماهنگی برای امور مهمتر است. بعد از این مرحله نوبت به ساختمان سازیهای دوکی شکل و مخروطی شکل می رسد. همه باکتریها جای خود را پیدا کردند. به تناسب نیاز به منبع اکسیژن، بیهوازهای در کف، بی هوازیهای اختیاری در وسط و هوازیها در بالا قرار گرفتند. کانالهای آبی وغذائی بوجود آمده و همه خود را آماده کردند برای یک زندگی زیرزمینی با محدودیت جا و غذا. شرایط دشوار محیطی که باید تحمل کرد تا به فراخ رسید.

مزیت این زندگی در امن بودن است. خانه های امن و بتون آرمه که حتی زور آنتی بیوتیکها هم برای نفوذ در آن به جائی نمی رسد. با هم هم سفره و هم پیاله می شوند زیرا همه امکانات یک زندگی مخفی را در اختیار دارند. از پروتئین گرفته تا آب و تا غذا و انواع یونها و مواد ژنتیکی. با هم تبادل ژنی انجام می دهند، ندانسته ها را از هم می آموزند اما طبیعی است با زندگیهای معمولی و در شرایط آزاد بدلیل محدودیت های زیاد تفاوتهای معنی داری دارد. این شرایط ادامه می یابد تا وقتی که شرایط مساعد زندگی و فعالیت در سطح شهر فراهم بشود. در آن هنگام است که همه ساختارهای موریانه ائی خود را متلاشی کرده و به صورت جمعیت چند ده هزاری به بیرون می زنند و به صورت توده های ابر در همه جا پراکنده و گسترش می یابند.

لذا بر همه فرض است جلوی بیوفیلم های مخرب و نه مفید را بگیرند. همزمان تشویق به تشکیل بیوفیلم های موثر بکنند تا فضا برای تشکیل بیوفیلم های مضر فراهم نگردد و یا حتی به داخل یک بیوفیلم خودی یک بی خودی نفوذ نکند تا مال و ناموس مردم در امان باشد و با این کارهاست که از میزان ترورها، از نشر اخبار محرمانه، از نشر اخبار کذب و.. جلوگیری می شود. خدمت کردن حرف اول کارگزاران می شود. خطای آن ها موجب مصیبت برای خود آنها و اطرافیان ایشان.

در این بیوفیلم ها دیگر کسی نمی گوید من اگر فلان قدر خوردم تو ببین فلانی و آقازاده اش چقدر خورده است. بلکه چون آب به زیر خاک می رود، اگر خودکشی حرام نبود مثل خارجی ها خودکشی می کند. با این تدابیر است که جان مردم حرمت پیدا می کند، بیت المال حرمت پیدا می کند. سره از ناسره براحتی تشخیص داده می شود.

اینکه پیامبر (ص) دستور تخریب مسجد ضرار داد برای پیشگیری از تشکیل بیوفیلم های مخرب بود، جلوگیری از اغفال عامه مردم بود، خشکاندن نطفه فساد در جمع مسلمین بود، جلوگیری از اعمال نظر حواریون بود، جلوگیری از اتلاف وقت و سرمایه مردمی بود، ممانعت از صدور فیش های حقوق های نجومی بود، جری نشدن افراد یک خانواده و یک جامعه بود.

اما در مورد جامعه، خود جوامع بشری متشکل از بیوفیلم های مختلف هستند.

در کشورهای مهاجر پذیر، بیوفیلم ها متنوع و متعدد هستند. افراد مهاجر هم به افراد داخل کلنی ها یا بیوفیلم ها شکل می دهند و هم از افراد جامعه میزبان شکل می گیرند. اما بهشت و جهنم آخرت متفاوت از دنیاست. همه چیز درجه بندی و رده بندی شده است. جایگاه هر کس مشخص است. هر طایفه ائی برای خود یک کلنی و یک بیوفیلم های ماورائی دارد. مثل بیوفیلم های روی زمین مخلوط و مرکب نیستند. خالص و مخلص هستند. اینکه بهشت در دارد، جهنم طبقات دارد دور از ذهن نیست. زیرا در سطح میکروسکوپی هم مشاهده شده است که میکروبها هم داخل بیوفیلم ها در طبقات مختلف زندگی می کنند.

همانگونه که در بالا آمد بی هوازیهای مطلق در لایه زیرین، بی هوازیهای اختیاری در لایه وسط و هوازیها در سطح قرار می گیرند. در مورد جهنم این ترتیبات کاملا صدق می کند. جای کسی که در طبقه زیرین جهنم است با کسی که در طبقه بالا (کمتر عذاب آور) قرار دارد متفاوت است. جز این بود باید جهنمیان به عدل خدا تردید می کردند!

در همین دنیا و در همین ایران نمره ورقه های امتحانی از صفر تا ۲۰ تعیین و درجات قبولی در چند گروه تعریف می شود. گروه قبولی با نمرات عالی کسانی هستند که نمره قبولی ایشان بین ۲۰-۱۸ است.

با این فرض بفرمایش پیامبر عظیم الشان (ص) این دنیا مزرعه آخرت است (الدُّنْیا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ)، محاسبه اعمال به ذره است (فَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَیْرًا یَرَهُ ؛ وَمَن یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ. زلزال/آیات ۸-۷) و..بنابراین در بهشت هرکسی مومن تر و کارنامه اش درخشان تر به درجات و مکانت ها و قصرهائی که پر از اکسیژن (حیات طیبه) است نزدیک تر. طبق آیات قرآن بالاترین قرب و والامکان ترین بهشت جنت خداست برای اهل نفس مطمئنه (یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ راضِیَةً مَرْضِیَّةً فَادْخُلِی فِی عِبادِی وَ ادْخُلِی جَنَّتِی فجر/۳۰-۲۷). منتها خداوند رحمان و رحیم یک احترام و یک تشریفات ویژه برای اهل بهشت قائل است که برای اهل جهنم نیست.

در مورد بهشت صحبت از طبقات به معنی واقعه کلمه نیست بلکه صحبت از بهشت های متفاوت است که در طول هم قرار دارند.

بطور دقیق، دارالسلام، دارالجلال، جنت المأوی، جنت خلد، بهشت عدن، جنت فردوس، جنت نعیم...(نام بهشت های هشت گانه ای است که از متن قرآن استخراج شده است).

بیوفیلم های هر بهشت مشخص است.

آدم های تشکیل دهنده آن هم مشخص است. ایشان در دنیا طالب مقام نبودند در آخرت هم می توانند چون ده درویشی در یک فرش بخسبند اما شان و منزلت ایشان اجل تر از این حرفها است. میهمان ویژه اند پس بنابراین مکان متعالی، رزق متوالی و دیدار متوازی می خواهند. درست است در روی زمین از دیگران قابل تشخیص نبودند اما در محضر خدا که قابل تشخیص بودند. اعراب بادیه نشین هنگامیکه به محضر رسول خدا می رسیدند او را از دیگران تمییز نمی دادند زیرا همه چون یک دایره در یک مدار واحد قرار داشتند. شرح این ماجرا (نوع حیات در روز قیامت) اگر قرآن به آن اشاره نمی کرد بر کسی روشن نبود. تیری در تاریکی هم نبود. از گفته او ما آموختیم. دلمان خواست خود پرداختیم!

به همین دلیل من در مقاله "فلسفه خواندن نماز آیات" آوردم: **به باور دانشمندان اشکال حیات روی سیارات و کرات دیگر می تواند بسیار متفاوت تر از تصورات هر انسانی باشد. تصوری که ما از حیات در روز قیامت نداریم! و قرآن بیش از آن نمی توانست تصویر بکند.**

- باز در مورد بیوفیلم میکروبی، ۲۲ گونه باکتریائی و بلکه بیشتر دست اندرکار تشکیل بیوفیلم (شهر میکروبی) و تخریب دندان ما هستند. تعدادی از آنها ساکنین اولیه و دائمی دندان هستند و تعداد دیگر جزو ساکنین ثانویه آن (شکل ۱۳).

بیوفیلم محصول تجمع مواد قندی دیواره سلولی خود باکتریها است. این مواد چسبناک متراکم نمی شوند و روی دندان قرار نمی گیرند مگر باکتریهای مذکور برای انجام کار مشترک با هم هماهنگ بشوند. باکتریها برای هماهنگی بین خود از پدیده نسبتا جدیدی بنام حدنصاب حسگری (quorum sensing) استفاده می کنند.

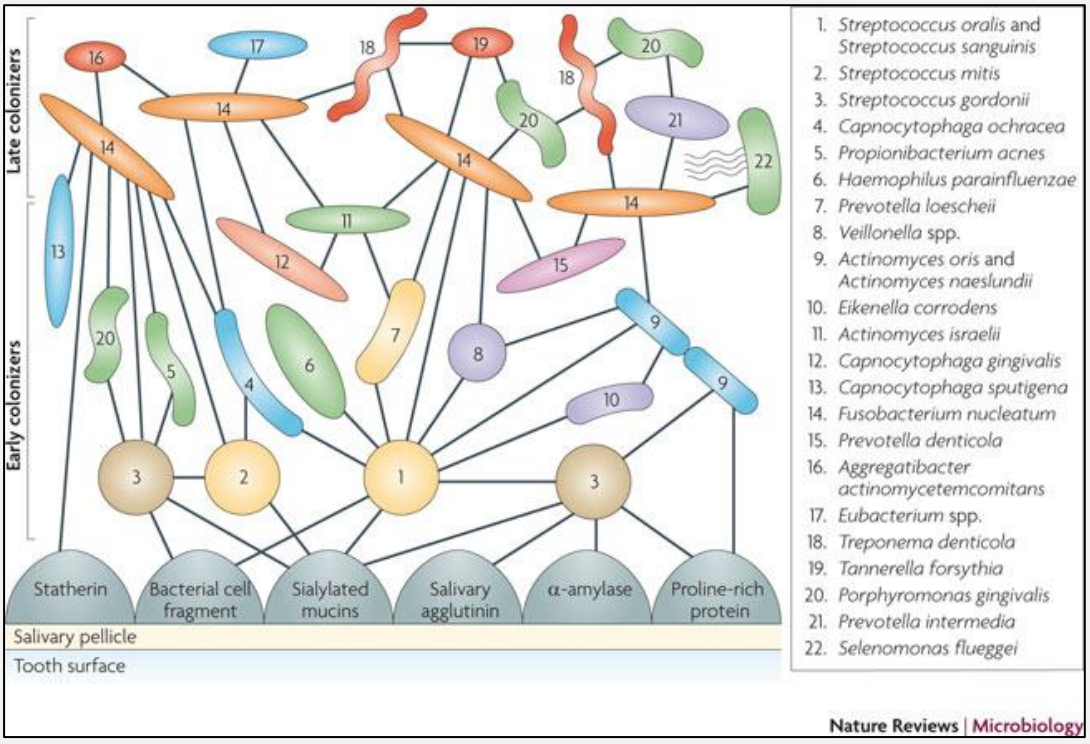
این پدیده روند افزایش جمعیت باکتریها را کنترل می کند. وقتی جمعیت باکتریها اندک است هیچ تک سلولی مستقلا دست بکار نمی شود. اما مرتب به هم پیغام و پسغام می دهند و تعداد جمعیت پیرامون خود را شمارش و حدنصاب خود را به همدیگر یادآور می شوند (مثل مهرهای رکعت شمار و سجده شمار دیجیتال نماز). وقتی که جمعیت یک گونه خاص باکتری به حدنصاب مطلوب رسید (مثلا ۱میلیون سلول) همه سلولها دست به اقدام مشترک می زنند. مثلا تولید نور می کنند، یا به گیاه میزبان حمله کرده و آنرا بیمار می کنند.

در مورد گزارش شما، باکتریهای خاص دندان با فعالیت های متنوع خود روی دندان های با ارزش و انگشت شمار انسان که هر کدام میلیونها تومان ارزش دارد تولید جرم دندان می کنند که مالا منجر به فساد دندان و بروز بیماریهای مختلف می شود. راه درمان همچنانکه نوشته اید مسواک زدن مرتب است. خیلی از عصاره های گیاهی خاصیت باکتری کشی فوق العاده ائی دارند. مثل عصاره گیاه نعناع. این گیاهان بغایت دارای خاصیت ضد پدیده حدنصاب حسگری هستند (anti-quorum sensing). بدون اینکه عوارض جانبی مربوط به مواد شیمیائی را داشته باشند. شاید در آینده خمیردندانها با ترکیب عصاره گیاهان مختلف و بویژه از عصاره گیاهچه مسواک (*Salavadora persica*) تهیه و عرضه بشود. گیاه اخیر هنوز هم در بعضی عطاری ها عرضه می شود و مسواک خدادادی و ارزان قیمت مناطق گرمسیری است.

اما این نصف روش پیشگیری و درمان است. نصف دیگر آن خوردن شیر کافی است در هر روز. ماده غذائی کاملی که بخاطر افزایش قیمت مرتب آن، مصرف کنندگان زیادی را از خوردن آن محروم می سازد. هر بار که شیر گران می شود تقاضا برای خرید شیر کم و کمتر می شود. این را می شود در مغازه لبنیاتی ها بعینه مشاهده کرد.

در کشور هند کمتر کسی به دندانپزشکی مراجعه می کند چون مردم یاد گرفته اند اگر هم احیانا خوردن نان را فراموش کردند مصرف شیر را فراموش نکنند.

کاش می شد شیر را به مردم ایران مجانی عرضه کرد تا سلامت ایشان بیش از پیش تامین و با این راهکار ساده هزینه های درمان ایشان به حداقل می رسید. اما فعلا مردم از دو چیز می زنند تا بزعم خود بر غول گرانی فائق آیند: نخریدن و نخواندن کتاب و نخریدن و نخوردن شیر! (درج نظر در سایت بینانیوز ذیل خبر اگر می‌خواهید زنده بمانید، مسواک بزنید! فایل ۱۹۷مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۱).



شکل ۱۳. تشکیل جرم دندان یا پلاگ توسط تعدادی از باکتریهای دهان و دندان. هر یک از این گونه های باکتریائی یک کار تخریبی خاص خود در ناحیه مخصوص به حرفه تخصصی خود انجام می دهند. بنابراین محل استقرار آنها به ترتیب اجرای نقش در تخریب اولیه تا ثانویه دندان است.

۳. پیش آگاهی و تعیین آستانه های خطر (threshold risks) بیماری آتشک درختان دانه دار (سیب و گلابی):

- این بحث شاید خیلی تخصصی تر باشد. اما تشریح آن مثل دو پدیده فوق حائز اهمیت است بویژه اگر بخواهیم بدانیم اعمال ما لحظه به لحظه کنترل و نمرات آن در آن واحد ثبت و ضبط می شود.

- همچنانکه در بالا آمد برای هر پدیده ائی حدنصاب است. در طول عمر هر کس و هر چیز صدها حد نصاب است، برای بروز و توقف بیماری ها هم حد نصاب است، برای فاسد شدن مدیران یک جامعه هم یک حدنصاب است، همچنانکه برای پویائی یک جامعه هم معیار سنجش حدنصاب است.
- حدنصابها جدی گرفته نشوند ویرانگرند. بویژه بین افراد ویرانگر در داخل یک بیوفیلم مکالمات رمز آلود و سری هم برقرار باشد.
- سیستم های پیش آگاهی مختلفی برای بیماریها تعریف شده است. مثل پیش بینی آب و هوا، آلودگی هوا و غیره برای خودش مختصاتی دارد. این پیش بینی ها به انسان کمک می کند در همه موارد و مراحل زندگی خود تدبیر به موقع و شایسته بکند تا قبل از اینکه خیلی دیر شده باشد. چکاپ (check up) کامل بدن در هر سال هم در همین راستاست. اطلاعات اخذ شده در جهت تعیین آستانه های خطر (threshold risks)، و پیشگیری از وقوع حوادث بزرگتر است.
- بطور مثال چند سیستم پیش آگاهی برای بیماری باکتریائی آتشک درختان میوه دانه دار طراحی شده است از آن جمله سیستم مری بلایت، کوگر بلایت، بیلینگ و... طراحی این مدلها بر اساس سه فاکتور پاتوژن، دما و رطوبت است. اگر عامل بیماری (*Erwinia amylovora*) در باغی باشد و دما به بالای ۱۸/۳ سلسیوس و رطوبت نسبی هوا به ۶۰٪ برسد بروز بیماری قطعی است. اگر عامل بیماری به هر دلیلی مهار نشود باکتری به تناسب فصل و توسعه بیماری علائم متعددی از خود روی گیاه میزبان برجا می گذارد.

فازهای مختلف آلودگی عبارتند از: فاز بلایت شکوفه (BBS)، فاز بلایت شانکر (CBS)، فاز بلایت سرشاخه (SBS)، و فاز بلایت تراما (TBS). فاز شکوفه مهمترین و حساس ترین آنهاست. چنانچه این مرحله بدقت پیش آگاهی و پیش گیری نشود و بیماری به موقع کنترل نشود عامل بیماری تا ریشه درختان نفوذ کرده و درختان چندساله را در یک مدت کوتاه از پا در می آورد (جدول ۴).

برای پیش آگاهی و جلوگیری از بروز بیماری در هر یک از فازهای چهارگانه فوق، به شناخت دقیق سه ساعت بیولوژیکی شکوفه (blossom clock)، بیماری (disease clock) و پاتوژن (pathogen clock) الزامی است.

ساعت بیولوژیکی شکوفه، درجه رشد جوانه های گل را از ابتدای پیدایش نوک سبز جوانه ها، درصد باز شدن شکوفه ها و احیانا وجود حشرات ناقل را محاسبه و معین می کند.

ساعت بیولوژیکی بیماری، توسعه بیماری را پس از بروز آلودگی تعیین می کند. و ساعت بیولوژیکی پاتوژن، جمعیت بالقوه باکتری بیمارگر را در سطح شکوفه ها من غیرمستقم محاسبه و مشخص می کند.

سیستم مری بلایت (maryblyt) که سیستم کامپیوتری مدرن است این سه ساعت را بدقت و به کمک تجهیزات مدرن هواشناسی و ثبات های دیجیتال دماسنج و رطوبت سنج و غیره رصد و مقدار آن را محاسبه می کند. مطابق این سیستم،

محاسبه من غیر مستقیم و همزمان دو ساعت شکوفه و بیماری بر حسب درجه روز (degree days) و محاسبه ساعت پاتوژن برحسب درجه ساعت (degree hours) است.

بدین ترتیب، به ساعت جمعیت بالقوه باکتری شمارش می شود، به روز بروز علائم بیماری ردیابی می شود و نیز به روز نوسانات شرایط محیطی ثبت و ضبط می شود. بنابراین انتظار می رود با محاسبه دقیق ساعت بیولوژیکی پاتوژن و تعامل آن با دو ساعت دیگر (ساعت شکوفه و ساعت بیماری) ساعت پیش گیری از بیماری بسیار دقیق و هزینه های ناشی از بروز و خسارتهای بیماری به حداقل برسد.

- اگر خواستیم کمی دقیق تر به این سیستم توجه بکنیم لازمست معیارهای سنجش آن نیز تشریح بشود:
- معیارهای سنجش: دمای پایه برای آغاز بکار ساعت شکوفه، دمای بالای ۴/۴ سِلسیوس و در خصوص ساعت بروز و توسعه بیماری، دمای بالای ۱۲/۷ سِلسیوس است. حداقل شرایط برای بروز آلودگیهای شکوفه در مدل پیش آگاهی مری بلایت تجمیع، ترتیب و تعامل چهار فاکتور (BHWTR) زیر است:

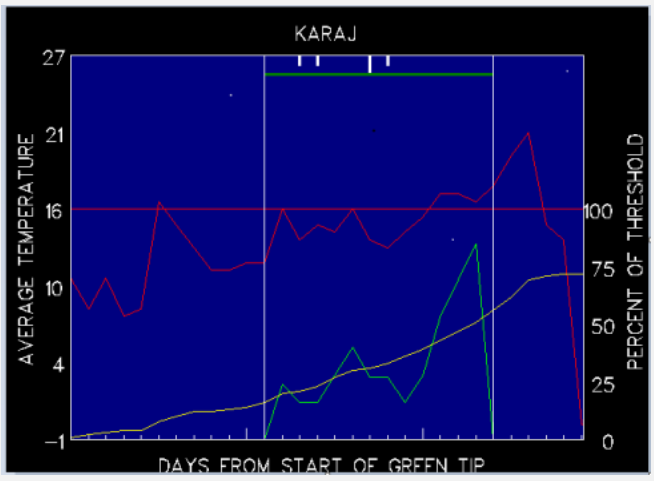
– باز شدن کامل شکوفه (B).

– از زمان شکفتن شکوفه ها تا زمان پیش بینی روز آلودگی (risk day) مجموع دمای باغ بالای ۱۸/۳ سِلسیوس باغ (accumulation) به حداقل ۱۱۰ درجه ساعت رسیده باشد (H).

– رطوبت ناشی از باران در سطح برگها و شکوفه ها در حد ۰/۲۵ میلیمتر باشد (W).

– میانگین درجه دمای روزانه باغ حداقل به ۱۵/۶ سِلسیوس (60˚F)رسیده باشد (T). این دما آستانه خطر آلودگی است که در شکل ها با خط ممتد قرمز نشان داده می شود. بالای این خط یعنی خطر بروز آلودگیهای بیشتر و مهللک تر و پائین آن عدم وجود خطر جدی (شکل ۱۴).

R مخفف پیش بینی ریسک بروز بیماری است (Risk predication).



شکل۱۴. میانگین درجه دمای روزانه باغ حداقل به ۱۵/۶ سِلسیوس (60°F) رسیده باشد (T). این دما آستانه خطر آلودگی است که در شکل بالا با خط ممتد و مستقیم قرمز نشان داده شده است. بالای این خط به معنی خطر بروز آلودگیهای بیشتر و مهللک تر و پائین آن عدم وجود خطر جدی. خط موج دار قرمز نوسانات دما را در هر روز نشان می دهد.

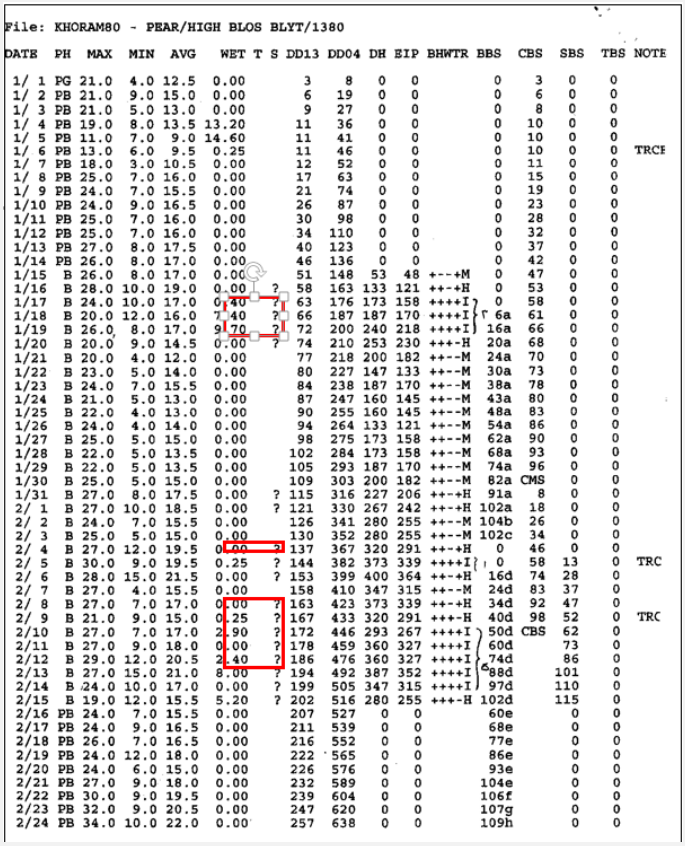
- نحوه پیش آگاهی بیماری در شرایط مختلف (جدول۴):

۱. اگر چنانچه هر چهار فاکتور فوق فراهم شد سیستم آن را با ۴ علامت مثبت (++++) نشان می دهد. در آن صورت خطر بروز آلودگی (Infection day or event) که با علامتI نشان داده می شود در یک باغ قطعی است و سیستم به طور اتومات اعلام وضعیت قرمز می کند. تاخیر در پیش آگاهی این روز و تاخیر در سمپاشی های به موقع در همان روز موجب بی دفاع ماندن شکوفه ها و منجر به آلودگیهای شدیدتر در روزهای بعد می شود (تعداد روزهای آلودگی افزایش یافته و باغ به جای تولید میوه، تولید سلول باکتری می کند). اشکال دیگر این وضعیت نابسامان و پر از خطر فراهم نبودن هر چهار فاکتور مذکور در یک باغ است.

۲. اگر چنانچه شرایط باغ برای حضور دو فاکتور همزمان مهیا باشد مثلا شکوفه و رطوبت (++--). سیستم در این حالت اعلام آلودگی متوسط می کند (moderate risk).

۳. اگر چنانچه همزمان سه فاکتور در تعامل با هم باشند (-++++)، سیستم برای چنین وضعیتی اعلام بروز آلودگیهای بالا می کند (High risk) و وضعیت را زرد اعلام می کند. یک سمپاشی در این مرحله خطر روز آلودگی را شاید برای چند روز و یا شاید برای کل سال (اگر هر ۴ فاکتور همزمان فراهم نباشند) به تاخیر بیاندازد.

۴. در شرایطی که یک فاکتور در باغ موجود باشد حتی اگر آن فاکتور بسیار مهم وخطرناک باشد مثل حضور خود پاتوژن (بیمارگر) در باغی که مستعد آلودگی است! اما طبق این سیستم خطری باغ را تهدید نمی کند. مثالش به این می ماند چند کیلو مواد مخدر در داخل یک کیسه ائی در وسط شهر موجود باشد. صرف بودن مواد مخدر در یک جائی خطر آفرین نیست. خطر آنجا شمارش و رصد می شود که مصرف کننده هم باشد، پخش کننده هم باشد، بند و بساط لهو و لعب هم باشد، جوانی و خامی هم باشد، پولداری و رفاهمندی هم باشد، بی اعتقادی هم باشد، بیکاری هم باشد، بی خیالی هم باشد و..



File: KHORAM80 - PEAR/HIGH BLOS BLYT/1380

DATE	PH	MAX	MIN	AVG	WET	T	S	DD13	DD04	DH	EIP	BHWTR	BBS	CBS	SBS	TBS	NOTE
1/ 1	PG	21.0	4.0	12.5	0.00			3	8	0	0		0	3	0	0	
1/ 2	PB	21.0	9.0	15.0	0.00			6	19	0	0		0	6	0	0	
1/ 3	PB	21.0	5.0	13.0	0.00			9	27	0	0		0	8	0	0	
1/ 4	PB	19.0	8.0	13.5	13.20			11	36	0	0		0	10	0	0	
1/ 5	PB	11.0	7.0	9.0	14.60			11	41	0	0		0	10	0	0	
1/ 6	PB	13.0	6.0	9.5	0.25			11	46	0	0		0	10	0	0	TRCE
1/ 7	PB	18.0	3.0	10.5	0.00			12	52	0	0		0	11	0	0	
1/ 8	PB	25.0	7.0	16.0	0.00			17	63	0	0		0	15	0	0	
1/ 9	PB	24.0	7.0	15.5	0.00			21	74	0	0		0	19	0	0	
1/10	PB	24.0	9.0	16.5	0.00			26	87	0	0		0	23	0	0	
1/11	PB	25.0	7.0	16.0	0.00			30	98	0	0		0	28	0	0	
1/12	PB	25.0	7.0	16.0	0.00			34	110	0	0		0	32	0	0	
1/13	PB	27.0	8.0	17.5	0.00			40	123	0	0		0	37	0	0	
1/14	PB	26.0	8.0	17.0	0.00			46	136	0	0		0	42	0	0	
1/15	B	26.0	8.0	17.0	0.00			51	148	53	48	+--+M	0	47	0	0	
1/16	B	28.0	10.0	19.0	0.00		?	58	163	133	121	++-+H	0	53	0	0	
1/17	B	24.0	10.0	17.0	0.40		?	63	176	173	158	++++I	0	58	0	0	
1/18	B	20.0	12.0	16.0	7.40		?	66	187	187	170	++++I	6a	61	0	0	
1/19	B	26.0	8.0	17.0	9.79		?	72	200	240	218	++++I	16a	66	0	0	
1/20	B	20.0	9.0	14.5	0.00		?	74	210	253	230	+++-H	20a	68	0	0	
1/21	B	20.0	4.0	12.0	0.00			77	218	200	182	+--+M	24a	70	0	0	
1/22	B	23.0	5.0	14.0	0.00			80	227	147	133	+--+M	30a	73	0	0	
1/23	B	24.0	7.0	15.5	0.00			84	238	187	170	+--+M	38a	78	0	0	
1/24	B	21.0	5.0	13.0	0.00			87	247	160	145	+--+M	43a	80	0	0	
1/25	B	22.0	4.0	13.0	0.00			90	255	160	145	+--+M	48a	83	0	0	
1/26	B	24.0	4.0	14.0	0.00			94	264	133	121	+--+M	54a	86	0	0	
1/27	B	25.0	5.0	15.0	0.00			98	275	173	158	+--+M	62a	90	0	0	
1/28	B	22.0	5.0	13.5	0.00			102	284	173	158	+--+M	68a	93	0	0	
1/29	B	22.0	5.0	13.5	0.00			105	293	187	170	+--+M	74a	96	0	0	
1/30	B	25.0	5.0	15.0	0.00			109	303	200	182	+--+M	82a	CMS	0	0	
1/31	B	27.0	8.0	17.5	0.00		?	115	316	227	206	++-+H	91a	8	0	0	
2/ 1	B	27.0	10.0	18.5	0.00		?	121	330	267	242	++-+H	102a	18	0	0	
2/ 2	B	24.0	7.0	15.5	0.00			126	341	280	255	+++-M	104b	26	0	0	
2/ 3	B	25.0	5.0	15.0	0.00			130	352	280	255	+++-M	102c	34	0	0	
2/ 4	B	27.0	12.0	19.5	0.00		?	137	367	320	291	++-+H	0	46	0	0	
2/ 5	B	30.0	9.0	19.5	0.25		?	144	382	373	339	++++I	0	58	13	0	TRC
2/ 6	B	28.0	15.0	21.5	0.00		?	153	399	400	364	++-+H	16d	74	28	0	
2/ 7	B	27.0	4.0	15.5	0.00			158	410	347	315	+++-M	24d	83	37	0	
2/ 8	B	27.0	7.0	17.0	0.00		?	163	423	373	339	++-+H	34d	92	47	0	
2/ 9	B	21.0	9.0	15.0	0.25		?	167	433	320	291	+++-H	40d	98	52	0	TRC
2/10	B	27.0	7.0	17.0	2.90		?	172	446	293	267	++++I	50d	CBS	62	0	
2/11	B	27.0	9.0	18.0	0.00		?	178	459	360	327	++++I	60d		73	0	
2/12	B	29.0	12.0	20.5	2.40		?	186	476	360	327	++++I	74d		86	0	
2/13	B	27.0	15.0	21.0	8.00		?	194	492	387	352	++++I	88d		101	0	
2/14	B	24.0	10.0	17.0	0.00		?	199	505	347	315	++++I	97d		110	0	
2/15	B	19.0	12.0	15.5	5.20		?	202	516	280	255	+++-H	102d		115	0	
2/16	PB	24.0	7.0	15.5	0.00			207	527	0	0		60e		0	0	
2/17	PB	24.0	9.0	16.5	0.00			211	539	0	0		68e		0	0	
2/18	PB	26.0	7.0	16.5	0.00			216	552	0	0		77e		0	0	
2/19	PB	24.0	12.0	18.0	0.00			222	565	0	0		86e		0	0	
2/20	PB	24.0	6.0	15.0	0.00			226	576	0	0		93e		0	0	
2/21	PB	27.0	9.0	18.0	0.00			232	589	0	0		104e		0	0	
2/22	PB	30.0	9.0	19.5	0.00			239	604	0	0		106f		0	0	
2/23	PB	32.0	9.0	20.5	0.00			247	620	0	0		107g		0	0	
2/24	PB	34.0	10.0	22.0	0.00			257	638	0	0		109h		0	0	

جدول ۴. محاسبه روزهای آلودگی توسط سیستم پیش آگاهی مری بلایت. اعلام ۱۰ روز بعنوان روز قطعی آلودگی(I= infection days) یا روز واقعه در طول دوره شکوفه در یک باغ گلابی. معیارهای سنجش که در بالای جدول منعکس است: وجود شکوفه (PH)، حداقل و حداکثر و میانگین دما (MIN, MAX and average daily temperature, AVG)، میزان رطوبت نسبی(WET)، جمعیت بالقوه باکتری (EIP) و فازهای مختلف بیماری است (BBS, CBS, SBS, TBS). کادرهای قرمز، پرسش سیستم از کاربر است که چرا در روزهائی که امکان بروز آلودگی بالا بود (High risk) اقدام به سمپاشی نکردی که گرفتار یک یا چند روز آلودگی قطعی یا روز واقعه (I= infection days) شدی؟ و تمام باغ و محصولات آن در آتش اهمال تو سوخت؟

- بنابراین همچنانکه پدیده حدنصاب حسگری (Quorum sensing) حدنصاب ها و سیستم های پیش آگاهی حد آستانه ها (thresholds) را تعیین و برای بروز خطر و یا رفع خطر اعلام وضعیت می کنند هر فرد هوشیار هم باید بداند تا زنده است در معرض حدنصاب ها است، با جمع (انباشت گناهان و خطاها) و تفریق (رفع بلایا با توبه و جبران) حدنصاب ها تعیین و اعلام خطر می شود.
- **انسان/جامعه/جوامع/اقوام/ و هر موجود هشیار دیگر باید سعی کند سطح حدنصاب های بد خود را در فاز حساس بگذارد تا سیستم به او اخطار به موقع بکند.**

- از آن طرف، سطح حدنصابهای خوب خود را کاهش بدهد تا اولا به خود مغرور نشود! ثانیا از آن سقف به بالا هرچه نیکی خواست کند ماجور خدا و محبوب بندگان خدا باشد. این آدم اگر در بقیه عمر خود کار ثواب دیگری هم نکند برای کرده های قبلی او به اندازه ماجور می شود. او مثال کسی است که در حساب بانکی خود مبلغی را به ودیعه گذاشته است و بانک مرتب و بطور روزانه بر اصل پول او و سود پول او سود پرداخت می کند. به هوش باشیم دنیا و آخرت غیر از این نیست. حساب و کتابش دقیق تر از سیستم های فوق است. بد و خوب آدمی مرتب شمارش می شود. چوب خط اعمال بد یا خوب که پر شد دستور متناسب صادر می شود. علو درجات برای آدم خوب (عزت) و تنزل درجه و احیانا سقوط آزاد (ذلت) برای انسان گناهکار.
- در آیه ۴۹ سوره کهف می خوانیم "وَ يَقُولُونَ يا وَيْلَتَنا ما لِهذَا الْكِتابِ لا يُغادِرُ صَغِيرَةً وَ لا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصاها" در این هنگام فریاد بر می‌آورند و می‌گویند ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته مگر این که آن را به شمار آورده است. این یعنی رقم خوردن سرنوشت روزانه ما بدست خود ما- وقوع غیرقابل اجتناب حوادث روزهای بعد با اعمال و رفتارهای امروز ما- بی پناه بودن در روزهای خطری که خود ساخته ایم. هیچکس را یارای کمک به ذلت شده های خودساخته بشر نیست! پس نگذاریم آخر و عاقبت ما به حدنصاب و روز موعد بکشد. شاید خطای ما و یا خطا و احیانا گناهان متعدد دیگران علیه مظلومان توسط افراد فراموش بشود اما مطمئنا از یاد خدا نخواهد رفت و اجل آن برسد اقدام خواهد شد. در این ارتباط آیه ۵۸ سوره کهف می فرماید "ولی برای آنها موعدی است که با فرا رسیدن آن راه فراری نخواهند داشت (بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا)".

باید از خدا ممنون بود برغم دقت در محاسبه حدنصاب ها به ازای هر گناه یک عدد منفی (عقاب) و برای هر ثواب ده ها عدد مثبت (ثواب) منظور می کند. اگر غیر از این بود بر حال انسان گوهر باخته باید زمین و آسمانها می گریستند. سیستم های پیش آگاهی متفاوت از این عمل می کنند. به درجه ساعت محاسبه می کنند. در حالیکه خدا به درجه هزارم ثانیه محاسبه می کند. هنوز به عمل در نیآمده و در ذهن پروریده نشده است به حساب می آورد. زیرا شاخص های (indices) تعیین گناه و ثواب نزد خدا از دقیق ترین شاخص هاست.

مورد مهم دیگر، در سیستم های پیش آگاهی بیماری آتشک چون مری بلایت (Mayblyt) و بلینگ (Billing)، با یک اقدام به موقع سمپاشی جمعیت بیمارگر به ترتیب به حداقل و یا به صفر می رسد و پس از آن است که سیستم مجددا اقدام به شمارش جمعیت پاتوژن می کند.

در مورد خدا چنین نیست زیرا خدا ارحم راحمین است. در توبه را باز می گذارد. اما این انسان است که بفرمایش امام علی (ع) یک پرده را بین خود و خدای خود نگه نمی دارد و به یکباره حاصل ده ها سال عبادات و خدمات خالصانه خود را به یک گناه بزرگ از دست می دهد. برعکس، به خود می آید و هزاران گناه کوچک و بزرگ خود را با خدای خود با انجام خدمات ویژه صاف می کند.

- دو نظر دیگر من در ذیل گفت وگوی سایت شفقنا با علی محمدحاضری تحت عنوان شاه بیت هنر امام (ره) ارائه تفسیر جدیدی از اسلام و تشیع بود/ انقلابی که قدرت را پاسخگو کند، تثبیت شده است (۱۵ بهمن ۱۳۹۱) ارائه شد (فایل ۱۷):

قصه ها کهنه شدند

راویان هرزه شدند

قاصدک قصه بیار

گوش ها خسته شدند

در مقاله دیروز شما آمده بود ۳ میلیون دوشغله و ۳ میلیون جوان بیکار! در گزارش حاضر جناب ایشان نتیجه گیری می کنند **قدرت را پاسخگو کنید تا انقلاب تثبیت بشود**. مقالات داخلی از نقاط قوت و ضعف رفتار مدیران می نویسند و رسانه های خارجی از نقاط ضعف دین، روحانیت و نظام و.. چه باید کرد؟ تا کی باید ننوشت؟ نوشت و نخواند؟ خواند و عمل نکرد؟

از یک جائی باید شروع کرد. مردم دیگر از انعکاس اخبار دردناک و در عین حال تعیین کننده و تاریخ ساز چون سلطان های اقتصادی، مافیای سینما و فوتبال.. که در شان اسلام، مکتب علی و نهضت اسلامی نیست خسته بلکه منزجر شده اند. همه از دیروز می گویند! همه از هم می گویند. همه از یک نفر می گویند. یک نفر مسئول دارای چندین عنوان، چندین شغل، چندین کارتابل، چندین نشست، چندین مسافرت، چندین لوح و چندین القاب است! مگر می شود اینگونه مملکت را اداره کرد. مگر می شود با مدیریت های من المهد الی الحد کشور را اداره کرد.

از علی یک کتاب باقیست از بعضی ها صدها جلد کتاب! علی یک مسجد داشت، یک دارالخلافه و یک نخلستان! و آقایان صدها کرسی.

برای اینکه ایران پیشرفت کند لازمست از تعداد تبصره ها کاسته شود. حداکثر عمر مدیریت برای مقامات ارشد ۴ سال و برای مدیران پائین دست ۲ سال باشد.

به خطای مدیران، اندوخته مدیران و زد و بندهای مدیران روزانه رسیدگی شود. کشورهای جهان سوم فقط با این تدابیر بیمه می شوند. با علم به این، **تعیین حداکثر مدت دوره ریاست جمهوری برای کشورهای قانونمند۸ سال و برای سایر کشورها ۴ سال کاملا منطبق با ساز و کار مدیریتی هر دو جامعه است**.

در کشورهای پیشرفته یک رئیس جمهور یک تنخواه و یک حقوق مشخص دارد. کسی پشت خودرو او مسابقه دو نمی گذارد و اختلافش با سایر آحاد ملت به اندازه یک سرو گردن است. اما در کشورهای جهان سوم یک مدیر ناقابل دست چندمی می تواند زندگی یک فرد/خانواده را با دست نامبارکش سیاه و بلکه تباه کند. همچنانکه در زمان شاه یک پاسبان این کاره بود. در آن دوره توهین به یک درجه استوار توهین به شاه تلقی می شد! عواقبش هم بر همگان مشخص بود.

لذا باید کاری کرد قوانین کشور دارای کمترین تبصره باشند. در غیر اینصورت با دید خوشبینانه، اصل، فرع و فرع، اصل می شود و درحالت بدبینانه اصل و فرع یکی شده و فرد جایگزین قانون می شود. به امید روزی که مقامات کشورهای اسلامی تصمیم های کارستانی بگیرند و به جای ایستادن برای پست، پست را در برابر خود خبردار نگه دارند. تا ما هم به دنیا اعلام کنیم اینهم الگوهای دست نایافتنی مدیریت جهان اسلام.

لوح روز محشر

(۱۳۹۰)

روز محشر لوح آدم می دهند

لوح ماتم لوح خاتم می دهند

مژدگانی است مزد آدم می دهند

هرچه باشد روز آدم می دهند

دفاع از دین

(۱۳۹۱)

در دوره ای که بخاطر کارنامه بد مدعیان دین دفاع از دین از هر زمان دیگر سخت تر شده است.

حق من است دفاع از دین

به حق دین نه از بی دین

دفاع من از دین است

به پا نکنم دین از دین

ساعت دیدار خدا

(۱۳۹۱ برای زندگی نامه خودم انتخاب کرده بودم که حیفم آمد اینجا نیآورم)

از لقا تا مه لقا یک ساعت است

وقت شناسم راه من یک ساعت است

گر به راه افتم نیفتم بر زمین

با خدا دیدار من یک ساعت است

سلام حق

(۱۳۹۱)

سلام کردم خدا این یک سلام است

سئوال از من جواب از تو سلام است

به خود گفتم چه وقت بی مثال است

خبر آمد که از حق یک سلام است

یوم فصل

(۱۳۹۲)

(روزی که مومنین از دست غیر مومنین رهائی یابند یک نفس راحت از شر آنها خواهند کشید. افراد شرور در این دنیا وبال گردن آدمهای پاک نهادی هستند که فقط خیر خود و خیر دیگران را می خواهند. الهام از سوره مرسلات آنجائیکه می فرماید قسم به حق آنان که بحکم خدا حق و باطل را کاملا از هم تمییز داده جدا می کنند (آیه۴) و..روزی که در آن بین حق و باطل و سعید و شقی جدائی می افتد (آیه۱۳)

یوم وصل روز زمین

خوب و بد روی زمین

یوم فصل روز پسین

بهترین روز پسین

باغ برین

(۱۳۹۲)

باب زمین می خرند

باغ زمین می دهند

باغ مرا می خرند

باغ تو را می دهند

ضامن ها هوی من

(۱۳۹۲)

سر به فلک می کشم سایه به جوزا برم

ساعت خود را ببین ساحت خود را برم

من به فلک مانده ام ضامن ها هوی من

خنجر خود را بکش خسته خود را برم

دل دریا و صحرا

(۱۳۹۲)

من به دریا دل به دریا داده ام

سبز صحرا من به صحرا داده ام

دل شدم دریا شدم صحرا شدم

تا تو را ساعت به ساعت داده ام

جنتی

(۱۳۹۳)

یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعی إِلی رَبِّکِ راضِیَةً مَرْضِیَّةً فَادْخُلی فی عِبادی وَ ادْخُلی جَنَّتی(فجر/۳۰-۲۷)- هان ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. پس در زمره‌ی بندگان من درآی

کم نباشد آدمی تا آسمان بالا رود

بار خود بالا برد تا آسمان بالا رود

جنتی جنت جدا تا جنتی بالا رود

تا نگفتند وادخلی تا آسمان بالا رود

کارت خطاخوان

(۱۳۹۳)

روز سیاحت نگاهش خطا است

روز دیانت گناهش خطا است

فاصله مرگ و معادم یکیست

روز ندامت شمارش خطا است

مهبانگ (بیگ بنگ)

(۱۳۹۳)

لب خود را گزد دندان بگیرد

زمین از دست خود پنهان بگیرد

مهی زاید به ما مهبانگ بگیرد

زمین و آسمان باران بگیرد

ندیدند تو را (۱)

(۱۳۹۳)

بر سر دیوار نشستند همی

سایه دیوار ندیدند همی

پرده برون شد ندیدند تو را

محضر عالم ندیدند همی

ندیدند تو را (۲)

(۱۳۹۳)

زیر درخت هم ندیدند تو را

صبح سحر شد ندیدند تو را

مرغ سحر گفت نگفتم همی

دیده برون شد ندیدند تو را

روز قیامت از همین امروز است

(۱۳۹۳)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ- و آنان که مقام علم و ایمان داده شده‌اند (به آن فرقه بدکار) گویند: شما تا روز قیامت که هم امروز است در کتاب خدا مهلت یافتید و لکن بر آن آگاه نبودید (سوره روم آیه ۵۶).

قیامت روز مَهْد تا روز لَحْد است

به ما از روز حق تا روی حق است

به من گفتند سلام گویم سلاما

به لب گویم که این آداب حق است

دو سرا

(تاریخ سرایش۲۴خرداد ۱۳۹۳. به صورت درج نظر در سایت بینانیوز به تاریخ ۹۳/۱۲/۱۵ انتشار یافت. فایل ۱۲۹)

با تو سرا این دو سرا یک سرا — برزخ و دوزخ کجا آن سرا

دیده ندید جز همه جا یک سرا — یا که تو ساختی به جنت سرا

هاتف ما گفت به ما یک صبا — یا که بماندی به دوزخ سرا

بر در ما نیست به جز یک سرا — هشت در جنت به مولا سرا

ساحت شب تا به سحر یک سرا — هفت در دوزخ به دنیا سرا

مقصد این دور زمان یک سرا — عبد خدائی روی آن سرا

با تو کنند محکمه این سرا — حزب فغانی روی این سرا

تا به تو تکلیف کنند آن سرا — فاسد و فارغ کجا یک سرا

جنت فردوس بگویند سرا — عابد و عاشق فقط یک سرا

جناب عشق

(سروده شد به تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ و در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۶ به صورت درج نظر در سایت بینانیوز فایل ۱۰۸ انتشار یافت)

سعیی به سعی من نیست — ما عهد خود شکستیم

فخری به فخر من نیست — با خود یکی شکستیم

فخار این زمینم — عهد زمین محک نیست

فرشی به فرش من نیست — عهد غدیر شکستیم

رَستم که تا رسیدم — با بدگمان بگوئید

بی رس کجا رسیدم — ظرف زمان زمین نیست

بر لوح دل نوشتم — بر کار خود نبالید

رنجی به رنج من نیست — با بد خدا طرف نیست

انکار حق بعید است

اشکال فرد همین است

تا مرگ به چشم نبیند

با چشم سر بصر نیست

قرآن کتاب عشق است

بر من نظام عشق است

بر صالحان بگوئید

قرآن جناب عشق است

افسانه ما

(۱۳۹۳)

افسانه زمینیم

با هر کسی کثیریم

گر بار خود ببندیم

با هر کسی حریفیم

وحدت وجود ادیان آسمانی

(۱۳۹۳)

شیطان اگر رجیم است

رحمان ما رحیم است

بر اهل حق بگوید

جنات حق نعیم است

بنده من

فَادْخُلِی فِی عِبَادِی وَ ادْخُلِی جَنَّتِی

(۱۳۹۳)

ای خدا این یک زمین بارم مکن

آسمان بردی مرا خوارم مکن

محضری از جنتی هم بهتر است

محضرت بودم اگر دورم مکن

شیر و عسل

(۱۳۹۳)

ای که ما را می خری

خرج ما را می دهی

شیر ما هم می دهی

شیرین عسل هم می دهی

بار گران۱

(۱۳۹۳)

هرکه خدا را ندید یار گران را ندید

خانه خود را خرید بار گران را ندید

صنعت دیگر نخر طلعت دیگر مبر

روز قیامت رسید یاد گران را ندید

بار گران۲

(۱۳۹۳)

تا زمینی با زمین هم می روی

در سیاهی با سپیدی می روی

گر نپرسند تا کجاها می روی

روز بد دیدم چه روزی می روی

زمین و مرگ

(سروده شده به تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۲. درج نظر در سایت بینانیوز ذیل خبر زلزله ۴٫۶ ریشتری در فیروزکوه/ زمین‌لرزه تاکنون خسارت نداشته. مورخ ۱۳۹۴/۶/۳. فایل ۲۱۱)

آوخ که این زمین است — زیر زمین کمین است

زیر زمین زمین است — در را زند طنین است

از هر طرف که بینم — بر در زند ظنین است

این بار تو زمین است
از بخت بد نوشته

صد نقش تو جبین است
او زیر سنگ ندیده

در راه تو نوشتند
سنگ لحد ندیده

صد نام تو همین است
زنگ احد ندیده

اما چرا زمین است
فرق ملک ندیده

میل زمین زمین است
دائم به خود نگفته

زیرا عدد زمین است
تا بوده این زمین است

زیرا مدد وزین است
تا برده این زمین است

تا من خودم شناسم
زیر و زبر گذارد

مردم مرا شناسد
با سر زمین گذارد

بر سنگ من نوشتند
پایت برون نباشد

مردم تو را شناسند
بر خاک تو گذارد

با سنگ قبر شناسند
خاک کجا می برد

سنگی که سر نوشته
تا به کجا می برد

تاریخ مرگ نوشته
تا به خدا می برد

میزان مرگ نوشته

از مرگ بد نوشته

آدمی را ببرند

(۱۳۹۴)

دگران را ببرند هم دگران را ببرند

همه جا را ببرند هم همه جا را ببرند

نگران را ببرند هم نگران را ببرند

همگان را ببرند هم همگان را ببرند

بلدان را ببرند هم بلدان را ببرند

همه دانان ببرند هم که ندانان ببرند

هم تماشا ببرند هم به تماشا ببرند

با سواران ببرند هم به سواران ببرند

این قصه سر دراز دارد

(۱۳۹۵)

رفته نگوید کجا رفته است

کرده نگوید چه ها کرده است

بر سر بازار یکی گفته است

قصه دراز است کمی گفته است

روز رستاخیز

(۱۳۹۵)

کار به جائی رسید

آه به کوهی رسید

روز به روزی رسید

کوه به کوهی رسید

تا به خدا می برد

(۶ اردیبهشت ۱۳۹۵)

آب مرا می برد

خاک مرا می برد

آب کجا می برد

خاک کجا می برد

تا به کجا می برد

تا به خدا می برد

راه خدا رفتن

(۳ اردیبهشت ۱۳۹۵)

هرگز از این دیو خود

دیوتر از خود ندید

لولو و مرجان ندید

دلبر و دلبند ندید

آنچه مرا زنده کرد

زنده و سرزنده کرد

فربه و بالنده کرد

واله و فرخنده کرد

رفتن راه جدا

گفتن نام خدا

دیدن جام خدا

آدم بد

(۱۳۹۵)

سگ به ما عو عو کند

خر به ما عر عر کند

این دو از ما بهترند

کمتر از این بهترند

گاهی آدم ها بدند

گاهی از بد بدترند

گاهی از من بهترند

گاهی از سگ بهترند

گاهی جنت جایشان

گاهی برزخ راهشان

گاهی حیف از نون شان

گاهی زجر مظلومشان

روح بد ارواحشان

مرگ بد همراهشان

فاصله ها

(۱۳۹۵)

فاصله زیر و زبر این زبر

فاصله حرف و عمل این عمل

نیست به من فاصله ائی جز خدا

فاصله قرب من و این خدا

محنت ما نیست مگر قرب ما

علت ما نیست مگر مرگ ما

قرب الی الله بگو قرب ها

ترس خدا نیست مگو ترس ما

دور سفر نیست مگر این سفر

قوس و قزح نیست مگر این قزح

ریشه ما نیست مگر ریش ما

صحبت ما نیست مگر پیش ما

دست تو دادند کمان خدا

دست تو جویند کمان خدا

تا که نباشد کمان خدا

دست تو خوانند بنام خدا

زمین و آسمان

(شهریور ۱۳۹۵)

حیاط آسمان روز زمین است

غرور آسمان عرش برین است

فرود آسمان زیر زمین است

سرود آسمان شعر زمین است

در این دوران خلق خلق عظیم است

در این صحرای مرگ مرگ عجیب است

به جز بر زنده ها فکر عجیب است

به گور ماندن بگو تا نفخ صور است

کیان آدمی با آب و خاک است

لباس آدمی با تار و پود است

مجال آدمی با مرگ خوب است

نشان آدمی با روح خوب است

مگر مهران روی مهران بماند

مگر میدان روی میدان بماند

به صد لشگر یکی سرحد بماند

مگر جنگل روی جنگل بماند

بهشته

(۱۳۹۵)

باغ خدا بهشته

یاد خدا بهشته

سر در خود نوشته

بنده من بهشته

حق رسیدم

(۱۳۹۵)

در دم آخر به حق رسیدم

بر سر سوزن به حق رسیدم

من که ندیدم کجا رسیدم

محشر دیگر به حق رسیدم

زمین و زمان

(۱۳۹۵)

ما هر زمین نماندیم در هر زمین بمانیم

ما در زمان نماندیم تا هر زمان بمانیم

تا هر زمان بخواهد ما در زمین بمانیم

بعد از وفات ندانیم تا کی کجا بمانیم

اهل نصاب

(۱۳۹۵/۹/۱۵)

هرکه ریا هست غبارش دهند

هرکه نزار است نظامش دهند

آدم دانا مقامش دهند

آدم نادان زبانش دهند

واله عالم جهاتش دهند

مانده عالم حیاتش دهند

مدت معلوم زنانش دهند

مهلت معلوم مجابش دهند

شاعر اول سلامش دهند

مطلع اول تمامش دهند

هرچه نویسد روانش دهند

نسخه عالم بنامش دهند

هرکه شمارد شمارش دهند

با تو شمارد ثباتش دهند

فاتح آدم مرامش دهند

خاطر آدم همامش دهند

من که نشستم کدامش دهند

مدت دوری است خطابش دهند

اهل نصاب ام نصابش دهند

نور جهان است جهانم دهند

شرح بهشت و جهنم

(۶ بهمن ۱۳۹۵)

وصف دو عالم نبی داده شرح

وصف نبی را علی داده شرح

شهر من العلم علی بابها

باب علی را نبی داده شرح

قدر نبی و علی

(۶ بهمن ۱۳۹۵)

قدر نبی علی گفت

قدر علی نبی گفت

غیب خدا نبی گفت

غیب نبی علی گفت

معاد

(۱۰ بهمن ۱۳۹۵)

مه نامه ها لطیف است — برنامه ها ظریف است

من نامه ها نظیف است — میلاد اگر همین است

شه نامه ها شهیر است — میعاد من وخیم است

من زاده زمین ام
هشت در بهشت سلام است

از زنده ها بعید است
هفت در برشت فغان است

صورت زبان دین است
از هر رهی دو درب است

زینت فغان دین است
درب بهشت زیاد است

دیوانه ها بدانند
زیرا که خلق زیاد است

دیواره ها ضخیم است
جنت مکان زیاد است

هر دست ما گواه است
جنت جمال عشق است

هر راه ما صراط است
عشق است که صد نشان است

رازی اگر بماند
دفتر نوشته اصل است

رازی است که دست ماند
دادند به راست بهشت است

رازی است که حق بداند
دادند به چپ برشت است

مردم چرا دوان اند
از در نرو که در نیست

دیدم چقدر روان اند
با سر نرو که سر نیست

مادر نپرس سئوال است
دایم بگو تمام است

خود را بپا تمام است
رفتم بهشت تمام است

معاد

(سوغاتی دقیقه ۹۰ خدا به من درست پیش از قرار دادن متن در سایت. این متن حاصل دو هفته کار شبانه روزی است که امروز به بار نشست. سروده حاضر مربوط به صبح روز جمعه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۵ پس از اقامه نماز صبح است. بلافاصله تایپ و پس از بازدیدهای مکرر متن در سایت قرار داده شد).

حاصل عمر زمین
باغ تو را می برد

رفتن از این زیر زمین
کاخ تو را می خرد

دیدن روی زمین
خانه خود می برد

دیدن بالا زمین
خانه فراخ است خدا

دیدن والا زمین
خانه فراز است خدا

فاصله دیدم خدا	خوش تر از این قصه نیست
کار کمان است خدا	خطبه ما خواندنی است
خانه تحویل او	غصه ما خوردنی است
کامل تدبیر او	قصه از این زودتر
خانه تطهیر او	روزی از این بیش تر
خانه مخلوق او	زنده ما می برد
میل قدیم خوردن است	مرده ما می خرد
میل جدید دیدن است	خاک زمین می خرد
دیدن عرش خدا	پاک زمین می دهد
دیدن فرش خدا	اصل مرا می برد
دیدن هرچه خداست	وصل مرا می دهد
دیدن ایوان او	نقشه دیگر کجاست
دیدن کیوان او	بسته دیگر کجاست
معامله ها روشن است	ریشه ماتم کجاست
یک به ده هم روشن است	ریشه خاتم کجاست
باب رحیم روشن است	اصل وصالم کجاست
باب رجیم جوشن است	اصل نشانم کجاست
نسبت ما با خدا	حکمت او بالغه
نسبت حق با خداست	رحمت او واسعه
دوزخ او دافعه	جنت او جاذبه

بهشت ملازم ها

(۱۳۹۶/۸/۳)

بهشت، بهشت ملازم هاست. بهشت سرافرازی ها است. محل ارائه مدارک ها و گرفتن مدارج ها است. ملائک است و مجالس. تالارهای تو درتوی دست نایافتنی. احسان خوبی است. کمی کمتر نباشیم به جز آنجا نباشیم

بهشت آنجاست که این صنعت نباشد

سبک آنجاست که این فرهنگ نباشد

بهشت آنجاست که فردائی نباشد

زمین باشد ولی ساعت نباشد

بهشت آنجاست که سربازی نباشد

ذهب باشد ولی مذهب نباشد

بهشت آنجاست که جز خوبی نباشد

ملک از چشم ما پنهان نباشد

بهشت آنجاست که فریادی نباشد

دوا باشد ولی درمان نباشد

بهشت آنجاست که تعدادی نباشند

جناب آشنا کمتر نباشد

بهشت آنجاست که مرد تنها نباشد

به جز دیدار دوست دوستی نباشد

بهشت آنجاست که جز انسان نباشد

یکی بدحال یکی خوشحال نباشد

جواب آمد که این دنیا نباشد

قسم خوردم که جز دنیا نباشد

بهشت مرادها

(۱۳۹۶/۸/۳)

بهشت، بهشت ملازم هاست. بهشت سرافرازی ها است. محل ارائه مدارک ها و گرفتن مدارج ها است. ملائک است و مجالس. تالارهای تو درتوی دست نایافتنی. احسان خوبی است. کمی کمتر نباشیم به جز آنجا نباشیم.

آسوده ها بدانند — نه فخر فخر دین است

این فرض مرد دین است — از هر سرا تو رفتی

در آن سرا نه دین است — یک صد سرا بدور است

رو هر کجا که رفتی
جائی که مرگ ندارد

رو هر کجا که دیدی
جائی که مشق ندارد

هر دیدنی دیار است
جائی که سرسبیل است

این دیدنی وقار است
جائی که مهد دین است

یک دیدنی خدا هست
جائی که اندرون است

یک دیدنی کتاب است
جائی که بر زمین است

یک دین ما سلام است
روی زمین ضمیر است

یک دین ما پیام است
زیر زمین کویر است

یک دیدنی ثواب است
کمتر کسی بدیدم

یک دیدنی جواب است
از کار خود بدور است

یک راز ما خطاب است
یا درعنفوان دین است

یک کار ما بیان است
یا در خلاف دین است

حیف است که ما بخوابیم
این کل ماجرا نیست

جائی که شب ندارد
در سطح من نباشد

کار مانده

(۱۳۹۶/۱۲/۱)

کار زمین رفته است

کار زمان مانده است

کاربران خسته اند

کار کجا مانده است

غم تو

(۱۳۹۷/۱۰/۱۶)

گفتم غم تو دارم

گفتند که من ندارم

گفتم چرا نداری

گفتا تو را ندارم

اصحاب ما یقین است

اسباب ما نقیب است

هر رهگذر بداند

الطاف ما ثمین است

سفر آخرت

(۱۳۹۷/۱۰/۱۶)

همگان دوست ندارند بروند

دل دوست هم که ندارد برود

سفر آخرت است خود دانی

آخرین قصه ما خوش برود

آدمی دیدم که رفت در آسمان هفتم است

(۱۳۹۷/۳/۹ برابر با ۲۵ ماه مبارک رمضان)

سلامت گفتم و سالم نگفتم

علامت گفتم و عالم نگفتم

برای صبح و شب شادی نگفتم

امان از زندگی عادت نگفتم

زینهار جز مسلمان نمیرید

(۱۳۹۷/۳/۹ برابر با ۲۵ ماه مبارک رمضان)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ- ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا آن گونه که حق پرواکردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید (آل عمران/۱۰۲).

همگان خانه فروش جاده فروش روده فروش سفته فروش مرده فروش خرده فروش دنبه فروش غصه فروش چونه فروش کهنه فروش تا که فروش ژنده فروش

جلوه بر من نفروش زنده بگور زنده فروش

نرود آدم بد نخلستان

نبرند آدم بد ترکستان

به درازا نبود عمر عزیز خوش دارم

قبل مردن به خود آیم خوش باشم

ورنه باید ببرند آب کنند خاک کنند چاه کنند

قبل مردن ببرند فال کنند

بعد مردن ببرند چال کنند

سهم خود را ندهم مال کنند

آدم از بی بصری آدم خود را نشناخت

تاج خود را که نداد تاج خدا را نشناخت

به خدا بهتر از این وصف نبود

خانه ی تا به ابد خاک نبود

بروم خانه خود بهداری است

نروم خانه خود دهداری است

بهترین خانه من دلداری است

دل من با تو خدا زندانی است

زمین بستر قیامت

(۱۳۹۸/۳/۱۹)

زمین به من کاری نداشت

کارگری جدا نداشت

وقت سحر سخاوت است

وقت سفر سلامت است

جای جهان دو جا نبود

جای دگر دو جا نبود

دولت عشق فراتر است

فرق زمین برادر است

کل جهان صناعت است

بین جهان سلامت است

کمتر از این کرامت ماست

بیشتر از این قیامت است

سر به تنی زیادت است

کز همه جا خیانت است

بیست شمار شمارش است
روی زمین دیانت است

شهرت تو ستایش است
زیر زمین اطاعت است

آدم تن تناول است
بین زمین قرابت است

آدم بد چپاول است
گام دگر قیامت است

سعی نکند فرار کند
باز نگو کجا رویم

خرتر از او برابر است
کل کرات این زمین

گاه نگو بهشت کجاست
کل فلات این زمین

زیر سر دعای توست
نور تو چلچراغ توست

زیر دم نگاه توست
صبح تو سرشمار توست

پر نزنی قیامت است
بار دگر کجا رویم

کم نزنی سیادت است
منزل دوست کجا برد

حرف زیاد خیانت است
بانک که زدند سوا کنند

حرف حساب عنایت است
درب خدا جدا کنند

کل نگاه نگار توست
من به خدا سلام کنم

کوچه گل خمار توست
کل جهان سلام کنند

بازی گل قمار توست
ساحت او مقدس است

قله کوه کمال توست
ساعت او محدب است

هر دو جهان ضمانت است
جام خدا مکانت است

هر دو فراخ فراغت است
باغ خدا سرآمد است

بهشت و جهنم

(۱۳۹۸/۱۰/۸)

این قضاوت بهتر است
در قضاوت اول است

روح ما چون نور ماست
بر جماعت سرور است

گر بخندد خنده است
تا نگوید ماه من

گر بگرید گریه است
ماه هفتم بهتر است

چشم کجا بیند کجاست | کار چرخ هم می برند
بی شمار بیند کجاست | بی جهت کم می برند
آب نما بیند کجاست | با جهت صد می برند
زیر پا بیند کجاست | یک نهایت بی نهایت می شود
خاطرات گویند به هم | هرچه گوید می شود
خاشعات گویند به هم | آب باران می شود
شکر این روز را کنند | آب حیوان می شود
روزه خود را کنند | حور و غلمان می شود
بر سرا بینند سلام | کور بینا می شود
بر خدا گویند سلام | لحظه لحظه می شود
روبرو بینند به هم | کوه نور هم می شود
روبرو گویند به هم | خوش ترین روزهای شب هم می شود
نطق ندارند بر زبان | شان او وارسته است
بی زبان گویند به هم | هرچه خواهد می شود
گل ترین بویند به هم | من نگفتم دوزخ است
برترین جویند به هم | دوزخی زود می برند
میوه ها چینند به هم | روی هیزم می برند
سینه ها ریزند به هم | برده وار هم می برند
نعمتی دیگر نماند | من نبینم این صفت
از لقا گویند به هم | من نباشم بی صفت
یک زمین دیدار اوست | جای دیگر می برند
یک ضمیر بینای اوست | جام دیگر می دهند
تا ثریا می برند | من نگویم می برند
گرد گرد هم می برند | با بفرما می برند
کار چرخش با خداست | اهل و سهلا می برند

لازمانی و لامکانی انسان

(۱۳۹۹/۷/۲۳)

امروز اول صبح که برای نماز صبح برخاسته بودم به یاد قیامت افتادم و به مطلبی رسیدم که در کل این متن کمتر به آن پرداخته بودم و آن لازمانی و لامکانی انسان در روز قیامت است. در تاریکی شب مطالب زیر را نوشتم تا یادم نرود. نزدیک ظهر قبل از شروع به تایپ اینترنت را جستجو کردم. دیدم کلی مطلب برای لازمان و لامکان است. برای عالم آخرت که لامکان و لازمان است و انسان در آن خلود و جاودانگی خواهد داشت و این قول ملاصدرا که خداوند بی نهایت است و لامکان و بی زمان است.

وقتی انسان در قیامت لامکان و لازمان است چه فرق می کند روی زمین، زیر زمین، بهتر از زمین یا هرجای دیگر از زمین و آسمان باشد. مهم این است انسان در آن دنیا زاد و ولد ندارد. ساعت ندارد. آسمان امروز را ندارد. **اما یک تفاوت با خدا و ملائک دارد و آن نیاز به خوردن دارد!** زیر در زمین خورده است. یک بخش از جذابیت وعده خدا برای بهشت دیدن و خوردن و آمیزش کردن است. سه نقطه ضعف بزرگ همه انسانها. در انسانهای عادی بیشتر، مهلک تر و ویرانگرتر. در زمین اگر بیداد می شود بواسطه این نقاط ضعف لجنی انسان است.

در قیامت نه نیاز به آب است، نه برق است، نه نور خورشید است، نه نور مهتاب است، نه گردش ایام است، نه دغدغه فردا هست. یک آسودگی کامل. یک خلود دائمی در سایه رحمت های الهی که فعلا تصور آن بر ما غیرممکن است. اما امیدبخش است. می توان به آن یقین کرد و در سایه آن زمین کرد.

دو دنیائی هم مصداق عینی خود را دارد. در قرآن آیاتی زیادی دلالت بر فرود فرشتگان بر زمین دارند. از شهر رمضان گرفته تا آمدن حضرت جبرئیل به حضور رسول الله (ص) و تا وارد شدن ملائک بر حضرت ابراهیم (هود/۷۰-۶۹) و حضرت لوط (هود/۸۰-۷۷).

اگر به این آسانی است چرا در قیامت این امر بر بهشتیان امر عادی نباشد؟ جسم اگر بی بدیل باشد مزاحمتی بر عروجش نیست. انرژی برای آن نباید مصرف بکند. چون روح در پرواز است و چون نور در میقات است.

یک باغ فیض است

یک کار فیض است

از بس که فیض است

دنیای فیض است

زن در وصال است

مرد در خیال است

آدم به خواب است

آدم به حال است

عاشق بداند

دنیا سراب است

عقبی قرار است

غایب نماد است

دنیا کتاب است

اینجا کجا هست؟

یک دست لباس است

یک وقت نگاه است

یک وقت پگاه است

دارالسلامی است

تنها به ما نیست

کل بشر را دیدم کتابی است

هر ارجمندی یک دست کتاب است

یک دستگاه است

تا دیده باشیم

بینای فخر است

دنیای عصر است

این جسم نباشد من هم نباشیم

خویشتن نباشد خویشم که باشد

شورم که باشد

شعرم که باشد

پنهان نباشد

ایمان که باشد

ایقان که باشد

ایقان که باشد

صد گفته ما یکجا نباشد

جهان عقبی- جهان اولی

(۱۳۹۹/۸/۳۰)

یک جهان عقبی است

یک جهان اولی است

اولیای ما اولی

اوصیای ما عقبی

عاقبت اولی

عافیت عظمی

آب و خاک و روح

(۱۳۹۹/۱۱/۲۱)

تا زنده ایم آبیم

مردیم خاکیم

ماندیم آب و خاکیم

ماندگاری به روح پاک است

پاکدستی هم روح پاک است

روح ها روح ناز است

خاک ها خاک باز است

این قیامت روز پاک است

روح و جسم با آب و خاک است

گر بمیریم باز روح پاک است

هرچه باختیم از جسم و خاک است

خاطرات با من نیآمد

خاطر دیگر به راه است

دوزخی در کار نیست- ارواح، تنبیه نمی‌شوند! نظر پاپ فرانسیس

این خبر مربوط به فروردین سال ۱۳۹۷ است که مجددا در روزنامه های ایران انتشار یافته است.

یک روزنامه‌نگار ایتالیایی از پاپ راجع به دوزخ می پرسد. او هم پاسخ می دهد: جهنمی وجود ندارد و ارواح بد مجازات نمی‌شوند، کسانی که توبه کنند آمرزش خدا را به دست می‌آورند و وارد فضایی روحانی و محترم می‌شوند، اما کسانی که توبه نکنند بخشایشی به دست نمی‌آورند و نیست و نابود می‌شوند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰/۶/۱).

مقامات واتیکان مثل موارد دیگر چون موضوع همجنس بازی و نظر پاپ در تدوین یک قانون وصلت شخصی! (مراجعه شود به مقاله همجنس گرائی یا دگرباشی در انسان در همین سایت) اینبار هم خطای لفظی و نه قلبی او را اینگونه توجیه کرده است: کلیسای کاتولیک به وجود دوزخ یا جهنم باور دارد و آن را ابدی می‌شمرد. طبق تعالیم واتیکان، ارواح گناه‌کاران در دوزخ فرو می‌روند و آن‌جا در "آتش ابدی" می‌سوزند. از طرف دیگر، اسقف وینسنت نیکولس، عالی‌رتبه‌ترین کشیش کاتولیک در انگلستان، گفته است: "در هیچ‌جای آموزه‌های کاتولیک نیامده است که واقعا گفته باشد کسی در دوزخ است". همین توجیه های علمی که خاص این دین نیست و همه ادیان گرفتار آن هستند موجب شده است امثال ویکتور هوگو از دین رسمی خود تبری بجوید و سراغ محمد (ص) برود.

من در یکجائی از این متن آورده ام: معاذالله (زبانم لال) اگر من به جای خدا بودم در روز رستاخیز همه را به جز بدکاران محشور می کردم!! تا مدفون شدگان الی الابد خاک بمانند تا بدانند از وحوش (حیوانات) هم کمترند. علت این است دیدن و شنیدن شرح حال این ارواح پلید واقعا در این دنیا سخت است چه بماند روز قیامت! حیف از آتش جهنم است. اما تدبیر خدا بعضا بر نجات آنها در دراز مدت است. عقوبتی در سطح اعمال خودشان هست که در دنیا امکان اجرای آن نیست.

گفت علم یقین را نه او گفته است

هر سه یقین را خدا گفته است (علم الیقین، حق الیقین و عین الیقین)

خاطره دارم همو گفته است

رمز جهنم هوگو گفته است (مراجعه شود به مقاله سال یازدهم هجری-اثر ویکتور هوگو در این سایت)

حالت دیگر همو گفته است

دست تو خاک است کمی گفته است

دست تو باد است به باد گفته است

نار نشان است خدا گفته است

دوزخ و "زقوم" خدا گفته است (لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ- قطعا از درخت زقوم می‌خورید. صافات/۵۲)

پوست بگوید به پوست گفته است

پوست بروید به دوست گفته است

صحنه دیگر شدید گفته است

ساعت دیگر زمین گفته است

آب ندارید امان گفته است

نان دارید اذان گفته است

رمز جهنم هوگو گفته است (Hell will only burn in its fatal mystery/ Only what has not touched the ashes, and God)

مرد جهنم کمی گفته است

اضلاع زمین

(۱۴۰۱/۸/۱۷)

همه در ماتمکده دنیا به دنبال آتشکده قیامت هستند. قلیلی در پی ماهکده هستند. ماه را در آسمان و راه را در ریسمان می جویند.

همه اضلاع زمین اند — چقدر قافیه تنگ است

همه در بام زمین اند — سر ساعت سر پیچ اند

بروند باده نشین اند — ره برگشت ندارند

نروند خانه نشین اند — به خطا رفته خمودند

کمی هم گوشه نشین اند — همه از خویش بترسند

سر زلف حجله نشین اند — مگر این ریشه ببینند

مردمی خوش تر از این اند — به صف آهسته نشینند

غم خود آسوده بگویند
به خدا مژده از این سو

چقدر رنگ به رنگ اند
که لبی تشنه ندیدند

غم خود پرده بپوشند
سر غم سفره ندیدند

مگر امروز ببینند
به فلک نامه نوشتند

دل خود شاد نمایند
که فقط روز نه امروز

صف خود چاپ نمایند